

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۱

پیشگفتار

خداوند جهان را خلق کرد و هدف از خلقت را معرفت خودش اعلان نمود و مقدمه این معرفت را، شناخت انسانهایی قرار داد که خلیفه اسماء، و مظهر صفاتش بودند.

انسانهایی که اولیاء خداوند نامیده شدند و ولایت و سرپرستیشان در مسیر کمال برای همه حق پویان ضرورتی بی بدیل بود.

و این چنین همه محبتها و بغضها، فعلها و ترکها، گفته ها و سکوتها، و خلاصه تمامی قبضها و بسطها جهتی واحد یافت.

خداوند مقام ولایت را به کسانی واگذار کرد که می دانست بدون این مقام نیز گوی عبودیت را از دیگر مخلوقات خواهند ربود و این چنین بود که محمد و بعد علی و فاطمه، حسن و حسین و فرزندان پاک حسین - که مدام بارش رحمت خداوند بر آنها باد - را که برتر می نمودند مرتبه ای بالاتر داد.

آنها سر سلسله انوار قدسی گشتند و بر اسن اساس هرچه فیض بود و رحمت و هرچه منع بود و عذاب، ابتداء پیشنهادش را لایه های پائین تر نور می دادند و وقتی به سر سلسله می رسید او بود که باید اراده می کرد و اذن می داد و این سنتی گشت ابدی تا آخر روزگار جاویدان.

و این همه از قیمومیت و مشیت حضرت حق نکاست که همه فرمانش را می بردند و بی اراده او نه نفسی می آمد و نه پلکی می زد و نه اندیشه خطور می کرد که لا حول و لا قوة الا بالله.

و این چنین شد که محمد را بی صلوات و بی رحمت هیچ کس یاد نکرد و چون خورشید وجودش سیزده قمر داشت خودش را از آنها و آنها را از خودش می دانست و آنها یک واحد کل گشتند هر چند بعضی دارای امتیازاتی خاص بودند.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۳

هرکس که اهل حقیقت و وفا شد، چون نام محمد را ببرد، برای او و اهل بیت گرامیش - بیاس نعمت هدایتی که یافته بود - از خداوند طلب رحمت نمود و بی رمز و موجز نویسی آخر نامش نوشت: صلی الله علیه وآله وسلم.

و اما امام حسین (علیه السلام)

در این میان امام حسین (علیه السلام) با کربلائی که انتظارش را می کشید به عبودیت حضرت حق چنان عمقی بخشید که سزاوار این گشت تا دیگر انوار درخشنده عرش امامت از او بتابد، با فضیلت‌ترین فرزندان از پس هم امام باشند و اصحابش بی هیچ استثنائی «خیرُ الأصحاب» لقب گیرند و خود درجه‌ای متفاوت از همه اولیاء خداوند بگیرد و سرور به شهود رسیدگان و شهیدان گردد و بالاتر آنکه مهدی همه امتها، فرزند او باشد و کاری برای بشریت انجام دهد که صادق این خاندان بفرماید: او دارای حقی بزرگتر از من است^۱. امام شهیدان را هریک از اولیاء خداوند که قبل از او بود استقبالش نمود و هرکه بعد او آمد بدرقه‌اش کرد.

نام محزونش را هر شیفته حقیقتی شنید چشمانش به نم نشست، و یا لااقل اندوه عشق را به نمایش گذاشت و تباکی نمود.

خداوند، مرثیه سرایش شد و همه موجودات خداوندی که تسبیحش را می گفتند برایش گریستند و گروهی عظیم جز این کاری را عهده دار نشدند.

و برای ایفاء این رسالت عظیمی بود که پیامبر اسلام نگذاشت حسین از شیر هیچ انسانی حتی حبیبه اش فاطمه بنوشد که خود هر روز می آمد و انگشت و یا زبانش را در دهان حسینش قرار می داد و او را به قدرت خداوند این چنین سیر و سیراب می کرد تا گوشتش از او بروید و خونس از او بجوشد و شکلش به او مانند گردد و جود و سخاء و رحمت و شجاعت را از او به ارث برد.

^۱ كَانْ أَعْظَمَ حَقًّا عَلَيَّكَ مِنِّي.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۴

او برای یاری دین خداوند که کامل‌ترین نعمت خداوندی بود به پاخواست. دینی که می‌خواست انسان را به رازِ سرِ بُمهرِ خلقت، که همان ولایت بود آشنا سازد تا با سجده بر این راز، کلید توحید را به دست گیرد و بر قاف قریش صعود کند.

راه بی ولایت

شیطان سوگند یاد کرده بود که بر صراط، همان راه ولایت، بنشیند و انسانها را، بی‌راه و بی‌ولایت و فاسق کند و آنها را به راهی ببرد که خود رهروش شده بود راهی منتهی به عمیق‌ترین جای دوزخ.

او می‌دانست ولایت یعنی خلوص، یعنی عدل، یعنی عبودیت، یعنی باران آسمان و سبزه زمین، یعنی رضایت خداوند از انسان، یعنی سجده بر آدم. او می‌دانست:

بی ولایت چرخ آسیاب اجتماع بشری نمی‌گردد.

بی ولایت هیچ دعائی از سر خیر خواهی مستجاب نمی‌شود.

بی ولایت هیچ عفو و آمرزشی از سوی خداوند محقق نمی‌شود.

بی ولایت گناه و پلشتی همه انسانها را در بر می‌گیرد.

بی ولایت بت‌های انسانی جای معبودهای سنگی را می‌گیرد.

بی ولایت هیچ عمل به ظاهر نیکوئی صالح نبوده و مورد قبول خداوند نیست.

بی ولایت نعمات مادی خداوند به شدت محدود شده و در نتیجه فقر و تبعات آن دامان همه انسانها را می‌گیرد.

بی ولایت هیچ حکومتی قادر به عملی نمودن شعارهای انسانی خود نخواهد بود.

بی ولایت هیچ دین و مکتبی نمی‌تواند منتسب به خداوند باشد.

در مستندات اسلامی مطالب فراوانی است که مسائل فوق را تأیید می‌کند مثل:

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۵

۱. امام علی (علیه السلام) خود را همچون چوب وسط سنگ آسیاب می داند که هر زمان خارج شود، سنگ از جای خود منحرف شده و ضرری هنگفت بیار خواهد آورد.^۲
۲. فلسفه حج آمدن خدمت امام و تعلم دین از ایشان است^۳ لذا اتمام حج به زیارت اهل البیت (علیهم السلام) خواهد بود.^۴
۳. معرفت میزان ارزش هر انسانی است و معرفت به معنای فهم روایات اهل البیت (علیهم السلام) است.^۵
۴. محبت اهل البیت (علیهم السلام) به تنهایی موجب ثواب ثلث اعمال عباد است و یاری اهل البیت با زبان موجب دوسوم دیگر از ثواب و یاری ایشان با دست موجب همه ثواب اعمال عباد است.^۶
۵. عمل بدون معرفت امام (علیه السلام) قبول نمی شود^۷ هرچند این عمل باندازه مکث نوح در قومش زمان برده باشد و یا کوه احدی را از طلا انفاق نموده باشد، و یا عمرش طولانی شود آنقدر که هزار حج بجا بیورد و سپس بین صفا و مروه کشته شود.^۸
۶. خداوند می فرماید: من بخاطر عترتش (پیامبر) ثواب می دهم و عقاب می کنم.^۹
۷. آمرزش خداوند نصیب کسی می شود که در مقابل اهل البیت (علیهم السلام) تواضع نماید زیرا می فرماید: باب حطّه امت اسلامی، اهل البیت (علیهم السلام) هستند.^{۱۰}
۸. ولایت کلید ورود به همه اعمال است زیرا ولیّ، انسانها را به این اعمال راهنمایی می کند.^{۱۱}
۹. منکر ولایت مثل پرستنده بت است و مورد آمرزش قرار نگرفته و دعایش مستجاب نمی شود.^{۱۲}

^۲ بَعَثْتَهُ أَثِيبٌ وَأَعَاقِبٌ.

^۳ اشاره به آیه ۸۵ سوره بقره: إِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۶

۱۰. محبت نسبت به دوستان اهل‌البیت (علیهم‌السلام) بدون شناخت از مباحث کلامی، موجب دخول در بهشت است و دشمنی این چنینی نیز موجب دخول در دوزخ است.^{۱۳}

۱۱. إقْتَرَفَ حَسَنَهُ وَانْجَمَ كَارَ نِيكٍ، در آیه «مَنْ يُقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حَسَنًا» (و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد]، برای او در ثواب آن خواهیم افزود^{۱۴})، اهل‌البیت (علیهم‌السلام) هستند.^{۱۵}

کوشش شیطان برای انحراف از راه ولایت

شیطان با یاران خویش همه وسوسه‌اش را به کار می‌بندد تا راه ولایت را معوج و ناستوار نشان دهد و بی‌راه‌ضالیت را، استوار و مترقی جلوه دهد و در این مسیر از هیچ کوششی دریغ نکرده است. مهمترین کوششهای شیطان برای گمراه ساختن انسانها از صراط ولایت و هدایت به ترتیب اولویت:

- ۱- انکار خداوند و اتفاقی نشان دادن خلقت و موهوم جلوه دادن دین.
- ۲- ظالم معرفی نمودن خداوند و خیرخواه نشان دادن خود و این که می‌خواهد انسان را در دنیا به اوج لذت برساند.
- ۳- معرفی دین به عنوان یک تجربه درونی و شخصی بدون این که دین روشهای انحصاری، عمومی و جزئی را برای رشد ایمان معرفی نماید.
- ۴- محدود نمودن شریعت (برنامه‌های رفتاری) به امور کاملاً شخصی مثل نماز آن هم با حذف ابعاد اجتماعی.
- ۵- دخیل دادن منابع بشری برای تعیین احکام اسلام.

اعجاز هدایت

رزق هدایت همچون رزق مادی برای همه انسانها وجود دارد، منتها این انسانها هستند که باید آن را به دست بیاورند.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۷

برای رسیدن به اوج کمال باید از کرنش در مقابل حقیتهای پیرامون شروع نمود، اموری که فهمشان نیازمند راهنمایی نیست، مثلاً باید دروغ نگفت، بدگوئی نکرد، فریب نداد، ستم ننمود، به پدر و مادر احسان کرد، به دیگران کمک نمود، اهل کار و تلاش بود، در انجام کارهای محوئه، تخصص و تعهد لازم را داشت، به حق اعتراف نموده و هزینه همراهی با آن را پرداخت کرد. وقتی انسان، صفات انسانی را در خود رشد دهد از چاه حیوانی خارج شده و نوبت به هدایت انسانی او خواهد رسید و آنوقت است که اسباب جهان دست به دست هم داده و توفیق، یار فرد شده و در زندگی انسان اتفاقاتی می افتد که واقعا دست غیب خداوند در آن مشاهده می شود و آنوقت است که معجزه هدایت شکل می گیرد.

تاریخ نام انسانهای هدایت یافته ای را در خود دارد که با محاسبات مادی هیچ راهی برای عروج آنها متصور نبوده است. و از طرف دیگر اگر انسان با پشت پا زدن به صفات انسانی راه سقوط را در پیش گیرد معلوم بوده است که از ابتدا در جلگه هدایت یافتگان نبوده است هرچند به ظاهر جزء یاران و حتی فرزندان انسانها کامل باشد. و تاریخ نام این دسته از انسانها را نیز بسیار در خود دارد، آنهایی که هیچ تصور نمی رفت این چنین سقوط کنند.

اما این کتاب

در کتاب حاضر تلاش شده است تا بر اساس آیات و احادیث فراوانی که مورد مطالعه قرار گرفته است فضیلت زیارت سرور شهیدان حضرت امام حسین (علیه السلام) به درستی تبیین شود تا:

نمی از یم شخصیت امام حسین (علیه السلام) بهتر مورد تعمق قرار گیرد.
در حادثه عظیم کربلا بیشتر تدبیر شود.
نقش زیارت در بین دیگر اعمال مشخص شود.
جایگاه زیارت حضرت در بین دیگر زیارات تبیین گردد.

خداوندا! ما را در مسیر صراط مستقیم اوجی بیشتر از اکنون عنایت فرما!
خداوندا! توان پذیرش ولایت سنگین «و اولی الامر منکم» را به ما عنایت فرما!
خداوندا! ما را شاکر نعمت عروه و ثقی و متین، نعمت ماء معین، نعمت اکمال
دین به ما عنایت فرما!.

سید علی روح بخش

تهران - تابستان ۸۶

حقیقت زیارت

زیارت به معنای دیدار است و چون امام حیات طیب دارد، محدود در جسم مادیش نمی‌شود، همیشه و همه جا حضور دارد و حضور کنار قبرش تنها فرصت برای اظهار شیفتگی و وفاداری است. درست مانند کعبه که هر چند خانه خداوند است ولی خداوند محدود به جا و مکانی نیست که هر جا رو کنید خداوند و وجه خداوند را که امامان بزرگوار هستند آنجا خواهید یافت (وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ^{۱۶}).

در میان امامان بزرگوار (علیهم‌السلام) زیارت سه امام هم‌ام از برتری ویژه‌ای برخوردار است: امام علی (علیه‌السلام)، امام رضا (علیه‌السلام) و امام حسین (علیه‌السلام).^۱

دو پیشوای اولین و هشتمین، بعثت مخفی بودن قبر و یا دوری مسیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، تا شیعیان ایمانشان را به همه امامان بزرگوارشان حفظ کنند و دچار تفرقه بین پیشوایانشان نشوند.

در این میان ترغیب اصلی روی زیارت امام شهیدان (علیه‌السلام) وجود داشته است همچنان که دشمنان خداوند نیز، همه تحقیر و تهدیدشان را روی این زیارت متمرکز نموده‌اند.

روایاتی که فضیلت زیارت سید شهیدان (علیه‌السلام) را بیان نموده‌اند و یا در باب آداب و نحوه زیارت سخن گفته‌اند، بقدری متکثر و فراوان است و محتویات آنها باندازه‌ای محیر العقول است که انسان حقیقت‌جو را به تعمقی ژرف و تفکری بسیار وامی‌دارد تا شاید بتواند سر مکنون در کربلا و کشته غریب این سرزمین را بفهمد و راز خلقت را درک کند و سایه این درک و فهم، به مانند شهاب ثاقب همه پرده‌ها را پاره کند و تا هم منزلی با اربابش در بهشت رشد نماید.

^۱ مراجعه شود به بحث: ثواب زیارت دیگر ائمه (علیهم‌السلام).

ثواب زيارت امام حسين عليه السلام / ١٠

دلایل اهمیت زیارت امام حسین (علیه السلام) (۲۱ دلیل):

- ◆ زیارت حضرت حقی است از حقوق خداوند^{۱۷} و پیامبر اعظم (صلی الله وعلیه و آله)^{۱۸}.
- ◆ زیارت حضرت از اموری است که روز قیامت از آن سؤال می شود^{۱۹}.
- ◆ زیارت حضرت دلیل بر محبت اهل البیت (علیهم السلام) و محبت ایشان دلیل بر بهشتی بودن فرد است^{۲۰}.
- ◆ زیارت حضرت بر زنان نیز لازم است^{۲۱}.
- ◆ زیارت حضرت برای همه کسانی که اقرار به امامت امام دارند حتی زنان^{۲۲} لازم است^{۲۳}.
- ◆ زیارت حضرت بر همه مسلمانان واجب است^{۲۴}.
- ◆ زیارت حضرت افضل اعمال است^{۲۵}.
- ◆ زیارت حضرت محبوب ترین عمل است نزد خداوند^{۲۶}.
- ◆ زیارت حضرت مورد درخواست همه پیامبران از خداوند است لذا همیشه گروهی از آنان برای زیارت فرود می آیند و گروهی به آسمان می روند^{۲۷}.
- ◆ زیارت حضرت مورد توجه خداوند در هر شب جمعه است^{۲۸}.
- ◆ زیارت حضرت مورد توجه همه اوصیاء انبیاء خصوصاً اهل البیت (علیهم السلام) در هر شب جمعه است^{۲۹}.
- ◆ زیارت حضرت زیارت خداوند در عرش است^{۳۰}.
- ◆ زیارت حضرت زیارت دیگر ائمه معصومین (علیهم السلام) و پیامبر اعظم (صلی الله وعلیه و آله) است^{۳۱}.
- ◆ زیارت حضرت آنقدر فضیلت وجود دارد که اگر زائر بداند دوست دارد خانه اش آنجا باشد^{۳۲}.
- ◆ زیارت حضرت موجب شادی بسیار پیامبر اعظم (صلی الله وعلیه و آله) و اهل البیت (علیهم السلام) و شهداء این خانواده می شود^{۳۳}.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۱۲

- ◆ زیارت حضرت دارای آثاری است که هیچ گوشی نشنیده و هیچ چشمی ندیده و به هیچ قلبی خطور ننموده است^{۳۴}.
- ◆ زیارت حضرت دارای ثوابهایی است که اگر زائر نسبت به آنها اطلاع یابد خوشحالش بیشتر از بیتابیش خواهد شد^{۳۵}.
- ◆ زیارت حضرت کار فرشتگان است هزار سال قبل از حادثه عاشورا^{۳۶}.
- ◆ زیارت حضرت کار هر شب جبرئیل و میکائیل است^{۳۷}.
- ◆ زیارت حضرت مخصوص آنهایی است که ایمانشان آزموده شده و حق امامت را بدرستی شناخته اند^{۳۸}.

أَمِنَ النَّعِيمِ وَقُرَّةِ الْعَيْنِ بِمَا لَأَ عَيْنٌ رَأَتْهُ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْهُ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ.

استخفاف زیارت

در روایات ائمه معصومین (علیهم السلام) آمده است که شیعیان را امر به زیارت کنید^{۳۹} زیرا ترک زیارت در صورت توانمندی^{۴۰} با حج یک عمر (و یا هزار حج^{۴۱}) نیز جبران نمی شود^{۴۲} خصوصا آنها که مسافتشان اندک است مثل کمتر از شانزده فرسخ^{۴۳} و یا بودن در کوفه^{۴۴}.

آثار ترک زیارت: (۱۱ اثر)

- ۱) جفاکاری^{۴۵} است زیرا وحوش به عنوان پست ترین موجودات برایش می گریند^{۴۶}، و فرشتگان بین چهار^{۴۷} تا هفت هزار ژولیده مو و غبار آلود در اطراف قبرش تا روز قیامت زار می زنند و برایش نوحه سرائی می کنند^{۴۸} در این میان چرا باید شیعیان به زیارت حضرت کم اهمیت باشند^{۴۹}.
- ۲) ترک زیارت در هر سال، یک سال از عمر کاسته می شود^{۵۰}.
- ۳) مصداق عقوق و معصیت و آزار پیامبر و اهل البیت (علیهم السلام) است^{۵۱}.
- ۴) استخفاف امری است که مربوط به حضرت است^{۵۲}.
- ۵) نقص در ایمان و دین است^{۵۳}، این نقص در آنها که کم زیارت می کنند نیز هست^{۵۴}.
- ۶) در بهشت در مقامی پائین تر از مؤمنین قرار می گیرد^{۵۵} آنگونه که مهمان اهل بهشت باشد^{۵۶}.

أَمْرُوا شِيعَتَنَا بِزِيَارَةِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۱۴

(۷) عنوان تشیع از او سلب می‌شود^{۵۷}، و اگر فردی با وجود زیارت نکردن نکردن باز اصرار بر عنوان تشیع داشته باشد موجب شگفتی ائمه معصومین (علیهم‌السلام) می‌شود^{۵۸} خصوصا اگر فرد جزء رؤسای شیعه باشد^{۵۹}.

(۸) نشان بی‌رغبتی به ثواب خداوند و محرومیت از حظ وافر که در زیارت وجود دارد می‌شود^{۶۰}.

(۹) اهلیت برای دوزخ پیدا می‌کنند^{۶۱}.

(۱۰) ترک زیارت از باب بی‌میلی موجب حسرت روز قیامت است^{۶۲}.

(۱۱) باعث محرومیت از خیر کثیر می‌شود^{۶۳}.

أَمَّنْ لَمْ يَأْتِ قَبْرَ الْحُسَيْنِ وَ هُوَ يَزْعُمُ أَنَّهُ لَنَا شِيعَةٌ حَتَّى يَمُوتَ فَلَيْسَ هُوَ لَنَا بِشِيعَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَهُوَ مِنْ ضَيْفَانِ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

ثواب

ثاب: یعنی برگشت، هم معنای تاب.

ثوب: لباسی که فرد مدام به آن برمی گردد و آن را می پوشد.

مثابه: یعنی بازگشتگاه، خداوند کعبه را برای مردم مثابه قرار داده است^{۶۴} تا مدام مسلمانان به آنجا بازگردند.

مثوبه و ثواب: آنچه بعد از عمل به انسان برمی گردد که بیشتر در کارهای خوب استعمال می شود در مقابل عقاب که آثار عمل زشت است که در عقب فرد راه می افتد تا در وقت مناسب با او برخورد نماید. ثواب، انتظار صاحبش را می کشد ولی عقاب، صاحبش را تعقیب می کند.

مسلم است که انسانها نسبت به آنچه انجام می دهند و نسبت به آنچه از انجام آن سر باز می زنند دارای وظیفه و مسؤولیت هستند و این بدان معنی است که انسانها همچون حیوانات رها شده نیستند و نتیجه ذره اعمال خود را نیز خواهند دید منتها با توجه به محدودیتی که در دنیا برای دیدن نتیجه اعمال وجود دارد قسمت عمده ثواب و عقاب، به جهان آخرت محوّل شده است.

ایمان به آخرت و این که هر عملی دارای عکس العملی است، سبب خواهد شد انسان از طرفی نهایت توان خود را بکار بندد تا بیشترین بهره را با انجام اعمال نیکو و صالح از فرصتهای دنیوی خود ببرد و از سوی دیگر با شناخت موجبات حبط و از بین رفتن عمل، از اعمال خود مواظبت جدی نماید. این تلاش دو سویه سبب خواهد شد مؤمن به آخرت، در آمیزه‌ای از امید و هراس قرار گیرد. بر اساس آنچه گفته شد انسانها در دنیا مثل تجّار و کشاورزانی هستند که در بازار و مزرعه دنیا، تمام لحظات عمرشان را با سود و زیان سپری می کنند. سود وقتی حاصل می شود که انسان در هر ظرف زمانی که در اختیار دارد، بهترین عمل را انجام دهد و زیان، زمانی سراغ فرد می آید که یا اعمالی که انجام می دهد از اولویت بالا برخوردار نباشد و یا آنچه را که انجام داده است بی ثمر شود.

و لذا هدف از خلقت انجام بهترین عمل در راستای عبودیت معرفی شده است. در اینجا است که نیاز مبرم انسان به راهنما مشخص می‌شود، راهنمائی فردی که او را در شناخت بهترین عملها هدایت نموده و به او بیاموزد که آفت و یا آفات اعمال صالح چیست.

تنها تعالیم مترقی اسلام ناب، برای انسان، حکم حکیم و مرشدی را دارد که او را در مسیر رشد هدایت نموده و از عقبه‌های صعب‌العبور کمال می‌گذراند. خداوند رحمان و رحیم نه تنها انسانها را در مسیر درست کمال هدایت می‌نماید بلکه بر اساس لطف بی‌پایانش نتیجه اعمال انسانها را بسیار بیشتر از آنچه انتظار دارند افزایش می‌دهد.

مصادیق هدایت خداوند (۲۲ مصادیق):

شاید بتوان موارد هدایت الهی و ظهور لطف ربوبی را در موارد ذیل به مذاقه نشست:

۱. انسانها با فطرت توحیدی آفریده می‌شوند و در مسیر بزرگ شدن تنها از آنها خواسته می‌شود که این فطرت را حفظ کنند.
۲. قرآن و حدیث دو دُرّ گرانسنگ در اختیار همه انسانها به دنبال کمال گذاشته شده است.
۳. احساسهای اولیه بعد از انجام کارهای شایسته و ناشایسته ترغیب و تهدید مناسبی برای صاحبان این اعمال است.
۴. عفو خداوند از به تاخیر افتادن عقاب، تا تبدیل سیئات به حسنات و حتی چند برابر شدن این حسنات، شامل همه آنها که خطاهایشان بر اساس لغزشهای مقطعی آنهاست می‌شود. نه آنانی که به قصد توبه گناه نموده و یا گناه را یک اجبار می‌دانند..
۵. هر حسنه از ده تا هفتصد بلکه بیشتر از آن ممکن است محاسبه شود و در مقابل، هر سیئه تنها یک واحد نوشته می‌شود.

۶. سیئات تا هفت ساعت نوشته نشده و بعد از نوشته شدن با توبه محو می شود.
۷. اعمال مختلف می تواند از نظر ارزش، جای یگدیگر را بگیرد لذا با انجام اعمال جایگزین می توان به ثواب کارهایی که توان انجامشان وجود ندارد نائل شد.
۸. صرف رغبت برای کارهای شایسته فرد را به میزانی از ثواب آن اعمال می رساند ولی برای کارهای ناشایست تا عملی صورت نگیرد عقابی ثبت نمی شود.
۹. زمانها و مکانهای مختلفی از طرف خداوند تعیین شده است که فرد می تواند جهت آموزش گناهان و ترفیع درجاتش از آنها بهره ببرد.
۱۰. شفاعت، بابتی عظیم به روی انسانهای گنهکار است که امید و آفری را ایجاد می کند.
۱۱. اولیاء خداوند اعم از فرشتگان و انسانهای کامل و حتی دیگر موجودات، از خداوند برای انسانهایی که تنها فریب شیطان را خورده اند نه این که شیطان را پرستیده باشند، مدام طلب آموزش می کنند.
۱۲. فرشتگان مسؤلیت بزرگی برای حراست انسانها از زشتی ها بر عهده دارند.
۱۳. وسائط رزق مثل خورشید و دریا و زمین و ... از عصیان انسان به ستوه آمده اند ولی خداوند آنها را از بروز خشم باز داشته است و تنها اذن اظهار میزانی از آن را در شرایط خاص به آنها داده است مثل قسمتی از خشکسالی ها و یا بالا رفتن قیمتها.
۱۴. خداوند بهترین انسانهای هر زمان را برای هدایت انسانها برمی گزیند. و از طرفی افرادی که جزو پست ترین انسانها هستند به بدترین گمراهیها دست می زنند.
۱۵. دشمنی شیطان و نوع وسوسه های او برای انسان روشن است لذا هر کس بخواهد به راحتی می تواند فریب شیطان را تشخیص دهد.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۲۰

۱۶. خداوند با استجاب دعا، حضور خودش را برای همه، در همه زمانها ثابت نموده و فطرت غبار گرفته انسانها را جلا می‌دهد.

۱۷. خداوند انواع بیماریها و مصائب را سبب نزدیکی انسانها به یگدیگر و فرونشاندن آتش حرص در مصادیق مختلف آن، قرار داده است.

۱۸. دنیا را برای کسانی فزونی داده است که از آگاهی و معنویت کمتری برخوردار هستند و این خود، دلگرمی زیادی را برای پرداختن به ارزشهای واقعی برای توده انسانها ایجاد می‌کند.

۱۹. تاریخ افت و اوج پیشینیان در هر منطقه و در هر زمانی در سینه‌ها ماندگار شده است.

۲۰. تعالیم انبیاء به صورت ضرب المثل و کلمات قصار بی آن که مهم باشد این جملات را به چه کسی نسبت می‌دهند در فرهنگ جوامع مختلف انسانی رواج پیدا کرده است.

۲۱. عبرتهای مختلفی که در پدیده‌های گوناگون جهان خلقت است مشقی برای پند گرفتن مکرر و خلق آثار فراوان ارزشی - هنری است.

۲۲. اعتراض انسانها به ضد ارزشها، خصوصا شورش آنها بر علیه ستم، همیشه و همه جا وجود داشته است.

۲۳. ...

در موارد فوق آنچه بیشتر مناسب با موضوع کتاب - ثواب زیارت - می‌باشد، جایگزینی اعمال به جای یگدیگر است، که بابی عظیم برای اکثریت انسانهایی است که نه توانائی و نه همتی برای انجام کارهای حجیم عبادی را دارند. آنها می‌توانند با استفاده از این لطف بزرگ خداوند از ثواب همه کارهای پر مشقت عبادی بهره ببرند.

ثوابهای جایگزین آیا با عدالت خداوند سازگار است؟!

آیا با عدالت خداوند سازگاری دارد که ثواب فردی که اعمال سنگینی را انجام می‌دهد با ثواب کسی که جایگزین این اعمال را انجام می‌دهد برابر باشد؟.

پاسخ: هر عملی دارای دو نوع ثواب استحقاقی و تفضلی است. توضیح این که: هر عملی حجمی از ارزش را برای خودش دارد و خداوند متعال طبق لطفش بر اساس معرفت و خلوص و مشقت صاحب عمل، بر این حجم می‌افزاید. اعمال جایگزین می‌تواند باعث بهره‌وری از میزان ارزش خود عمل شوند نه میزان ارزش مضاعف آن.

آنچه در پی می‌آید پاسخ فوق را تأیید می‌کند:

۱. اگر مرگ بر اساس حساب معینی نبود اولیاء خداوند به خاطر خوف از عقاب و شوق به ثواب خداوند جان می‌دادند^{۶۵}.

۲. نباید هیچ مرده‌ای را به صورت قطع مُشاب و مأجور و مرحوم دانست^{۶۶}.

۳. ثواب طبق عقل است^{۶۷}.

۴. هر حسنه‌ای از ده تا هفتصد برابر می‌تواند باشد^{۶۸}.

۵. معرفت امری خدادادی است و دارای ثواب نیست^{۶۹} مگر این که بخاطر معرفت اهل‌البیت (علیهم‌السلام) مورد تمسخر و تهدید قرار بگیرد^{۷۰}.

۶. کوتاهی در عمل با اطمینان به ثواب، غبن و خسران است^{۷۱}.

۷. دنیا بازاری است که در آن قومی خسران می‌کنند و گروهی سود می‌برند^{۷۲}.

۸. ابو دَحْدَاح به ثواب خداوند که حدائق در حدائق بود در مقابل درخت نخلی که داشت راضی نشد و آیات و آَمَّا مَنْ بَخِلَ وَ اسْتَغْنَى، وَ كَذَّبَ بِالْحُسْنَى، فَسَنِيَرُهُ لِلْعُسْرَى^{۷۳} نازل شد^{۷۴}.

^۱ لَوْ لَا الْأَجَلُ الَّذِي كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ وَ خَوْفًا مِنَ الْعِقَابِ.

^۲ إِنَّ الثَّوَابَ عَلَى قَدْرِ الْعَقْلِ.

^۳ الدُّنْيَا سُوقٌ رَبِحَ فِيهَا قَوْمٌ وَ خَسِرَ آخَرُونَ.

۹. برای رسیدن به ثواب آخرت باید در دنیا نسبت به مشکلات صبور بود که اصلا جای صبر نیست بلکه مشکلات سودی است که نصیب فرد شده است.^{۷۵}

۱۰. مقرب‌ترین افراد روز قیامت به خداوند کسی است که بیشترین خوف را به او دارد و محبوب‌ترین افراد کسی است که نیکوترین عمل را دارد و با فصیلت‌ترین کس از نظر منصب فردی است که با اعمالش بیشترین رغبت را نسبت به آنچه نزد خداوند است از خود بروز دارد و گرامی‌ترین کسی است که با تقواترین باشد.^{۷۶}

۱۱. برای ثواب باید مسابقه داد.^{۷۷}

۱۲. برای دیدار پیامبر و امام علی (علیهما السلام) با خواندن پنجاه و یک رکعت و روزه سه روز در ماه عمل کنندگان عمل می‌نمایند.^{۷۸}

۱۳. هدف از خلقت انجام نیکوترین اعمال است و این اعمال ملاک ثواب خواهد بود.^{۷۹}

۱۴. نباید از این همه ثواب دچار عجب شد.^{۸۰}

۱۵. هیچ حسنه‌ای را نباید کوچک شمرد زیرا حسنه انسان را روز قیامت خوشحال می‌نماید خصوصا حسنه‌ای که بعد از سیئه صورت می‌گیرد.^{۸۱}

مرور بر ثوابها (۱۶۶ ثواب):

زائر سالک، در این سفر روحانی آنچنان نظر کرده خداوند می شود^{۸۲} و اوج می-گیرد و با دست پربر می گردد^{۸۳} که توصیفش تنها از ائمه بزرگوار بر می آید آنها حدود^{۸۴} نوع ثواب را برای زائر امام (علیه السلام) بیان نموده اند:

۱. همانند زیارت خداوند در عرش^{۸۵} و کرسی^{۸۶}.
۲. همطراز زیارت امام قبل از شهادت^{۸۷}.
۳. مصداق بر به اهل البیت (علیهم السلام)^{۸۸}.
۴. قبض روح زائر توسط خداوند^{۸۹}.
۵. ایجاد سرور اهل البیت (علیهم السلام)^{۹۰}.
۶. ایجاد خشم برای دشمنان اهل البیت (علیهم السلام)^{۹۱}.
۷. ورود به حزب خداوند و حزب رسول او و حزب اهل البیت (علیهم السلام)^{۹۲}.
۸. خطاب به: «یا ولیّ الله» توسط ملائک^{۹۳}.
۹. قرار گرفتن از زمره مفلحین و منجحین و فائزین^{۹۴}.
۱۰. فرشته زمینی شدن^{۹۵}.
۱۱. جزء علیین شدن^{۹۶}.
۱۲. حذف نام از زمره اشقیاء و ثبت در زمره سعداء^{۹۷}.
۱۳. شناسائی زائر و شناسائی پدر و مادر او توسط امام حسین (علیه السلام)^{۹۸}.
۱۴. معادل با هزاران حج و عمره^{۹۹}.
۱۵. آمرزش گناهان گذشته و آینده^{۱۰۰}.
۱۶. حفظ زائر توسط خداوند در روز قیامت^{۱۰۱}.
۱۷. هم غذائی با اهل البیت (علیهم السلام) کنار عرش^{۱۰۲}.
۱۸. برای هر گام از یک تا حسنه و محو سیئه و ترفیع درجه^{۱۰۳}،^{۱۰۴}.
۱۹. عدم محاسبه^{۱۰۵}.
۲۰. میزبانی امام حسین (علیه السلام) از او^{۱۰۶}.
۲۱. مثل حضور در عرفه^{۱۰۷}.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۲۴

۲۲. قرار گرفتن بر سفره‌های نور روز قیامت^{۱۰۸}.
۲۳. معادل دو ماه اعتکاف در مسجدالحرام^{۱۰۹}.
۲۴. اعطاء ثواب نماز هفتاد هزار ملک^{۱۱۰}.
۲۵. اعطاء ثواب عزاداری هزار ملک^{۱۱۱}.
۲۶. اعطاء ثواب تقدیس هفتاد میلیون ملک^{۱۱۲}.
۲۷. عدم احتساب روزهای زیارت از عمر^{۱۱۳}.
۲۸. دفع جریانهای بد زندگی^{۱۱۴}.
۲۹. محافظت از غرق شدن، آتش گرفتن و شکار درندگان شدن^{۱۱۵}.
۳۰. محافظت یک سال از شرور^{۱۱۶}.
۳۱. عبادت فرشتگان نزد منزل او و ثبت ثواب آن برای او^{۱۱۷}.
۳۲. عبادت فرشتگان نزد قبر او و ثبت ثواب آن برای او^{۱۱۸}.
۳۳. وجوب بهشت^{۱۱۹}.
۳۴. ورود روح به بهشت در مدت حضور در برزخ^{۱۲۰}.
۳۵. نظر کرده خداوند^{۱۲۱}.
۳۶. ورود به بهشت چهل سال زودتر از دیگران^{۱۲۲}.
۳۷. همراه شدن با اهل البیت (علیهم‌السلام) بر سر سفره‌های بهشتی^{۱۲۳}.
۳۸. رزق واسع^{۱۲۴}.
۳۹. جبران هزینه‌های سفر در دنیا^{۱۲۵}.
۴۰. جبران هزینه‌های سفر در آخرت تا میلیونها برابر^{۱۲۶}.
۴۱. گشوده شدن باب ویژه‌ای از رزق^{۱۲۷}.
۴۲. تبدیل از هر درهم از هزینه به حسنات به اندازه کوه احد^{۱۲۸}.
۴۳. گشایش مشکلات^{۱۲۹}.
۴۴. مورد استقبال چهار هزار ملک^{۱۳۰}.
۴۵. سایه انداختن بالهای فرشتگان بر سر او هنگام بازگشت^{۱۳۱}.
۴۶. همراهی جبرئیل و میکائیل و اسرافیل با او هنگام بازگشت^{۱۳۲}.
۴۷. عبادت فرشتگان از او^{۱۳۳}.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۲۵

۴۸. تشییع جنازه او توسط فرشتگان^{۱۳۴}.
۴۹. استغفار ملائک برای او^{۱۳۵}.
۵۰. تغسیل توسط فرشتگان هنگام مرگ در سفر زیارت^{۱۳۶}.
۵۱. تکفین توسط فرشتگان هنگام مرگ در سفر زیارت^{۱۳۷}.
۵۲. کسترش قبر تا جائی که چشم کار می‌کند^{۱۳۸}.
۵۳. جلوگیری از ترسیده شدن توسط نکیر و منکر^{۱۳۹}.
۵۴. اعطاء نامه عمل به دست راست^{۱۴۰}.
۵۵. اعطاء روز قیامت نوری که شرق و غرب را روشن نماید^{۱۴۱}.
۵۶. آرزوی اهل محشر برای زائر امام (علیه‌السلام) بودن^{۱۴۲}.
۵۷. طلب فرشتگان خوشنودی خداوند را از او هنگام مرگ^{۱۴۳}.
۵۸. بهره‌وری از دعای همه انبیاء (علیهم‌السلام)^{۱۴۴}.
۵۹. دیدار مداوم هفتصد ملک از او بعد از زیارت^{۱۴۵}.
۶۰. اعطاء ثواب زیارت هفتصد ملک تا هنگام مرگ^{۱۴۶}.
۶۱. معطر به حنوط بهشتی هنگام مرگ^{۱۴۷}.
۶۲. فرش شده قبر با گیاهان خوشبو^{۱۴۸}.
۶۳. فراخ شدن قبر از هر طرف به میزان یک فرسخ^{۱۴۹}.
۶۴. نماز عزرائیل و جبرائیل بر او هنگام شهادت در سفر^{۱۵۰}.
۶۵. روشن شدن چراغ در قبر توسط فرشتگان^{۱۵۱}.
۶۶. ورود به حظیره قدس بعد از هجده روز از تاریخ مرگ^{۱۵۲}.
۶۷. همراهی با اولیاء خداوند در عالم برزخ^{۱۵۳}.
۶۸. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) زیارت خواهد نمود زائر را در روز قیامت و او را از گناهان رها می‌نماید^{۱۵۴}.
۶۹. مورد مصافحه پیامبر اسلام (صلی‌الله‌وعلیه‌وآله) و امیرمؤمنان (علیه‌السلام) پس از خروج از قبر^{۱۵۵}.
۷۰. نوشیدن از حوض کوثر توسط اوصیاء (علیهم‌السلام)^{۱۵۶}.
۷۱. سیراب نمودن از حوض هرکس را که اراده نماید^{۱۵۷}.

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۲۶

۷۲. همراهی هزار فرشته از راست و چپ تا دخول در بهشت^{۱۵۸}.
۷۳. ارزش بیشتر از هزار ماه برای بیتوته نزد قبر^{۱۵۹}.
۷۴. بهره‌بری از یک شادمانی به تعداد روزهای زندانی شدن در مسیر زیارت^{۱۶۰}.
۷۵. اعطاء یک حورالعین به تعداد تازیانه‌های که برای زیارت بر او زده‌اند^{۱۶۱}.
۷۶. اعطاء یک میلیون حسنه و محو سیئه و ترفیع درجه برای هر دردی که هنگام شکنجه به جرم زیارت تحمل می‌کند^{۱۶۲}.
۷۷. همسخنی با پیامبر (صلی‌الله‌وعلیه‌وآله) تا فراغ از حساب برای شکنجه برای زیارت^{۱۶۳}.
۷۸. مصافحه حاملان عرش با زائر شکنجه شده^{۱۶۴}.
۷۹. تسلائی زائر شکنجه دیده شده با انتقام فرشتگان از ستمگر او^{۱۶۵}.
۸۰. شسته شدن طینت زائر شهید، توسط ملائک و خالص شدن از کفر و پر شده از ایمان و آماده شدن برای ملاقات رب^{۱۶۶}.
۸۱. برآورده شدن همه حوائج دنیوی و اخروی^{۱۶۷}.
۸۲. برطرف شدن اندوه‌های دنیوی^{۱۶۸}.
۸۳. استجاب دعا^{۱۶۹}.
۸۴. آمرزش پنجاه سال گناه^{۱۷۰}.
۸۵. عدم ثبت کلمات زشت و کارهای ناپسند در مسیر زیارت^{۱۷۱}.
۸۶. مورد شفاعت قرار دادن خانواده^{۱۷۲}.
۸۷. تضمین برآورده شدن حوائج دنیا و آخرت توسط امام علی (علیه‌السلام)^{۱۷۳}.
۸۸. همراهی پیامبر اسلام (صلی‌الله‌وعلیه‌وآله) با او تا رسیدن به منزل^{۱۷۴}.
۸۹. عدم ثبت گناه تا هفتاد روز بعد از زیارت^{۱۷۵}.
۹۰. تقدیس او توسط همه فرشتگان زمین و آسمان^{۱۷۶}.
۹۱. عدم ثبت سیئه تا یک سال بعد از زیارت^{۱۷۷}.
۹۲. بهره‌وری از ثوابها حتی با اسراف در هزینه‌های سفر^{۱۷۸}.
۹۳. استغفار حضرت فاطمه (علیه‌السلام) برای او^{۱۷۹}.

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۲۷

۹۴. برابری هر حسنه او با میلیون حسنه^{۱۸۰}.
۹۵. دعای امام صادق (علیه السلام) در حق او^{۱۸۱}.
۹۶. دعای پیامبر اسلام (صلی الله وعلیه وآله) و اهل البیت (علیهم السلام) در حق او^{۱۸۲}.
۹۷. مورد غبطه همه موجودات^{۱۸۳}.
۹۸. ابلاغ سلام پیامبر اسلام (صلی الله وعلیه وآله) توسط فرشته‌ای به او بعد از زیارت^{۱۸۴}.
۹۹. مورد مصافحه صد و بیست و چهار هزار پیامبر^{۱۸۵}.
۱۰۰. ایمنی از فَرَع اکبر (دهشت بزرگ در روز قیامت)^{۱۸۶}.
۱۰۱. همسخنی با امام حسین (علیه السلام) زیر عرش^{۱۸۷}.
۱۰۲. بهره‌مندی از رضوان خداوند^{۱۸۸}.
۱۰۳. ترفیع درجه‌ای بالاتر از کسی که در خورش غلطیده است^{۱۸۹}.
۱۰۴. ایمنی از فقر تا سه سال بعد از زیارت^{۱۹۰}.
۱۰۵. همانند زیارت پیامبر اسلام (صلی الله وعلیه وآله)^{۱۹۱}.
۱۰۶. همانندی با اجر صد هزار شهید از شهداء بدر^{۱۹۲}.
۱۰۷. یک حج برای برداشتن هر گام و یک عمره برای گذاشتن آن^{۱۹۳}.
۱۰۸. معادل هشتاد حج^{۱۹۴}.
۱۰۹. معادل بیست حج و عمره^{۱۹۵}.
۱۱۰. معادل نود حج و عمره از حج و عمره‌های پیامبر اسلام (صلی الله وعلیه وآله)^{۱۹۶}.
۱۱۱. معادل سه حج با پیامبر اسلام (صلی الله وعلیه وآله)^{۱۹۷}.
۱۱۲. معادل تا سی حج با پیامبر اسلام (صلی الله وعلیه وآله)^{۱۹۸}.
۱۱۳. معادل تا پنجاه حج با پیامبر اسلام (صلی الله وعلیه وآله)^{۱۹۹}.
۱۱۴. هزار حج و هزار عمره با پیامبر اسلام (صلی الله وعلیه وآله)^{۲۰۰}.
۱۱۵. هزار حج و هزار عمره برای هر رکعت نماز نزد قبر^{۲۰۱}.
۱۱۶. نماز فریضه کنار قبر معادل یک حج و نماز نافله برابر یک عمره^{۲۰۲}.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۲۸

۱۱۷. یک میلیون حج با امام مهدی (علیه السلام) و یک میلیون عمره با پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) ^{۲۰۳}.
۱۱۸. معادل هزار روز روزه ^{۲۰۴}.
۱۱۹. معادل هزار صدقه ^{۲۰۵}.
۱۲۰. معادل آزاد نمودن بیست و پنج بنده ^{۲۰۶}.
۱۲۱. ثواب آزاد نمودن یک بنده برای هر گام ^{۲۰۷}.
۱۲۲. معادل آزاد نمودن هزار بنده برای هر رکعت نماز نزد قبر ^{۲۰۸}.
۱۲۳. معادل آزاد نمودن یک میلیون بنده برای زیارت عرفه ^{۲۰۹}.
۱۲۴. ایمنی از هر آفات که ساده‌ترین آن وسوسه شیطان است ^{۲۱۰}.
۱۲۵. محافظت او توسط ملائک از شش طرف ^{۲۱۱}.
۱۲۶. مورد تکریم خداوند ^{۲۱۲}.
۱۲۷. معادل آزاد نمودن هزار بنده ^{۲۱۳}.
۱۲۸. محشور شدن با حضرت ^{۲۱۴}.
۱۲۹. تحت لوای حضرت تا دخول در بهشت ^{۲۱۵}.
۱۳۰. قرار گرفتن در درجه حضرت ^{۲۱۶}.
۱۳۱. استغفار حضرت برای او و طلب استغفار ایشان از پدران خود برای او ^{۲۱۷}.
۱۳۲. محو دیدار حضرت در سایه عرش و عدم توجه به شوق دیدار حور- العین نسبت به او ^{۲۱۸}.
۱۳۳. غرق رحمت نازل شده از اطراف آسمان ^{۲۱۹}.
۱۳۴. خطاب ملائک به او به: «خوشا بحالت! آمرزیده شدی!» ^{۲۲۰}.
۱۳۵. مسح صورت او توسط ملائک برای تبرک ^{۲۲۱}.
۱۳۶. زندگی با سعادت و مرگ با سعادت ^{۲۲۲}.
۱۳۷. رهایی از آتش دوزخ ^{۲۲۳}.
۱۳۸. هم درجه با اهل البیت (علیهم السلام) ^{۲۲۴}.

۱۳۹. اطراف لواء پیامبر اسلام (صلی الله وعلیه وآله) قرار گرفته و این لواء دست امام علی (علیه السلام) است تا وارد بهشت شوند^{۲۲۵}.
۱۴۰. مورد شفاعت پیامبر اسلام (صلی الله وعلیه وآله)^{۲۲۶}.
۱۴۱. شفاعت او برای ده نفر از اعضاء خانواده اش^{۲۲۷}.
۱۴۲. قبول شفاعت او در حق هفتاد گنهگار^{۲۲۸}.
۱۴۳. داخل بهشت نمودن همه آنهایی را که دوست دارد^{۲۲۹}.
۱۴۴. نجات دادن صد نفر از مسرفین از آتش^{۲۳۰}.
۱۴۵. شفاعت هزار نفر علاوه بر خانواده اش توسط زائر شهید^{۲۳۱}.
۱۴۶. خطاب به کشتی سواران مسیر زیارت: «گوارایتان باد بهشت!»^{۲۳۲}.
۱۴۷. معادل بیست جهاد در رکاب امام عادل^{۲۳۳}.
۱۴۸. معادل اجر سوار شدن بر هزار اسب در جهاد^{۲۳۴}.
۱۴۹. معادل هزار جهاد در رکاب نبی مرسل برای هر رکعت نماز کنار قبر^{۲۳۵}.
۱۵۰. معادل هزار جهاد در رکاب نبی مرسل برای زیارت در روز عرفه^{۲۳۶}.
۱۵۱. هر گام معادل صد جهاد در رکاب نبی مرسل برای زیارت در روز عرفه^{۲۳۷}.
۱۵۲. معادل دادن یک میلیون اسب برای جهاد برای زیارت در روز عرفه^{۲۳۸}.
۱۵۳. عبور از صراط با کمک فرشته‌ای که از طرف امام علی (علیه السلام) مأمور به این کار شده است^{۲۳۹}.
۱۵۴. خطاب از طرف خداوند به زائر: بنده صدیق من ایمان آورده است به وعده‌های من^{۲۴۰}.
۱۵۵. ملائک می گویند: فلانی (زائر) صدیق است! خداوند او را از فوق عرشش ستوده^{۲۴۱}.
۱۵۶. برکت در جان و مال و زندگی او^{۲۴۲}.
۱۵۷. هنگام ملاقات خداوند، همراه شدن با نوری که موجب مدهوش شدن همه می شود برای یک رکعت نماز کنار قبر^{۲۴۳}.

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۲۰

۱۵۸. زیارت رب برای زیارت شب جمعه چه این که خداوند هر شب جمعه امام (علیه السلام) را زیارت می نماید^{۲۴۴}.
۱۵۹. خنک شدن قلبش توسط خداوند مثل برف^{۲۴۵}.
۱۶۰. محشور شدن روز قیامت با قلبی خنک مثل برف^{۲۴۶}.
۱۶۱. مورد مباحات ملائک آسمان^{۲۴۷}.
۱۶۲. موجب شادمانی حضرت فاطمه (علیها السلام) بخصوص برای زنان زائر^{۲۴۸}.
۱۶۳. خطاب خداوند به ملائک: بنگرید زوآر حسین را که چه با شوق سوی او می آیند و به سوی فاطمه^{۲۴۹}.
۱۶۴. برگشتن با دستی پر^{۲۵۰}.
۱۶۵. مثل اجر کمک کننده به حضرت سلیمان برای بنای بیت المقدس^{۲۵۱}.
۱۶۶. خطاب پیامبر اسلام (صلی الله وعلیه وآله) به زوآر: ای مهمانان خداوند بشارت باد بر شما که رفیق من در بهشت هستید^{۲۵۲}.

فضائل زیارت جزو اسرار

زیارت حضرت امام حسین (علیه السلام) آنچنان فرد را غرق در نعم الهی می کند که هیچ نمی توان توصیف دقیقی از اینهمه لطف ارائه داد. لذا امام صادق (علیه السلام) در تبیین فضائل زیارت حضرت این آیه را تلاوت فرمودند: **وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ**. اگر بخواهید نعمتهای خداوند را بشمارید نمیتوانید آن را پایان ببرید، همانا خداوند وسعت دهنده ای کریم است.^{۲۵۳} نعمتهائی که نه گوشی شنیده و نه چشمی دیده و نه به قلبی خطور نموده است^{۲۵۴}، اموری که اگر زائر درک نسبی از آنها بیابد شادمانیش بیش از بیتابیش خواهد شد^{۲۵۵}.

و لذا امامان بزرگوار ما نگران بودند که اگر همه فضائل این زیارت گفته شود مردم حج را ترک نموده و کعبه عشق را طواف خواهند نمود و لذا در پاسخ راوی که از ارزش زیارت سؤال نموده بود امام صادق (علیه السلام) بعد از مکث و سکوت زیاد تنها میزانی از فضائل زیارت را بیان می کنند^{۲۵۶}.

ولی پذیرش این همه نعمت و فضیلت نیازمند ایمانی بالا به جایگاه ولایت است^{۲۵۷} و قلبی که بتواند آن را تحمل کند^{۲۵۸} و اگر این چنین حکمتی نزد غیر اهلش گذاشته شود در او تأثیری نخواهد گذاشت جز آن که این احادیث را دروغی بداند که به اهل البیت (علیهم السلام) نسبت داده شده است^{۲۵۹} و لذا در عصر ائمه معصومین (علیهم السلام) و بعد از ایشان بودند شیعیانی که از کامل خواندن نماز در حائر حسینی ابا داشتند و نمی توانستند حداقل فضیلت حرم حضرت را که برابری این مکان مقدس است با مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد کوفه درک نمایند^{۲۶۰}.

اگر مردم نسبت به این فضائل آگاهی و درک مناسبی را پیدا می کردند بسیاری به کربلا مهاجرت می نمودند^{۲۶۱} هرچند سکنای در آنجا نیازمند حزن دائم است

أَلَوْ لَا أَنِّي أَكْرَهُ أَنْ يَدَعَ النَّاسُ الْحَجَّ لِحَدِيثِكَ بِحَدِيثٍ لَا تَدَعُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) أبدا.

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۲۲

و این شرطی است که عموم مردم توانائی پایبندی به آن را ندارند و لذا است که مجاورت حضرت مورد توصیه قرار نگرفته و حتی از آن نهی شده است^{۲۶۲}. هرچند بسیاری کاشانه خود را در اطراف قبر حضرتش ساختند و آنجا را بسیار آباد نمودند و پیش بینی امام سجاد (علیه السلام) را محقق نمودند که فرموده بود: گویا من می بینم که اطراف قبر، قصرها ساخته و اطراف قبر را با گچ محکم نموده اند و بازارها اطراف قبر برپا است^{۲۶۳}.

شرائط ثواب و ملاک میزان آن (۶ شرط):

در احادیث زیارت، شرائطی برای اصل و یا تفاضل ثوابها ذکر شده است. تفاوت بین ثوابها بسیار زیاد است از ثواب یک عمره^{۲۶۴} گرفته تا ثواب نمود حج و عمره پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم)، و یا ثواب آزادی بیست و پنج برده^{۲۶۵} تا یک میلیون برده^{۲۶۶}.

بررسی در روایات زیارت، ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که صدق و راستی زائر، ملاک میزان ثواب است^{۲۶۷}؛ برای سنجش میزان صدق باید شش امر را مد نظر داشت: معرفت، خلوص، مشقت، شوق، ادب و تکرار:

۱- معرفت امام (علیه السلام)

مهمترین وظیفه‌ای که به عهده انسان گذاشته شده است بعد از معرفت نسبت به خداوند و پیامبر، معرفت نسبت به امام (علیه السلام) است^{۲۶۸} و به عبارت رساتر معرفت خداوند بدون معرفت امام امکان پذیر نیست و اصلاً معرفت هیچ چیز، امکان پذیر نمی‌باشد^{۲۶۹} چه این که امام سبب هر چیزی است^{۲۷۰} و بدون این سبب و بدون عروه و ثقی^{۲۷۱}، (ریسمان محکمی که از آسمان آویز شده است که از آن تأویل به امام شده است^{۲۷۲}) انسان نمی‌تواند از شناخت هیچ چیز اطمینان پیدا نماید و زمانی که معرفت نباشد نیت قرب بی‌معنا است و هیچ تلاشی پذیرفته نیست^{۲۷۳} زیرا تا فرد نداند قرب خداوند به چیست چگونه می‌تواند این قرب را در نیت خود داشته باشد.

و لذا از معرفت امام تعبیر به حکمت شده است حکمتی که خداوند در باره آن می‌فرماید: (وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا^{۲۷۴}) اگر حکمت به کسی داده شود خیری بسیار نصیبش شده است^{۲۷۵}.

بدون معرفت امام میزان عمل انسان روز قیامت سبک است و هر کس میزانش سبک باشد جایگاهش در آتش است، امام صادق (علیه السلام) در باره آیه مَنْ جَاءَ

أَكَيْفَ يَعْرِفُ الْآخِرَ وَ هُوَ يَجْهَلُ الْأَوَّلَ.

بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَ هُمْ مِنْ فَرَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ^{۲۷۶} (هرکس {در روز قیامت} حسنه‌ای بیاورد برای او بهتر از آن خواهد بود و آنان از هراس آنروز ایمن خواهند بود) می‌فرماید: حسنه، معرفت امام (علیه السلام) و طاعت اوست و طاعت او نشأت از طاعت خداوند می‌گیرد^{۲۷۷}.

معرفت امام به این است که امام را، بجز در رتبه نبوت، عدل پیامبر اسلام بداند، امام را وارث پیامبر بشناسد و طاعتش را طاعت خداوند و طاعت پیامبر بداند و در تمام امور تسلیم او شده و موارد اختلافی را به او برگردانده و (پاسخش را) از او بگیرد و بداند که امامان بعد از پیامبر، همان دوازده معصوم بزرگوار (علیهم السلام) هستند^{۲۷۸}.

براساس آنچه گفته شد ثواب زیارت از آن کسی است که معرفت به امام داشته باشد^{۲۷۹} و حق امام را بر خودش واجب بداند^{۲۸۰} و حرمت و ولایت او را^{۲۸۱} بدون هیچ استنکاف و استکباری بپذیرد^{۲۸۲}.

۲- خلوص

شیطان بعد از آن که تضمین حیات تا «وقت معلوم» را از خداوند گرفت گفت: پروردگار من! بخاطر این که من را اغواء نمودی! در زمین قطعاً برایشان زینت خواهم داد و قطعاً همه آنها را گمراه می‌کنم مگر بندگان خالصت را (خداوند) فرمود: این (اخلاص و نجات مخلصین) راه مستقیمی است که خود بر عهده دارم. همانا برای تو بر بندگان (برگزیده) من، تسلطی نیست، مگر از گمراهانی که تو را پیروی کنند^{۲۸۳}.

در تفسیر فرات کوفی از امام (علیه السلام) نقل شده است که منظور از بندگان که شیطان بر آنها تسلطی ندارد و شیطان از آنها به عنوان بندگان مخلص یاد می‌کند، شیعیان هستند^{۲۸۴}.

أِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ، قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ، إِنَّ عِبَادِي لَكَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَنٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ.

آری تنها شیعیان هستند که خالص هستند و اندیشه و قلب و اعمالشان سمت و سوئی جز آنچه امامان معصوم (علیه السلام) مشخص نموده‌اند، ندارد. بر این اساس تنها آنها می‌توانند با زیارت امام (علیه السلام) خداوند را راضی کنند^{۲۸۵} و به امام (علیه السلام)، به این وسیله نیکی نمایند^{۲۸۶} و نسبت به ساحت قدسیشان ابراز محبت کنند^{۲۸۷} و بر مقامات خویش بیافزایند^{۲۸۸}.

البته شیعیان نیز باید برای نیل به مراتب بالاتر خلوص در پی بی‌پیرایه نمودن نیت خود باشند، و زیارت را برای خود نمائی انجام ندهند^{۲۸۹} و از این که زیارت را در ضمن سیاحت و تجارت قرار دهند پرهیز نمایند. بلکه برعکس کارهای دیگر را در ضمن زیارت قرار دهند^{۲۹۰}.

۳- مشقت

هرچه یک عمل - بخصوص عبادات^{۲۹۱} - با مشقت بیشتری همراه باشد از ارزش بیشتری برخوردار است^{۲۹۲} زیرا تحمل مشقت نشانگر معرفت بیشتر فرد نسبت به اهداف معنوی آن عمل است.

بر این اساس هرچه مشکلات در سفر بیشتر باشد ارزش زیارت افزایش می‌یابد^{۲۹۳}، مشکلاتی مثل: تحقیر^{۲۹۴}، ضرب و شتم، حبس و قتل^{۲۹۵} توسط دشمنان اهل‌البیت (علیهم‌السلام)^{۲۹۶}، و یا نامساعد بودن آب و هوا و یا دوری راه^{۲۹۷} و یا گذشتن از مشغله‌های دنیوی^{۲۹۸}.

کسی که در مسیر زیارت توسط دشمنان اهل‌البیت (علیهم‌السلام) زندانی شود به تعداد روزهای حبسش یک شادمانی روز قیامت خواهد داشت و برای هر تازیانه‌ای که به زده شود یک حورالعین به او خواهند داد و برای هر دردی که بر او وارد شود یک میلیون حسنه در یافت نموده و یک میلیون سیئه از او دفع شده و یک میلیون درجه ترفیع می‌گیرد و همسخن با پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) خواهد بود تا فارغ از حساب شود و حاملان عرش با او مصافحه خواهند نمود

أَمَّنْ أَرَادَ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ لَا أَشْرَأَ وَلَا بَطْرًا وَلَا رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً مُحَصَّتَ دُنُوْبُهُ.
بُ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا.

و به او خواهند گفت: «هر چه می خواهی در خواست کن» و بعد زنده اش را می آورند، بدون آن که از او چیزی بپرسند و از او حسابی بکشند، وسط دو بازویش را گرفته و او را تحویل فرشته ای می دهند و آن فرشته او را گرفته و جرعه ای از آب سوزان و جرعه از آب مخلوط با چرک به او می نوشاند و او جایی در آتش قرار می گیرد و به او گفته می شود: «بچش نسبت به آنچه در باره این فرد انجام دادی او را تازیانه زدی و حال آن که او مهمان خداوند و مهمان رسول او بود» و تازیانه خورده را کنار درب دوزخ می آورند و به او گفته می شود: «نگاه کن به زنده ات و به آنچه با آن درگیر شده است! آیا سینه ات آرام گرفته است؟ از او در باره تو قصاص شده است» پس او می گوید: «حمد خداوندی را که از طرف من و از طرف فرزند رسولش از او انتقام گرفت»^{۲۹۹}.

۴- شوق:

محبت شیعیان نسبت به حضرات معصومین (علیهم السلام) داری شدت و ضعف است. بر این اساس زیارت امام حسین (علیه السلام) نیز تحت تأثیر مراتب محبت، دارای ارزش متفاوتی است.

بعضی از شیعیان اگر بدانند در زیارت امام حسین (علیه السلام) چه فضیلتی است از زیادی شوق به این فضائل و حسرت از آنچه از کف داده اند جان می دهند^{۳۰۰} و یا در تعبیر دیگر آمده است که بعضی از اولیاء خداوند برای درک ثواب آنچنان شوقی دارند که اگر خداوند برای مرگ مدتی را مشخص نفرموده بود آنها از این شوق می مردند^{۳۰۱}.

لذا در احادیث متعددی، شرط ثواب، شوق نسبت به امام حسین (علیه السلام) ذکر شده^{۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶} و در بعضی علاوه بر آن، شوق نسبت به حضرت فاطمه (علیها السلام) نیز آورده شده است^{۳۰۷}.

أَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ مِنَ الْفَضْلِ لَمَاتُوا شَوْقًا وَ تَقَطَّعَتْ أَنْفُسُهُمْ عَلَيْهِ حَسْرَاتٍ.

۵- ادب:

رعایت آداب زیارت که در مبحث «آداب زیارت» مفصلاً توضیح داده شده است عاملی دیگر برای تفاوت ثواب زائرین است.

۶- تکرار:

در روایات زیارت تصریح شده است که: بعضی از ثوابها برای کسی است که در یک سال زیارت حضرت را تکرار نماید، مثل:

- هزار حج و عمره و برآورده شدن هزار حاجت دنیوی و اخروی برای زیارت حضرت در سه شب: عرفه، نیمه شعبان و عید فطر در یک سال
۳۰۸.

- ثواب صد هزار شهید بدر برای زیارت در هر ماه^{۳۰۹}.

- مردن بدون حسرت برای زیارت هر هفتس^{۳۱۰}.

- فضائل بسیار زیاد برای زیارت در نیمه شعبان به صورت سه سال متوالی^{۳۱۱}.

^۱ مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ غُفِرَ لَهُ الْبُتَّةَ وَلَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا وَفِي نَفْسِهِ حَسْرَةٌ مِنْهَا.

زائر چهره ای شناخته شده

امام حسین (علیه السلام) نام زائرانش را و نام پدر و عشیره و قبیله آنها را بهتر از شناختی که پدر نسبت به فرزندش دارد می شناسد^{۳۱۲}.

این شناخت حضرت در ادامه شناختی است که امامان بزرگوار ما نسبت به شیعیان خود دارند: ابن عباس می گوید: «عظیمترین چیزی که از امام علی (علیه السلام) شنیدم کتابی بود که در آن نام سَعْدَاء و اشقیاء از امت اسلام ثبت شده بود»^{۳۱۳}.

کتابی به نام ناموس

نام شیعیان به طور مشخص (به همراه نام پدران و عشیره و قبیله^{۳۱۴} و نام مادران^{۳۱۵}) در کتابی ثبت است به نام ناموس^{۳۱۶} و گفته شده است که مشخصا و تنها همین تعداد همراه با ائمه هداة (علیهم السلام) در دنیا و برزخ و آخرت خواهند بود و دین اسلام محدود به همین تعداد است^{۳۱۷}.

این کتاب که توسط جبرئیل به پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) داده شده است^{۳۱۸} دارای برگهای سفیدی است که تا امام (علیه السلام) دست بر آن نکشد نوشته های آن نمایان نمی شود^{۳۱۹}. این کتاب به حدی بزرگ است که یک بار شتر را تشکیل می دهد^{۳۲۰}. در این کتاب اسامی طبق حروف ابجد تنظیم شده است^{۳۲۱}.

این کتاب بر دیوار بیت المعمور در آسمان سوم قرار داده شده است و ملائک با توجه به این نامها، دست خود را بر سر شیعیان کشیده و به این وسیله تبرک می جویند^{۳۲۲}.

در این کتاب نام کسانی که بعدا معرفت پیدا می کنند و مستبصر می شوند نیز جزو شیعیان ثبت شده است^{۳۲۳}.

در روایات به نام بعضی از شیعیانی که نامشان در لیست فوق آمده است اشاره شده است مانند:

حُدَیْفَةُ بْنُ أُسَیْدِ غِفَارِی و پسر برادرش از اصحاب امام سجاد (علیه السلام) ^{۳۲۴}،
عبد الله بن فضل هاشمی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) ^{۳۲۵}، عیسی و محمد
از فرزندان ابو بصیر ^{۳۲۶}، مرزبان بن عمران قمی ^{۳۲۷}.

به متن یکی از روایات این باب توجه فرمائید:

حباله والبیّه بانوئی بود که از زیادی عبادت پوست شکمش به پشتش چسبیده بود. او هنگامی که مردم به طرف معاویه دعوت می شدند، به طرف امام حسین (علیه السلام) رفت، پسر برادرش با او زندگی می کرد، روزی دست این پسر را گرفت و نزد امام برد و از ایشان سؤال کرد: «آیا (نام) این پسر را نزد خود یافته و او را از اهل نجات می یابی؟» حضرت فرمود: «آری او را نزد خود یافته و از اهل نجاتش می یابم» ^{۳۲۸}.

برّ به اهل البیت (علیهم السلام)

زیارت امام حسین (علیه السلام) برّ به اهل البیت (علیهم السلام) است چه این که باعث شادمانی آنها می شود و دشمنانشان را به سخنی آزار می دهد^{۳۲۹}.

دلایل ضرورت برّ به اهل البیت (علیهم السلام) (۳ دلیل):

دلیل اول:

حضرات معصومین (علیهم السلام) بر گردن انسانها حق حیات ابدی دارند، آنچه از ادیان آسمانی مانده است و آنچه نزد اهل سنت از اسلام موجود است همه به برکت وجودی ایشان است.

زمانی که والدین ما بواسطه حق حیات مادی، دارای آن میزان از حقوق هستند که در قرآن، احسان به آنها بعد از امر به توحید آمده است^{۳۳۰}، اهل البیت (علیهم السلام) دارای چه حقی می توانند باشند!!

براساس آنچه گفته شد ائمه بزرگوار (علیهم السلام) بخصوص پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) و امام علی (علیه السلام) والدین دینی ما هستند. لذا مهمترین رَحِم و خویشاوندی هستند که باید اتصال با آنها مدام حفظ شود، و قطع این رَحِم، فساد گسترده ای را به دنبال دارد^{۳۳۱}.

سخن ائمه (علیهم السلام) در موضوع والدین معنوی

امام حسن عسکری (علیه السلام) در تفسیر مبارک خود، در تأیید این موضوع که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) و امام علی (علیه السلام) والدین دینی هستند سخن خداوند و حضرات معصومین (علیهم السلام) را در این رابطه به تفصیل بیان می کنند:

(۱) خداوند جل و علا می فرماید: به والدین خود احسان نمائید (و

بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا).

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۴۱

- (۲) پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: برترین والدین شما و سزاوارترین آنها برای سپاسگزاری محمد و علی (علیهما السلام) است.
- (۳) امام علی (علیه السلام) می فرماید: از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) شنیدم که می فرمود: من و علی بن ابی طالب پدران این امتیم و هرآینه حق ما بر آنها بزرگتر از حق والدین آنها است! زیرا ما در صورتی که اطاعتمان کنند از آتش به سوی منزل آرامش نجاتشان می دهیم و از راه عبودیت ملحقشان می سازیم به بهترین آزادگان.
- (۴) حضرت فاطمه (علیها السلام) می فرماید: پدران این امت محمد و علی (علیهما السلام) هستند، که کجی های آنها را راست می کنند و اگر اطاعت شوند، آنها را از عذاب دائم نجات می دهند و اگر با آنها همراهی کنند نعمت دائم را برایشان مباح می سازند.
- (۵) امام حسن (علیه السلام) می فرماید: محمد و علی (علیهما السلام) پدران این امت هستند، پس خوشا بحال کسی که نسبت به حق آنها عارف باشد و در همه حالاتش از آنها اطاعت نماید، خداوند او را از ساکنین بهشت قرار خواهد داد و با کرامات و رضوانش آنها را سعادت مند می سازد.
- (۶) امام حسین (علیه السلام) می فرماید: هر کس حق دو پدر برتر خودش محمد و علی (علیهما السلام) را بشناسد و آنها را آنگونه که حق اطاعت است، فرمان بپذیرد، به او گفته می شود: «بفرما! جای بگیر در هر بهشتی که می خواهی!».
- (۷) امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: اگر حق پدر و مادر عظیم است بر فرزندانشان بخاطر احسانی که به آنها داشته اند، پس احسان محمد و علی (علیهما السلام) به این امت از جلالت و عظمت بیشتری برخوردار است لذا آنها به عنوان والدین بودن سزاوارتر هستند.

۸) امام باقر (علیه السلام) می فرماید: هر کس که می خواهد بداند دارای چه ارزشی است نزد خداوند، پس باید ببیند ارزش دو پدرش محمد و علی (علیهما السلام) نزد او چگونه است.

۹) امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هر کس رعایت نماید حق پدران برترش محمد و علی (علیهما السلام) را، ضرر به او نمی زند اگر حق پدر و مادرش را ضایع نموده باشد و همچنین اگر دیگر حقوق از بندگان خداوند را تباه نموده باشد. زیرا ایشان، آنان را بخاطر تلاشی که فرد نموده است راضی خواهند نمود.

۱۰) امام کاظم (علیه السلام) می فرماید: ثواب نماز عظمت پیدا می کند طبق تعظیمی که نمازگذار نسبت به اَبُوین برترش محمد و علی (علیهما السلام) دارد.

۱۱) امام رضا (علیه السلام) می فرماید: آیا ناخوش دارید که از طرف پدر و مادرتان طرد شوید؟ گفتند: آری! فرمود: پس باید هر کدام از شما کوشش کند که طرد نشود از طرف پدر و مادری که برتر از والدین خودش می باشند.

۱۲) امام جواد (علیه السلام) زمانی که شخصی نزد ایشان گفت: من، محمد و علی (علیهما السلام) را دوست دارم حتی اگر قطعه قطعه شوم و یا ریز ریز گردم از آن جدا نمی شوم! فرمودند: اگر این چنین است حتماً محمد و علی (علیهما السلام) به تو خواهند داد از طرف خودشان، آنچه را که تو به آنها از طرف خودت داده ای! آندو، روز فصل القضاء (روز قیامت که حکم به جدائی حق از باطل می شود) برای تو درخواست چیزی را می کنند که اصلاً برابری نمی کند چیزی را که تو به آنها بذل نموده ای: برای هر جزئی (از بذل تو) صد میلیون برابر.

أَمَّن رَعَى حَقَّ أَبَوَيْهِ الْأَفْضَلَيْنِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ لَمْ يَضُرَّهُ مَا ضَاعَ مِنْ حَقِّ أَبِيهِ نَفْسِهِ وَ سَائِرِ عِبَادِ اللَّهِ فَإِنَّهُمَا يُرْضِيَانِهِمَا بِسَعْيِهِمَا.

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۴۳

(۱۳) امام هادی (علیه السلام) می فرماید: هر کس والدین دینیش محمد و علی (علیهما السلام) نزد او گرامی تر نباشند از والدین نسبیش، پس از خداوند سهمی در حلال و حرام (خداوند) و کم و زیاد (او) ندارد.^{۳۳۱}

(۱۴) امام عسکری (علیه السلام) می فرماید: هر کس طاعت والدین دینیش محمد و علی (علیهما السلام) را، بر طاعت والدین نسبیش ترجیح دهد، خداوند عزوجل می فرماید: هر آینه من را برگزیدی همان گونه که من تو را برگزیدم، و شرف دادم تو را در محضر ابوبن دینیت، همانسان که تو خودت را شرافت بخشیدی با ترجیح دادن محبت آندو بر محبت والدین خودت^{۳۳۲}.

دلیل دوم:

اهل البیت (علیهم السلام) قُربای پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) هستند و مودت به آنها اجر رسالت و شرط بهره‌بری از نبوت است^{۳۳۳}. و زیارت مصداق روشنی از مودت می باشد.

دلیل سوم:

حقیقت بر آنفاق نمودن محبوب است^{۳۳۴} و حضرات معصومین (علیهم السلام) محبوبترین چیز که جانشان باشد را در راه خداوند بذل نمودند لذا بر شیعیان آنهاست که لا اقل با هزینه نمودن مقداری از عمر و مال خود و رفتن به زیارت این ذوات مقدسه و اقامه عزا، از هدایتهای آنها تشکر کنند هر چند خداوند شکر آنها را موجب زیاد شدن نعمت هدایت و برکت رزق قرار می دهد که فرمود: «برکت یک درهم هزینه برای اقامه عزا برای امام حسین (علیه السلام) تا هفتاد

أَمَّنْ لَمْ يَكُنْ وَالِدًا دِينَهُ مُحَمَّدٌ وَعَلِيُّ أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنْ وَالِدَيْ نَسَبِهِ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي حِلٍّ وَلَا حَرَامٍ وَلَا قَلِيلٍ وَلَا كَثِيرٍ.
ب لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ.

ارتباط موجودات جهان با زائر

مقدمه

خداوند در قرآن می‌فرماید: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا** ۳۳۶.

(مسلماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان محبتی برای آنان در دلها قرار می‌دهد!)

همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: **أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ** ۳۳۷.

(آیا ندیدی که تمام کسانی که در آسمانها و کسانی که در زمینند برای خدا سجده می‌کنند؟! و (همچنین) خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان، و بسیاری از مردم! اما بسیاری (ابا دارند، و) فرمان عذاب درباره آنان حتمی است و هر کس را خدا خوار کند، کسی او را گرامی نخواهید داشت! خداوند هر کار را بخواهد (و صلاح بداند) انجام می‌دهد).

از دو آیه فوق برداشت می‌شود که:

اولاً: بسیاری انسانها همگام با موجودات جهان آفرینش نبوده و محبت خداوند را در دل نداشته و او را ستایش نمی‌کنند.

ثانیاً: محبت اولیاء خداوند در قلب آنهائی قرار دارد که خداوند را دوست داشته و او را تسبیح می‌کنند.

ثالثاً: بین موجودات جهان و اولیاء خداوند ارتباط خاصی وجود دارد.

براساس آنچه گفته شد موجودات جهان با امام حسین (علیه‌السلام) و در نتیجه با محب و زائر حضرت ارتباط خاصی وجود دارد.

و همچنین در احادیث زیادی این مطلب به صراحت ذکر شده است که همه موجودات جهان از ملائک گرفته تا انسانهای حق مدار و حیوانات و گیاهان و جمادات همه می دانند که واسطه های فیض در این جهان چه کسانی هستند، آنها شاید این ذوات مقدسه را با نام و نشانی شناسند ولی وجودشان را حس می کنند هرچند در اقرار کردن و کرنش در برابر متولیان هستی، با یگدیگر متفاوت می باشند^{۳۳۸}.

سه حدیث در موضوع ارتباط

با توجه به مقدمه فوق آنچه در ذیل می آید قابل تعمق است:

۱. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: قسم بخداوند! گویا می بینم ملائک را که در لابلای مؤمنین اطراف قبر حسین (علیه السلام) هستند. مُفضَّل که راوی حدیث است به امام عرض می کند: پس زوَّار ملائک را می بینند؟ امام می فرماید: نه! نه! (هیئات! هیئات!) قسم به خداوند! فرشتگان ملازم مؤمنین هستند تا آنجا که آنها صورتهای مؤمنین را مسح می کنند^{۳۳۹}.

۲. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: پدرم برای من حدیث فرمود که: مکان حضرت از زمانی که کشته شده است خالی از ثنا گوی (ویا نماز گذاری) که بر او درود بفرستد (و یا نماز بگذارد) نبوده است چه فرشتگان و چه انسانها و جنیان و چه وحوش. هیچ چیز نیست مگر این که غبطه زائر حضرت را می خورد، و می خواهد که او را مسح کند و به او بنگرد و امید دارد با نگاه کردن به او خیر نصیبش شود چه این که او به قبر نگریسته است^{۳۴۰}.

۳. میثم تمار از امام علی (علیه السلام) نقل می کند که حضرت به من خبر داد: گریه می کنند بر او هر چیزی حتی وحوش در صحراها و ماهیان

أِنَّهُمْ لَيَمْسَحُونَ وُجُوهُهُمْ بِأَيْدِيهِمْ.

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۴۷

در دریاها و پرندگان در آسمان، و گریه می‌کند بر او خورشید و ماه و ستارگان و آسمان و زمین و مؤمنین از انسانها و جنیان و همه فرشتگان آسمانها و زمین و رضوان (فرشته مسؤل بهشت) و مالک (فرشته مسؤل دوزخ) و حاملین عرش و آسمان خون و خاکستر می-

بارد^{۳۴۱}.

ثواب زیارت دیگر ائمه (علیهم السلام):

مقدمه

زوآر ائمه (علیهم السلام) همنشین با انبیاء اولوالعزم و اهل البیت (علیهم السلام) کنار عرش خواهند بود و محدوده عرش به تعداد زوآر ائمه (علیهم السلام) توسعه می یابد.^{۳۴۲}

زیارت هریک از ائمه (علیهم السلام) مثل زیارت امام حسین (علیه السلام)^{۳۴۳} و مثل زیارت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) است.^{۳۴۴} چه این که امام حسین (علیه - السلام) خود پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) است.

ثواب زیارت هریک از امامان بزرگوار (علیهم السلام)

ثواب زیارت پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) (۶ ثواب):

- زیارت ایشان زیارت خداوند است چه این که درجه حضرت ارفع الدرجات است.^{۳۴۵}
- فضیلت ائمه (علیهم السلام) بخاطر سلام ایشان است به حضرت^{۳۴۶}.
- زائر ایشان مثل مهاجر به سوی ایشان در زمان حیات^{۳۴۷}.
- همجوار ایشان در قیامت^{۳۴۸}.
- تنها به قصد زیارت و جوب بهشت^{۳۴۹}.
- شفاعت در روز قیامت^{۳۵۰}.
- ترک زیارت از سوی کسی که به مکه آمده است موجب جفا^{۳۵۱}.
- پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) زیارت خواهد نمود زائر را در روز قیامت و او را از گناهان رها می نماید^{۳۵۲}.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۴۹

ثواب زیارت امام علی (علیه السلام) (۸ ثواب):

- ثواب زیارت امام حسین (علیه السلام) بخاطر این که محل دفن سر حضرت کنار قبر امام علی (علیه السلام) است^{۳۵۳}.
- با هر گام یک حج و یک عمره برای رفتن به زیارت نجف با پای پیاده و دو حج و دو عمره هنگام برگشت به صورت پیاده^{۳۵۴}.
- دربهای آسمان نزد قبر امام علی (علیه السلام) باز می شود^{۳۵۵}.
- برای هر گام در زیارت حضرت صد هزار حسنه و محو سیئه و ترفیع درجه و قضای حاجت و ثبت ثواب هر صدیق و شهیدی چه بمیرد و یا کشته شود^{۳۵۶}.
- زیارت و نماز مخصوص نزد قبر حضرت، ثواب زیارت هفتاد قبیله از ملائکه را دارد که هر قبیله صد هزار فرشته است^{۳۵۷}.
- پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) زیارت خواهد نمود زائر را در روز قیامت و او را از گناهان رها می نماید^{۳۵۸}.
- زیارت حضرت در اصل سه زیارت است: زیارت استخوانهای آدم و زیارت بدن نوح و زیارت جسم امام علی (علیهم صلوات الله)^{۳۵۹}.
- آمرزش شصت سال برای زیارت روز غدیر^{۳۶۰}.

ثواب زیارت حضرت زهراء (علیها السلام) (۲ ثواب):

- صلوات بر حضرت موجب بهجت و الحقاق به پیامبر (صلی الله علیه و آله - وسلم) است^{۳۶۱}.
- سلام به ایشان و به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) سه روز، موجب وجوب بهشت^{۳۶۲}.

ثواب زیارت امام حسن (علیه السلام) (۲ ثواب):

- ثبات قدم در صراط^{۳۶۳}.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۵۰

- پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) زیارت خواهد نمود زائر را در روز قیامت و او را از گناهان رها می نماید^{۳۶۴}.

ثواب زیارت امام باقر (علیه السلام) (۱ ثواب):

- از چشم درد شکایت نمی کند و مریض نشده و مبتلی نمی میرد^{۳۶۵}.

ثواب زیارت امام صادق (علیه السلام) (۳ ثواب):

- آمرزش گناهان^{۳۶۶}.
- غفران و این که فقیر نمی میرد^{۳۶۷}.
- از چشم درد شکایت نمی کند و مریض نشده و مبتلی نمی میرد^{۳۶۸}.

ثواب زیارت امام موسی (علیه السلام) (۳ ثواب):

- نجات بغداد بخاطر قبر حضرت^{۳۶۹}.
- زیارت ایشان مثل زیارت امام حسین (علیه السلام) است^{۳۷۰}.
- زیارت قبر حضرت مثل زیارت قبر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و امام علی (علیه السلام) است هر چند فضیلت زیارت ایندو قبر بجای خود محفوظ است^{۳۷۱}.

ثواب زیارت امام رضا (علیه السلام) (۱۹ ثواب):

- روضه بهشت است^{۳۷۲}.
- مثل زیارت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و هزار حج و عمره و شفاعت اهل البیت (علیهم السلام)^{۳۷۳}.
- زیارت در غربت حضرت مثل اجر صد هزار شهید و صدیق و حاجی و معتمر و مجاهد^{۳۷۴}.
- حشر با اهل البیت (علیهم السلام) و هم درجه ایشان در بهشت^{۳۷۵}.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۵۱

- شفاعت ولو با گناهان تَقَلِّین همراه با معرفت به حقوق واجب حضرت و اطاعت ایشان^{۳۷۶}.
- هزار تا یک میلیون حج و عمره^{۳۷۷}.
- ثواب انفاق قبل از فتح و جهاد^{۳۷۸}.
- برطرف کننده اندوه^{۳۷۹}.
- آمرزش گناهان گذشته و آینده و لو به تعداد ستارگان آسمان و قطرات باران و برگهای درختان^{۳۸۰}.
- برای زائرش منبری مقابل منبر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) روز قیامت نصب می کنند تا زمانی که مردم از حساب فارغ شوند^{۳۸۱}.
- در سه جا برای خلاصی زائرش می آید: هنگام دادن نامه اعمال، صراط و میزان^{۳۸۲}.
- امام موسی (علیه السلام) تضمین نموده اند که ثواب تا هزار حج را ببرد^{۳۸۳}.
- همه زوَّار ائمه (علیهم السلام) همنشین آنها در عرش و هم درجه آنها خواهند بود ولی زوَّار امام رضا (علیه السلام) از همه به ایشان نزدیکتر می باشند^{۳۸۴}.
- اجر هفتاد شهید با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به شرط معرفت حق ایشان. یعنی بداند که او مفترض الطاعه است و شهید و غریب می باشد^{۳۸۵}.
- امام صادق (علیه السلام) به فرزندشان امام موسی (علیه السلام) اشاره کردند و فرمودند: «از او فرزندی در طوس کشته می شود که الأندَر و فالأندر (کمی و کمتری) از شیعیان او را زیارت می کنند»^{۳۸۶}.

^۱ چه این که انفاق بعد از پیروزی از خلوص کمتری برخوردار است.

^۲ برای توضیح مراجعه شود به مبحث: «آمرزش گناه».

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۵۲

- در مسیر زیارت هر باران و سرما و گرمائی به او برسد خداوند بدنش را بر آتش حرام می‌کند^{۳۸۷}.
- گرمی‌ترین وارد شونده بر خداوند در روز قیامت زائر حضرت است^{۳۸۸}.
- قبر حضرت قطعه‌ای از بهشت است لذا زیارت کننده ایشان در روز قیامت ایمن خواهد بود^{۳۸۹}.
- زیارت امام مقدم بر زیارت امام حسین (علیه‌السلام) است زیرا (در آن زمانها) اولاً قبر حضرت زائر کمی دارد^{۳۹۰} و ثانیاً زیارت امام مخصوص خواص شیعه است بر خلاف زیارت قبر امام حسین (علیه‌السلام)^{۳۹۱}.

ثواب زیارت امام حسن عسکری (علیه‌السلام) (۱ ثواب):

- نجات اهالی اطراف سامراء بخاطر قبر حضرت^{۳۹۲}.

ثواب زیارت حضرت معصومه (علیها‌السلام) (۱ ثواب):

- وجوب بهشت^{۳۹۳}.

ثواب زیارت حضرت عبد العظیم (رضی‌الله‌عنه) (۱ ثواب):

- زیارت ایشان مثل زیارت امام حسین (علیه‌السلام) است^{۳۹۴}.

بحث تفصیلی بعضی از ثوابها

تکریم زائر

کسانی که قبر امام حسین (علیه السلام) را زیارت نمایند از زمره بندگان مورد تکریم خداوند قرار می گیرند^{۳۹۵}، آنهم بهترین کرامتها و نیکوترین ثوابها^{۳۹۶}. این تکریم در امور مادی به صورت سعه رزق و دفع بلا و در امور معنوی به صورت آمرزش و بهشت و رضوان تجلی پیدا می کند.

تکریم زائر توسط خداوند (۷ مورد):

۱. خداوند به زائر امام (علیه السلام) نزد ملائک مباحثات می نماید و سوگند به عزت و جلالت و عظمتش می خورد که کرامتش را بر او واجب گرداند^{۳۹۷}.
۲. خداوند به زائر امام حسین (علیه السلام) آنچنان نگاهی می اندازد که با این توجه رتبه اعلای بهشت بر او واجب می شود همراه با پیامبر اعظم (صلی الله وعلیه وآله) و اهل بیت ایشان^{۳۹۸}.
۳. خداوند روز قیامت به فرشتگانش می فرماید: نمی بینید که زوآر حسین چه با شوق سوی او و سوی فاطمه می شتابند؟! به عزت و جلال و عظمت سوگند که کرامتم را بر اینان واجب کنم^{۳۹۹}.
۴. خداوند زائر را عبد صدیق می نامد و آنگاه فرشتگان می گویند: فلانی صدیق است! خداوند او را از فوق عرشش ستوده است!، و این چنین است که زائر «کروبی زمینی» نام می گیرد^{۴۰۰}.
۵. خداوند ثواب تقدیس و تسبیح هفتاد میلیون فرشته برای محبین اهل البیت (علیهم السلام) ثبت می کند^{۴۰۱}.
۶. خداوند در قرآن می فرماید: «پرهیزگاران در باغها و رودها جای دارند و در جایگاه درستی کنار خداوند مالک مقتدر قرار دارند»^{۴۰۲}. کسی که

^۱ به نزدیک ترین فرشتگان به حاملین عرش کروی گفته می شود و همچنین به رؤسای ملائک مثل جبرئیل نیز کروی اطلاق می گردد.

^۲ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ

امام حسین (علیه السلام) را زیارت نماید همسخن خداوند کنار عرش بوده و از مصادیق این آیه می گردد^{۴۰۳}.

۷. اگر زائر در همان سال عبادت بمیرد خصوصا اگر در شب و روز زیارتش بمیرد خداوند او را قبض روح می کند^{۴۰۴}.

تکریم زائر توسط اهل البیت و انبیاء (علیهم السلام) (۶ مورد):

۱. زوَّار زمانی که غسل زیارت کنند، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آنان را مورد خطاب قرار می دهد که: «ای مهمانان خداوند! بشارت باد بر شما که رفیق من در بهشت هستید». سپس امیر المؤمنین (علیه السلام) آنان را ندا می دهد که: «من ضامن برآورده شدن حوائجتان هستم و بلاها را در دنیا و آخرت از شما دور می کنم». آنگاه پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از راست و چپ زوَّار با آنها ملاقات می کند تا این که به خانواده خود برگردند^{۴۰۵}.

۲. ابلاغ سلام پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) توسط فرشته ای به زائر بعد از اتمام زیارت^{۴۰۶}.

۳. امام علی (علیه السلام) با زائر مصافحه نموده و او را از حوض کوثر، زودتر از دیگران، سیراب می نماید، آنگاه امام فرشته ای را با زائر همراه می کند تا به دستور آن فرشته، «صراط» برای او خوار گشته و او بتواند به راحتی از آن عبور نماید و زبانهای آتش به او نرسد و سپس داخل بهشت شود^{۴۰۷}.

۴. امام حسین (علیه السلام) با او زیر عرش خداوند همسخن می شود تا از دهشت روز قیامت ایمن گردد^{۴۰۸}.

۵. زائر مورد مصافحه صد و بیست و چهار هزار پیامبر برای زیارت نیمه شعبان قرار می گیرد^{۴۰۹}.

۶. زائر مورد مصافحه ارواح بیست و چهار هزار پیامبر و فرشته قرار می‌گیرد که تمامی آنها برای زیارت در شب قدر (بیست و سوم) اذن داده می‌شوند.^{۴۱۰}

تکریم زائر توسط ملائک (۱۵ مورد):

- مواردی از تکریم فرشتگان نسبت به زائر کوی امام حسین (علیه‌السلام):
۱. فرشتگان برایش دعا می‌کنند^{۴۱۱} و آنانی که در آسمان زائر را دعا می‌کنند بیشترند تا آنها که در زمین او را دعا می‌کنند^{۴۱۲}.
 ۲. زمانی که زوَّار قصد زیارت می‌کنند خداوند گناهانشان را به ملائکی می‌سپارد که موکل قبر حضرت هستند و اولین گام را که برمی‌دارند ملائک همه گناهانشان را محو می‌سازند و با گام بعدی بر حسناتشان می‌افزایند و این افزایش حسنات ادامه می‌یابد تا این که بهشت بر آنان واجب شود. سپس آنان را در بر می‌گیرند و تقدیسان می‌کنند و به ملائک آسمان نیز می‌گویند که: «زوَّار حَبِيبِ حَبِيبِ خداوند را تقدیس نمایند»^{۴۱۳}.
 ۳. هفتصد ملک اطراف زائر را هنگام خروج از منزل گرفته و او را همراهی می‌کنند و بعد از زیارت نیز او را مشایعت نموده و پس از خداحافظی با او، تا وقت مرگش مدام به دیدار او می‌آیند و بعد از آن روز، هر روز حضرت را زیارت می‌نمایند و ثواب این زیارت از آن زائر است^{۴۱۴}.
 ۴. پس از اتمام زیارت، فرشتگان به هنگام وداع با او می‌گویند: «ای ولیُّ الله! آمرزیده شدی! ^{۴۱۵}، گوارایت باد! ^{۴۱۶} خوشا بحالت! سود بردی! و سالم شدی! و گذشته‌ات آمرزیده شد. زندگیت را از سر بگیر ^{۴۱۷}».

أَمَّنْ يَدْعُو لَزُورِهِ فِي السَّمَاءِ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَدْعُو لَهُمْ فِي الْأَرْضِ.
ب قَدَسُوا زُورًا قَبْرِ حَبِيبِ حَبِيبِ اللَّهِ.

۵. فرشته‌ای موکل می‌شود تا سه سال برایش استغفار نماید که یا دوباره پس از سه سال به زیارت برگردد و یا این که بمیرد^{۴۱۸}.
۶. چهار هزار فرشته ژولیده و غبارآلود بر سر قبرش عزاداری می‌کنند و هرکس که به زیارت حضرتش بیاید او را استقال نموده و به هنگام مراجعه تا نزد خانواده‌اش او را بدرقه می‌نمایند و هروقت مریض شد به عیادتش خواهند آمد و زمانی که مرد او را تشییع خواهند نمود^{۴۱۹}.
۷. فرشتگان بالهایشان را بر سر زائر گسترانیده و او را تا کنار خانواده‌اش بدرقه می‌نمایند^{۴۲۰}. بخصوص جبرئیل و میکائیل و اسرافیل^{۴۲۱}.
۸. اگر زیارت با شوق همراه باشد فرشتگان او را از شش طرف محافظت می‌نمایند^{۴۲۲}.
۹. ملائک همراه مؤمنین در اطراف قبر حضرت هستند آنگونه که با دستهایشان صورتهای آنها را مسح می‌کنند^{۴۲۳}.
۱۰. فرشتگان به او غبطه می‌ورزند^{۴۲۴}.
۱۱. اگر زائر در سفر زیارتی بمیرد ملائک او را غسل خواهند داد^{۴۲۵}.
۱۲. هر صبحگاهان فرشته‌ای در کنار قبر حضرت ندا می‌دهد که: «ای جوینده خیر! پیش بیا! به آنچه خداوند برای تو مخصوص گردانیده و با کرامت خداوند از این جا کوچ کن! و ایمن از پشیمانی باش!». این ندا را اهل مشرق و مغرب عالم بجز انسانها و جنیان می‌شنوند و زمانی که این بنده هنگام مرگش فرا رسد همه فرشتگانی که در زمین وظیفه نگهبانی دارند معطوف به او می‌شوند و خداوند را نزد او تسبیح می‌گویند و از خداوند می‌خواهند که از او راضی شود و سپس ملائکی که در فضا وجود دارند این صدا را می‌شنوند و با تقدیس خداوند این ندا را پاسخ می‌گویند. این صدا اوج می‌گیرد و به ملائک آسمان دنیا می‌رسد، آنها نیز ملائک زمین را پاسخ می‌گویند. صدای ملائک زمین و آسمان آنچنان اوج می‌گیرد که به آسمان هفتم می‌رسد تا آنجا که پیامبران این صداها را می‌شنوند و برای حسین از

خداوند طلب رحمت نموده و بر او درود می‌فرستند و برای زائر دعا می‌کنند^{۴۲۶}.

۱۳. هزار فرشته از طرف راست زائر و هزار فرشته از طرف چپ او با تالاب حوض کوثر او را همراهی می‌کنند^{۴۲۷}.

۱۴. فرشتگان با او روز قیامت مصافحه خواهند نمود^{۴۲۸}.

۱۵. وقتی ملائک زائر را تا منزلش بدرقه نمودند می‌گویند: پروردگارا! این بنده توست که قبر فرزند نبی‌ات را آمده است و اکنون به منزلش رسیده ما کجا برویم؟ آنها را ندائی از آسمان مورد خطاب قرار می‌دهد که: فرشتگانم! کنار درب بنده‌ام بایستید! و تا روز مرگش تسبیح و تقدیس کنید و (ثواب) آن را در حسناتش بنویسید! آنها همچنان نزد درب منزل او هستند و تسبیح و تقدیس نموده و آن را در حسنات او می‌نویسند و هنگامی که می‌میرد شاهد بر جنازه‌اش بوده و کفن و غسلش می‌کنند و بر او نماز می‌گذارند و می‌گویند: پروردگارا! ما را موکل درب بنده‌ات نمودی حال او مرده است ما کجا برویم؟ خداوند آنها را ندا می‌دهد که: فرشتگانم! نزد قبر بنده‌ام بایستید و تسبیح و تقدیس کنید و آن را در حسناتش تا روز قیامت ثبت نمائید^{۴۲۹}.

زیارت خداوند

زائر کوی حسین (علیه السلام) خداوند را در عرشش^{۴۳۰} و بر بلندای کرسیش^{۴۳۱} زیارت می‌کند، زیرا:

اولاً: امام حسین (علیه السلام) جدای از این که به عنوان یکی از ائمه طاهرین (علیهم السلام)، در بدو خلقت روح مطهرش، انشقاق نوری از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) داشته است و جدای از این حقیقت که ایشان به عنوان امام، نعمت نبوت را کامل ساخته است، از نظر جسمی نیز، متفاوت از دیگر حضرات

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۶۰

معصومین (علیهم السلام)، توسط زبان و انگشت خود پیامبر در اوان آفرینش خاکی، ارتزاق کرده و رشد نموده است (لَمْ يَرْضَعْ مِنْ فَاطِمَةَ (علیه السلام) وَ لَأَ مِنْ غَيْرِهَا لَبِنًا قَطُّ)^{۴۳۲}، لذا شباهت ظاهری خود را دقیقاً از پیامبر عزیز اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) گرفته و از میان صفات حسنی حضرت، جود و سخا و رحمت و شجاعت ایشان را نیز به ارث برده است^{۴۳۳}. لذا هرچند مشابه تعبیر «حسین منی و انا من حسین^{۴۳۴}» در باره دیگر اهل البیت (علیهم السلام) نیز آمده است ولی در باره امام حسین (علیه السلام) عینیت بیشتری یافته است.

بر اساس آنچه گفته شد زیارت امام حسین (علیه السلام) زیارت رسول الله (صلی - الله علیه وآله وسلم) است و چون پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) نزدیکترین خلائق به خداوند هستند پس زیارت کننده ایشان در واقع زیارت کننده خداوند خواهد بود.

ثانیاً: زیارت خداوند به عنوان مقصد نهائی در آخرت، برای زائر حضرت، محقق خواهد شد، بدان گونه که خداوند او را کنار عرشش مورد عنایت ویژه قرار خواهد داد^{۴۳۵} که این عنایت در ذیل بحث «مرگ زائر» به تفصیل توضیح داده شده است.

ثالثاً: خداوند آن قدر حضرت را مورد عنایت قرار می دهد - خصوصاً در شب و روز جمعه - که از آن تعبیر شده است به این که: خداوند حضرت را هر شب جمعه زیارت می نماید و هرکس می خواهد خداوند را زیارت کند شب جمعه به زیارت امام حسین (علیه السلام) مشرف شود^{۴۳۶}.

دعای اهل البیت (علیهم السلام)

اهل البیت (علیهم السلام) به عنوان پدران معنوی انسانهایی که ولایت آنها را پذیرفته‌اند همیشه دعاگو^{۴۳۷} و محافظ دوستان و شیعیان خود هستند^{۴۳۸}، دوستانی که هرچند از دیدار بزرگان خود محرومند ولی با زیارت قبور آنها کمی جبران غیبت امام زمان (علیه السلام) را می‌نمایند.

در این میان زائر کوی حسین (علیه السلام) می‌تواند دارای آنچنان درجه‌ای شود که به مقام رضوان برسد و مورد دعا مخصوص پیامر اعظم اسلام و امام علی و ائمه معصومین (علیهم السلام) قرار می‌گیرد^{۴۳۹} و آسمانیان برای او بیشتر از زمینیان دعا خواهند نمود^{۴۴۰}.

دنیائی که در آن زندگی می‌کنیم آبستن انواع حوادث است آنقدر که انسان تشبیه به سیبلی شده است که مدام تیرهای بلا به طرف آن نشانه می‌رود^{۴۴۱} و پس از مرگ نیز عقبه‌هایی وجود دارد که در سختی گذر از آنها قرآن می‌فرماید: ای پیامبر تو چه می‌دانی گردنه پس از مرگ چیست؟!^{۴۴۲} و در نهایت روز محشر و محکمه بزرگ و دهشت آور خداوندی که تکلیف ابدیت انسان را در بهشت و یا دوزخ مشخص می‌نماید.

انسان با این همه رنجهای اکنون و در پیش، چگونه تسلی یابد و چه چاره‌ای بیاندیشد؟!.

دعا به عنوان مهمترین سلاح مؤمن در مصاف با مشکلات معرفی شده است^{۴۴۳}. سلاحی که همگام با تیرهای بلا باید از آن بهره گرفت^{۴۴۴} و مسیر زندگی تا محشری کبری را با آن طی نمود و خواسته‌های خرد و کلان را با خداوند در میان گذاشت و از او کمک طلبید^{۴۴۵}.

انسانی که بر اثر ناامیدی دعا نمی‌کند اوصاف جمال خداوند را منکر شده و از زمره کفار گشته است^{۴۴۶} و هرگاه این رویگردانی از دعا بخاطر اطمینان به

حفظ مطلوبیت وضع موجود و یا اطمینان به آینده باشد این نشان از روحیه استکباری انسان دارد^{۴۴۷}.

معصیت بزرگترین مانع برای حفظ و تقویت ارتباط با خداوند و در نتیجه موجب سستی در دعا و عدم استجاب آن است برای حل این معضل در کنار تلاش برای ترک معصیت باید با زبانی دعا نمود که با آن معصیتی نکرده ایم! و آن زبان دیگری است^{۴۴۸}.

دعا با زبان دیگری به دو صورت امکان پذیر است: اول این که خواسته خود را، برای دیگری، از خداوند بخواهیم^{۴۴۹}. دوم این که از دیگران بخواهیم تا برایمان دعا کنند.

برای درخواست دعا از دیگران باید نزد آنها محبوب و محترم بود تا آنها هنگام ارتباط با خداوند به یاد انسان باشند.

محبوبیت و کسب احترام نزد اهل البیت (علیهم السلام) و در نتیجه بهره‌بری از دعای خیر آنها به حفظ ارتباط با خداوند با پرهیز از همه مراتب نفاق^{۴۵۰} و زیاد نمودن عبادات بخصوص سجده و طول دادن آن است^{۴۵۱} و همچنین حفظ ارتباط با اهل البیت (علیهم السلام) با زیارت قبر امام حسین (علیه السلام) می‌باشد^{۴۵۲}. لازم به تذکر است که دعای برای دیگری تنها سودش به دیگری نمی‌رسد بلکه خود دعا کننده نیز بیشترین سود را از آن می‌برد.

ثمرات دعا برای دیگری (۱ ثمره):

- دعا برای همه مؤمنین و مؤمنات موجب استجاب مضمون دعا به تعداد همه مؤمنین در طول آفرینش برای فرد دعا کننده^{۴۵۳}.
- دعا برای همه مؤمنین و مؤمنات موجب مأموریت یافتن فرشتگانی به تعداد همه مؤمنین جهان برای دعا برای دعا کننده^{۴۵۴}.
- طلب آمرزش برای همه مؤمنین و مؤمنات موجب اکتساب حسنه به تعداد همه مؤمنین جهان^{۴۵۵}.

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۶۳

- طلب آمرزش برای همه مؤمنین و مؤمنات موجب محو سیئه به تعداد همه مؤمنین جهان^{۴۵۶}.
- طلب آمرزش برای همه مؤمنین و مؤمنات موجب ارتقاء درجه به تعداد همه مؤمنین جهان^{۴۵۷}.
- دعا برای دیگری موجب زیادی رزق^{۴۵۸}.
- دعا برای دیگری موجب دفع و رفع مشکلات^{۴۵۹}.
- استجاب صد هزار برابر مضمون دعا برای خود^{۴۶۰}.

دعای امام صادق (علیه السلام) برای زوار امام حسین (علیه السلام)

معاویه بن وهب می گوید خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم حضرت در سجاده اش نشسته بود پس من نشستم تا نماز ایشان تمام شد پس شنیدم که با پروردگارش نجوا می کرد و می گفت:

ای کسی که ما را به کرامت مخصوص گردانیدی، و وعده شفاعت به ما دادی و سالت را بر دوش ما گذاشتی و ما را ورثه انبیاء قرار دادی و امتهای پیشین را به ما منتهی ساختی و وصایت را مخصوص ما گردانیدی و علم گذشته و آینده را به ما دادی و قلوب گروهی از مردم را به طرف ما متمایل ساختی.

خداوندا بیامرز من را و برادران من را و زوار قبر پدرم حسین بن علی را که درود خداوند بر هردوی آنها باد! اینان کسانی هستند که اموال خود را هزینه نمودند و بدنهای خود را از منازل خارج نمودند بخاطر رغبت نسبت به ما و بخاطر امید به آنچه نزد توست در حفظ ارتباط با ما و بخاطر سروری که داخل بر پیامبرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) نمودند و بخاطر اجابتی نسبت به امر ما داشتند و بخاطر خشمی که داخل بر دشمنان ما نمودند، با این امور خوشنودی تو را اراده کردند، پس از طرف ما آنها را

^۱ اغْفِرْ لِي وَ لِإِخْوَانِي وَ زُورَ قَبْرِ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا.

با رضایت خودت پاداش بده! و آنها را شب و روز حفظ فرما و در میان اهل و اولاد بجا مانده آنها به بهترین نحو جانشین شان شو و همراه زوار باش و بازدارشان از هر ستمگر متکبری و از شر هر ضعیف و توانمند از خلقت و از شر شیاطین انس و جن و عطا کن به آنها برتر از آنچه که از تو آرزو نمودند در غربتشان بجای وطنشان، و برتر از آنچه که ما را بخاطر آن بر فرزندان و اهالی و خویشانشان برگزیدند.

خداوندا! دشمنان ما بر آنها بخاطر خروجشان از منزل عیب می گیرند ولی این مسئله آنها را از حرکت و خروج به سمت ما باز نداشته است بخاطر مخالفتی که با دشمنان ما دارند.

پس رحم کن! بر آن صورتهائی که خورشید آنها را تغییر داده.^ا
و رحم کن! بر آن گونه‌هائی که روی بر قبر ابو عبد الله (علیه السلام) نموده است.^ب

و رحم کن! بر آن چشمهائی که بخاطر رحمت بر ما اشکهایش جاری گشته است.^ت

و رحم کن! بر قلبهائی که بخاطر ما ناشکیب شده است و سوخته است.^ث

و رحم کن! بر آن ناله هائی برای ما بوده است.^ج

خداوندا! من این روح ها و بدنها را به تو می سپارم تا آنها را در روز عطش از حوض سیراب گردانی^{ح ۴۶۱}.

^ا فَأَرْحَمَ تِلْكَ الْوُجُوهُ الَّتِي غَيَّرْتَهَا الشَّمْسُ.

^ب وَارْحَمْ تِلْكَ الْخُدُودَ الَّتِي تَقَلَّبُ عَلَى قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ.

^ت وَارْحَمْ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا.

^ث وَارْحَمْ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَاحْتَرَقَتْ لَنَا.

^ج وَارْحَمْ تِلْكَ الصَّرْحَةَ الَّتِي كَانَتْ لَنَا.

^ح اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ تِلْكَ الْأَنْفُسَ وَ تِلْكَ الْأَبْدَانَ حَتَّى تُرَوِّبَهُمْ مِنَ الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطَشِ

عناوین بلند

زائر کوی امام حسین (علیه السلام) مدالهایی بس ارزشمند بر سینه دارد، او از زمره اولیاء خداوند بوده^{۴۶۲} و زمانی که وارد صحن می شود خداوند نام او را جزء رستگاران و ظفرمندان ثبت نموده و زمانی که زیارتش تمام شد خداوند نامش را جزء فائزین ثبت می کند^{۴۶۳} و بعد نامش به عنوان (کروبی زمینی)^{۴۶۴} و از جمله فرشتگان علیین در آسمان ثبت می شود و در یک کلام سعادت مند واقعی است^{۴۶۵}.

در ادامه بعضی از عناوین فوق را مورد بررسی قرار می دهیم.

ولی الله

عنوان ولی الله آنچنان حائز اهمیت است که وسیله آن ائمه معصومین (علیهم السلام) را در زیارات مخصوصه اشان خطاب می کنیم (السلام علیک یا ولی الله).

یکی از علل عمده ای که به مؤمن خطاب به ولی الله می شود این است که تلاش زیادی برای مسرور نمودن مؤمنین می کند^{۴۶۶}. و زائر با زیارتی که انجام می دهد پیامبر و آل او (علیهم السلام) را به شدت مسرور می نماید^{۴۶۷}.
براین اساس که فرشتگان وقتی با زائر وداع می نمایند به او می گویند: ای ولی خداوند! تو آمرزیده شدی تو از حزب خداوندی و از حزب رسولش و از حزب اهل بیت رسولش قسم به خداوند که هرگز آتش را نمی بینی و آتش نیز تو را نمی بیند و در تو طمع نمی رود^{۴۶۸}.

حزب الله

زائر کوی امام حسین (علیه السلام) با زیارتی که انجام می دهد نامش را در زمره حزب خداوند و حزب رسول او و حزب اهل البیت (علیهم السلام) ثبت می کند^{۴۶۹}.

همه آنها که ولایت خداوند را پذیرفته باشند و در طول آن به ولایت پیامبران و اوصیاء آنها تن در دهند و زندگی خود را تحت سرپرستی آنها قرار دهند جزء یک حزب خواهند بود، آنها حزب الله^{۴۷۰}، و آنها که ولایت شیطان را پذیرفته باشند جزء حزبهای مختلفی می شوند که همه منسوب به شیطان است، و همه جزء فراموش کنندگان خداوند و اعراض کنندگان از توصیه های او هستند^{۴۷۱}. این حزبها همچنان که با حقیقت در ستیزه هستند با باطلهای احزاب دیگران نیز سرچنگ و مخالفت داشته و با خرسندی کامل تنها از تفکرات حزبی خود دفاع میکنند^{۴۷۲}.

حزبهای شیطانی دارای منافع مشترک هستند، لذا گاهی با هم تبانی نموده و ولایت یگدیگر را می پذیرند^{۴۷۳} هرچند همان زمان هم از فریب یگدیگر باز نمی مانند^{۴۷۴} ولی اعضاء حزب خداوند هیچ گونه سرسپردگی نسبت به احزاب شیطانی ندارند^{۴۷۵}.

امام علی (علیه السلام) اصل حزب الله می باشد^{۴۷۶} و ائمه هداة (علیهم السلام) اعضاء اصلی این حزب بوده^{۴۷۷} و شیعیان اعضاء عام آن می باشند^{۴۷۸}. خصوصیات امام علی (علیه السلام) اساسنامه این حزب است^{۴۷۹}. مهمترین اصول این اساسنامه، تقوی^{۴۸۰}، خشیت^{۴۸۱}، عبادت^{۴۸۲} و تبری از دشمنان اهل البیت (علیهم السلام)^{۴۸۳} اعلان شده است. با رعایت این اصول می-توان عضو حزب خداوند گشت^{۴۸۴}.

خداوند متعال در توصیف حزب الله می فرماید:

قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند (و) کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده اند- هر چند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند- دوست ندارند. در دل اینهاست که (خدا) ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است، و آنان را به بهشت هایی که از زیر (درختان) آن جویهایی روان است در می آورد همیشه در آنجا ماندگارند خدا از ایشان خشنود و آنها از او خشنودند اینانند حزب خدا. آری، حزب خداست که رستگارانند^{۴۸۵}.

زائرین حضرت، از زمره به فلاح رسیدگان و رستگاران شمرده شده‌اند^{۴۸۶}.
زائر با زیارت عارفانه‌ای که انجام می‌دهد ثابت می‌کند که واجد تمامی
صفات مفلحین هست، قرآن صفات مفلحین را این گونه مطرح می‌کند:

صفات رستگاران در قرآن (۱۸ صفت):

۱. مفلحین تقوای الهی را رعایت می‌کنند^{۴۸۷} تقوائی که با ایمان به غیب و
ایمان به کتب آسمانی و قرآن و انجام نماز و انفاق^{۴۸۸} و در مجموع
همه عبادات^{۴۸۹} تجلی پیدا می‌کند. و زیارت امام (علیه‌السلام) همه اینها
را با خود دارد.
۲. مفلحین امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند^{۴۹۰}، و زیارت امام (علیه-
السلام) ترویج تولی و تبری به عنوان بزرگترین مصداق معروف می-
باشد.
۳. مفلحین به دنبال وسیله‌ای برای ارتباط با خداوند هستند^{۴۹۱} و در
روایات ائمه معصومین (علیهم‌السلام) آمده است که: ما وسیله هستیم^{۴۹۲}.
۴. مفلحین جهاد در راه خداوند می‌نمایند^{۴۹۳}، و زیارت امام حسین (علیه-
السلام) همیشه با ترس و خطر همراه بوده است و تنها آنها که آماده
جهاد در راه خداوند و بذل جان بوده‌اند جزء زائرین همیشگی حضرت
هستند. براین اساس در روایات، برای حبس و شکنجه و قتل در مسیر
زیارت ثوابهای خاصی ذکر شده است^{۴۹۴} و همچنین زیارت حضرت

أَلَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ
أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ
جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ
أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

معادل جهادهای فراوانی در رکاب با انبیاء و اوصیاء شمرده شده است.^۱

۵. مفلحین از بتها که پلیدیهای شیطان هستند، اجتناب می‌کنند^{۴۹۵}. و زائر با عمل خود نه تنها از بتها، تبری جسته است بلکه آنها را نیز به شدت به خشم آورده است^{۴۹۶}. (لازم بذکر است که در روایات از اولی و دومی به دو بت قریش یاد شده است آنچنان که دعای خاصی نیز به همین نام (صَنَمِی قُرَیش) معروف بین بزرگان شیعه می‌باشد^{۴۹۷} و همچنین گفته شده است که منکر ولایت مثل بت پرست است که گناهی از او آمرزیده نشده و دعایش مستجاب نمی‌گردد^{۴۹۸}).

۶. مفلحین از افتراء به خداوند پرهیز می‌کنند: نه دروغی به خداوند نسبت می‌دهند و نه سخنانی را که بدرستی منسوب به اوست، نسبتش را دروغ می‌پندارند^{۴۹۹}، و چه افترائی بالاتر از این که به پیامبر که کلامی جز وحی ندارد^{۵۰۰}، نسبت هذیان داده شود آنگاه که ایشان می‌خواست در لحظات آخر حیات خود چیزی بنویسد که امت اسلام بعد از ایشان دچار گمراهی نشوند^{۵۰۱} و آن نسبت هذیان و بعد گمراهی امت تا آنجا رسید که امام حسین، ریحانه^{۵۰۲} پیامبر را بین دو نهر آب با لب تشنه همچون گوسفندی ذبح کنند و برای جایزه اینکار بر یگدیگر پیشی بگیرند. زائر با زیارت خود ثابت می‌کند که کلام پیامبر را در باره اوصیاء خود عین وحی می‌داند.

۷. مفلحین دارای کفه‌ای سنگین در میزان هستند^{۵۰۳}. بررسی ثوابهای زیارت امام حسین (علیه‌السلام) انسان را به این حقیقت معترف می‌کند که از جمله افضل اعمال از نظر سنگینی در میزان زیارت امام حسین (علیه‌السلام) است.^۳

^۱ رجوع شود به بحث ثوابهای معادل.

^۳ به مبحث مرور اجمالی ثوابها مراجعه شود.

۸. مفلحین پیوسته از نعمتهای خداوند بخصوص نعمتهای معنوی او یاد می‌کنند^{۵۰۴}. زائر امام (علیه‌السلام) با زیارت پیوسته‌ای که دارد عملاً مدام به یاد نعمت ولایت - که همه نعمتها از آن رنگ و جلا می‌بیاند^{۵۰۵} - هست.

۹. مفلحین ایمان به پیامبر داشته و در پی عزت او و یاری اویند^{۵۰۶} و یاری حضرت به احیاء امر ولایت و امامت است^{۵۰۷} چیزی که دشمنان خدا و رسول همه تلاششان این است که اسلام را با تهی کردن از امام (علیه‌السلام) در ردیف دیگر ادیان تحریف شده آسمانی قرار دهند. آنها گمان می‌کند می‌توانند با دهانشان (کلامشان) نور خداوند را خاموش نمایند^{۵۰۸}.

۱۰. مفلحین منحصرًا مؤمنین هستند^{۵۰۹}. و تفاوتی که ایمان با اسلام دارد در اعتقاد به امام (علیه‌السلام) است^{۵۱۰} و زائر ایمان خود را به ائمه معصومین (علیهم‌السلام) با زیارتی که انجام می‌دهد تثبیت می‌کند.

۱۱. مفلحین از هرگونه کفر و انکار حقیقتی میرا هستند^{۵۱۱} و چه حقیقتی پرفروغ‌تر از امام حسین (علیه‌السلام) و چه کفری شدیدتر از آنها که روز عاشورا را روز خوش یمنی دانسته و در آن روز به ذخیره نمودن مواد غذایی برای برکتی بیشتر! اختصاص می‌دهند^{۵۱۲}.

۱۲. مفلحین مدام به درگاه خداوند توبه می‌نمایند^{۵۱۳}، و برای قبولی توبه و رسیدن به آمرزش خداوند چه راهی بهتر از زیارت امام حسین (علیه‌السلام)؟!^۱

۱۳. مفلحین در مسائل اختلافی راضی به حکم خداوند و پیامبر هستند^{۵۱۴}، و امام حسین (علیه‌السلام) با قیام معماگونه خود آزمونی را در عصر خود برپا ساخت که نه تنها باعث حذف بسیاری از مدعیان تشیع در عصر خود گردید بلکه در طول زمان نیز بسیاری بخاطر ضعف معرفت

^۱ به بحث آمرزش گناه زائر مراجعه شود.

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۷۰

راضی به عمل امام (علیه السلام) نبودند. زائر با زیارتی که می کند رضایت خود را نسبت به عمل امام اعلان نموده و بخصوص در زیارت اصحاب امام (علیه السلام) می گوید: السَّلَامُ عَلَیْكُمْ (ثَلَاثًا) فَزُتُمْ وَاللَّهِ فُزْتُمْ وَاللَّهِ فَلَيْتَ أَنِّي مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا (سلام بر شما! سلام بر شما! رستگار شدید به خدا قسم! رستگار شدید به خدا قسم! کاشک من با شما بودن و به رستگاری بزرگی می رسیدم^{۵۱۵}).

۱۴. مفلحین اهل عمل صالح هستند^{۵۱۶}، و یکی از افضل اعمال، زیارت امام حسین (علیه السلام) است^{۵۱۷}.

۱۵. مفلحین حقوق ذوی القربی و مساکین را پرداخت می کنند^{۵۱۸}، و ترک زیارت امام حسین (علیه السلام) ترک این حق شمرده شده است^{۵۱۹}.

۱۶. مفلحین اعضاء حزب الله هستند^{۵۲۰}، و ملائک به زائر امام (علیه السلام) هنگام وداع با او می گویند: «تو از حزب خداوند و از حزب پیامبر و اهل بیت او هستی^{۵۲۱}».

۱۷. مفلحین نگهدارنده بخل نفسانی خود هستند^{۵۲۲} و زائر با انفاق مال در راه زیارت عملاً با این بخل مبارزه می کند و با هر درهم هزینه ای که می کند هزاران هزار درهم برای او ثبت می شود^{۵۲۳}.

۱۸. مفلحین نفس خود را تزکیه می کنند^{۵۲۴}، و خداوند زائر امام (علیه السلام) را از فوق عرشش تزکیه می کند^{۵۲۵} یعنی او را در این امر خطیر مدد می نماید.

سعيد

اگر نام کسی جزء اشقیاء ثبت شده باشد و او موفق به زیارت امام حسین (علیه السلام) شود - خصوصاً در ایام غربت بارگاه حضرت^{۵۲۶} - ، نامش جزء سعداء نوشته می شود^{۵۲۷}. توصیح حدیث این است که:

^۱ به عنوان حزب الله در همین بحث مراجعه شود.

سعادت و شقاوت قبل از آفرینش، برای انسانها رقم خورده است^{۵۲۸} به این معنا که خداوند طبق علمی که نسبت به اهل محبت و اهل معصیت دارد برای اهل محبتش امکان معرفتش را مهیا نموده و برای اهل معصیت زمینه غور بیشتر در معصیت را آماده نموده است^{۵۲۹}.

معرفت خداوند بدون معرفت اهل البیت (علیهم السلام) امکان پذیر نیست^{۵۳۰}، لذا خداوند برای آنها که به دنیال محبت اویند زمینه تشیعان را فراهم می-سازد^{۵۳۱} و بر این اساس زوار امام حسین (علیه السلام) در زمره سعادت می-باشند.

نکته‌ای که در حدیث فوق وجود دارد این است ممکن است انسانهایی دارای دو مرحله از زندگی باشند، قسمت نخست زندگیشان را با گمراهی سپری کرده باشند و قسمت دوم را با هدایت همراه نموده باشند و خداوند، فرشتگان را تنها نسبت به قسمت نخست زندگی آنها آگاه نموده باشد و لذا ممکن است آنها نام انسانی را در زمره اشقیاء بدانند ولی پس از آن که این فرد موفق به زیارت امام حسین (علیه السلام) می شود، متوجه می گردند که او از ابتداء در علم خداوند جزء سعادت قرار داشته است.

لازم به تذکر است که بنابر علم ملائک، انسان می تواند از شقاوت به سعادت برسد ولی عکس آن - که فردی از سعادت به شقاوت برسد - امکان پذیر نیست^{۵۳۲}.

آری زائر امام حسین (علیه السلام) با سعادت زندگی می کند و با سعادت می-میرد^{۵۳۳}.

^۱ البته منافقین می توانند از خود چهره سعادت مندی نشان دهند ولی بعد رسوا گردند چنانچه شیطان خود را سعید نزد فرشتگان مطرح کرد و منافقین صدر اسلام نیز از خود چهره‌ای مقدس نزد بسیاری از مسلمانان جهان ساخته‌اند. ولی بحث در باره ظاهر سازی و فریب نیست بلکه موضوع، سعادت واقعی در علم فرشتگان است.

در احادیث اهل البیت (علیهم السلام) مصادیقی برای سعادت ذکر شده است که بسیاری از آنها برای زائر امام (علیه السلام) تطبیق می‌کند این موارد عبارتند از:

- ◆ از سعادت، محبت آل محمد (صلی‌الله‌وعلیه‌وآله) است^{۵۴۴}، و زیارت امام (علیه‌السلام) بهترین نوع ابراز این محبت است.
- ◆ از سعادت، امید به ثواب و نیکو نمودن عمل است^{۵۳۵}، و زیارت امام (علیه‌السلام) دارای بیشترین ثواب است.
- ◆ از سعادت، توفیق است^{۵۳۶} و زیارت امام (علیه‌السلام) مهمترین مصداق توفیق است.
- ◆ از سعادت، مبادرت به خیر و اعمال پاکیزه است^{۵۳۷}، و زیارت امام (علیه‌السلام) شاخص‌ترین عمل خیر و عمل پاکیزه است.
- ◆ از سعادت، همراهی با حق است^{۵۳۸}، و زیارت امام (علیه‌السلام) یاری حقیقتی بنام حسین (علیه‌السلام) است.
- ◆ از سعادت، رهائی از قساوت است^{۵۳۹}، و زیارت امام (علیه‌السلام) تجلی قلب رؤف یک انسان است.
- ◆ از سعادت، اموری است که به رستگاری منجر شود^{۵۴۰}، و زیارت امام (علیه‌السلام) عین فلاح و رستگاری است^۱.
- ◆ از سعادت، خالص نمودن طاعت است^{۵۴۱}، و زیارت امام (علیه‌السلام) موجب ولائی شدن انسان و ورود به زمره مخلصین است
- ◆ از سعادت، کوچک شمردن از محرومیت‌های مادی است، و زیارت امام (علیه‌السلام) بخصوص در مواقع خطر کوچک شمردن جان و مال است.

^۱ مراجعه به عنوان مفلحین شود.

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۷۳

◆ و در آخر این که اهل سعادت و شقاوت بعد از محکمه الهی مشخص خواهد شد^{۵۴۲} و آنجاست که همه انسانها آرزو می کنند ای کاش زائر امام حسین (علیه السلام) می بودند^{۵۴۳}.

شفاعت

شفاعت به معنای طلب آمرزش است برای شفاعت شونده در روز قیامت و این دعا تنها نصیب شیعیان می شود زیرا قرآن می فرماید: لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى^{۵۴۴} و امام رضا (علیه السلام) در تفسیر آیه می فرماید: لِمَنْ ارْتَضَى دِينُهُ یعنی: شفاعت می کنند کسی را که دینش مورد رضایت باشد^{۵۴۵} و خداوند طبق آیه اکمال دین^{۵۴۶} تنها مکتب تشیع را دین مورد رضایت خود اعلان نموده است، مکتبی که امامت را ادامه نبوت می داند در نتیجه ائمه معصومین (علیهم السلام) را الگوی اندیشه و محبت و رفتار خود می داند.

در مقابل، آنها که حقیقت نبوت را شناختند ولی به جای تبعیت از رسول، از هوای خود پیروی نمودند نباید انتظار داشته باشند تا نبی اعظم (صلی الله علیه و آله - وسلم) برای آنها طلب آمرزش نماید.

همه آنها که وعده خلود در دوزخ به آنها داده شده است هرچند دارای عناوین مختلفی هستند ولی دارای یک نقطه مشترک هستند و آن تکذیب انبیاء است. زائر امام حسین (علیه السلام) با زیارتی که انجام می دهد ثابت نموده که به راه انبیاء و اوصیاء آنها وفادار مانده است بر این اساس نه تنها خود از شفاعت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) برخوردار است بلکه تعداد زیادی از گنهکارانی را که مستوجب آتش هستند نیز از دوزخ نجات می دهد. این تعداد متفاوت است و بسته به میزان ارزش زیارت زائر است^۳. به تعبیر ذیل توجه نمائید:

◆ هرکس قبر ابو عبد الله (علیه السلام) را زیارت نماید و حال آن که بداند او امامی است که طاعتش واجب بر بندگان است خداوند گناهان گذشته و آینده او را بخشیده و شفاعتش را در باره هفتاد گنهکار قبول می کند^{۵۴۷}.

^۱ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا، (امروز کامل گردانیدم برای شما دینتان را و تمام نمودم بر شما نعمتم را و راضی شدم برای شما اسلام را به عنوان دین)

^۳ به مبحث علل تفاوت ارزشی زیارت مراجعه نمائید.

- ◆ او بسیاری از مردم را که به آنها محبت دارد به بهشت می برد تا آنجا که فردی به او می گوید آیا من را می شناسی؟ من در فلان روز و فلان روز جلوی پای تو بلند شدم و زائر او را داخل بهشت می کند هیچ کس مانع او نمی شود و او را باز نمی دارد^{۵۴۸}.
- ◆ او می تواند صد مرد را از مسرفین که آتش بر آنها واجب شده است را شفاعت نماید^{۵۴۹}.
- ◆ کسی که در راه زیارت کشته شود می تواند علاوه بر اهل بیتش هزار نفر از برادران ایمانیش را شفاعت نماید^{۵۵۰}.
- ◆ برای هر ذکر از تسبیحات اربعه با تربت شصت هزار حسنه و محو سیئه و ترفیع در جه و به همین میزان شفاعت نصیب فرد می شود^{۵۵۱}.
- ◆ زائر ده نفر از اهل بیتش را شفاعت می کند که همه مستحق آتش هستند^{۵۵۲}.
- ◆ زائر پس از این که توسط اوصیاء (علیهم السلام) از حوض کوثر آب نوشیده هر کس را که بخواهد از آن آب سیراب خواهند نمود^{۵۵۳}.
- ◆ ذکر گفتن با تسبیحی که از تربت کربلا درست شده است خصوصا اذکار اربعه موجب می شود فرد بتواند تا شصت هزار نفر را شفاعت نماید^{۵۵۴}.

ثوابهای معادل

معادله زیارت با حج و عمره (۲۱ مورد):

احادیثی که در باب معادله بین زیارت حضرت با حج و عمره آمده است بسیار فراوان است، این احادیث را می توان به سه دسته تقسیم نمود:

الف) معادله زیارت با مطلق حج و عمره:

۱. یک عمره ^{۵۵۵}.
 ۲. یک حج و عمره ^{۵۵۶}.
 ۳. ده حج و عمره ^{۵۵۷}.
 ۴. بیست حج ^{۵۵۸}.
 ۵. بیست و دو حج ^{۵۵۹}.
 ۶. بیست حج و عمره ^{۵۶۰}.
 ۷. هشتاد حج ^{۵۶۱}.
 ۸. هزار حج و عمره ^{۵۶۲}. خصوصا برای کسی که در یک سال سه بار حضرت را در شبهای نیمه شعبان و شب عید فطر و عید قربان زیارت نماید ^{۵۶۳}.
 ۹. هزار حج و عمره برای هر رکعت نماز کنار قبر مطهر ^{۵۶۴}.
 ۱۰. یک حج با تمام مناسکش برای زیارت در روز عرفه بعد از غسل با آب فرات ^{۵۶۵}.
 ۱۱. صد حج و عمره برای هر گام برای زیارت در روز عرفه ^{۵۶۶}.
 ۱۲. نماز فریضه در حرم حضرت معادل یک حج و نماز نافله معادل یک عمره ^{۵۶۷}.
- ب) معادله زیارت با حج و عمره همراه با حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم):
۱۳. یک حج ^{۵۶۸}.
 ۱۴. سه حج ^{۵۶۹}.

۱۵. سی حج ۵۷۰.

۱۶. پنجاه ۵۷۱.

۱۷. صد حج ۵۷۲.

۱۸. هزار حج و عمره ۵۷۳.

۱۹. هزار حج و عمره با نبی یا وصی نبی ۵۷۴.

۲۰. یک میلیون حج با حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یک میلیون

عمره با پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) ۵۷۵.

ج) نود حج و عمره خود پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) ۵۷۶.

فهم احادیث معادله زیارت با حج

تذکر چند نکته برای فهم احادیث فوق ضروری است:

یک) در بعضی از احادیث هر گونه معادله‌ای بین زیارت حضرت با حج و یا عمره نفی شده است، این روایات حمل بر تقیه شده است، زیرا این گونه احادیث در مقایسه با احادیثی که مسئله معادله را مطرح نموده‌اند بسیار اندک است ۵۷۷.

دو) قضیه معادله زیارت حضرت با حج و عمره نباید موجب شود تا برنامه حج کم رنگ گردد، این مسئله حتی موجب نگرانی امام صادق (علیه السلام) نیز شده است در آنجا که می‌فرمایند: «اگر مردم آگاه به فضائل زیارت حضرت شوند حج را به طور کلی ترک خواهند نمود» ۵۷۸، لذا باید توجه نمود که اولاً: زیارت حضرت، جای حجة الاسلام (حج واجب) را نگیرد ۵۷۹. و ثانیاً: زیارت نباید سبب شود فرد از ثواب حج و عمره مستحبی نیز خود را بی نصیب سازد بلکه باید بین حج و عمره و زیارت حضرت تا می‌تواند جمع کند ولی اگر نتوانست، با زیارت حضرت می‌تواند ثواب حج را در بالاترین مراتبش بدست بیاورد ۵۸۰.

ولذا در تعبیر دیگری آمده است: «ثواب هر کدام از حج یا عمره را زمانی بدست می‌آورد که قصد یکی از آنها را داشته ولی امکانات لازم برایش فراهم نشده است» ۵۸۱.

سه) تنوع تعداد حج و عمره و کیفیت آنها که به عنوان ثواب زیارت گفته شده است یکی از معضلات احادیث زیارت است که شاید بتوان با کمک امور ذیل این معضل را حل نمود:

أ. ممکن است حاجی برای رسیدن به حج مقبول مجبور شود چندین بار حج انجام دهد لذا اگر گفته می‌شود زیارت حضرت معادل این میزان از حج است یعنی احتمال قبولی زیارت بسیار زیاد است^{۵۸۲}.

ب. هریک از: معرفت، خلوص، مشقت، شوق، ادب و تکرار، موجب تفاضل و تفاوت زیارت زوآر می‌شود و در نتیجه معادل آنها نیز تفاوت می‌کند.

ج. نوع تعبیر احادیث دلالت بر این دارد که ثواب معادل، می‌تواند بسیار زیاد باشد. نه این که هر زیارتی لزوماً این گونه است. مثلاً در روایات زیادی امام (علیه‌السلام) در مقابل تعجب راوی عدد بیشتری از حج و عمره را ذکر می‌نمودند، به عنوان نمونه به حدیثی اشاره می‌کنیم که مهمترین ثواب را برای زیارت مطرح می‌کند: امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «یک روز حسین بن علی (علیهما‌السلام) در دامن پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بودند و حضرت با ایشان بازی می‌نمودند و ایشان را می‌خنداند، عایشه گفت: یا رسول الله! چقدر این کودک تو را به شوق آورده است؟! حضرت به او فرمودند: وای بر تو! چگونه او را دوست نداشته باشم و به شوق نیایم، و حال آن او میوه قلب من و روشنی چشم من است! آگاه باش که امت من به زودی او را می‌کشند، پس هر کس او را بعد از من زیارت نماید، خداوند برای او یک حج از حجهای من را می‌نویسد، عایشه می‌گوید: یا رسول الله یک حج از حجهای تو را؟! حضرت می‌فرماید: بله، دو حج از حجهای من را! عایشه می‌گوید: یا رسول الله دو حج از حجهای تو را؟! حضرت می-

^۱ توضیح بیشتر را در مبحث «علت تفاضل ثواب» بیابید..

فرمایند: بله، سه حج از حجهای من را! عایشه می گوید: یا رسول الله سه حج از حجهای تو را؟! حضرت می فرمایند: بله، چهار حج از حجهای من را! و پیوسته عایشه زیاد می دانست این میزان از حج را و حضرت بر این حج می افزودند و چندین برابرش می نمودند تا تعداد به نود حج از حجهای رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) همراه با عمره‌های آن رسید^{۵۸۳}.

چهار) علت برتری زیارت بر حج و عمره مستجبی را می تواند با دقت در امور ذیل بدست آورد:

أ. در مراسم حج انسانهای ولد الزنا نیز شرکت می کنند ولی به زیارت حضرت تنها آنها که دارای ولادت پاک هستند مشرف می شوند^{۵۸۴}

ب. مراسم حج با زیارت ائمه بزرگوار علیهم السلام به کمال می رسد^{۵۸۵} اصلا فلسفه حضور در مراسم حج رسیدن خدمت امام و آموزش تعالیم دینی است^{۵۸۶} به مبحث «ولایت» مراجعه شود.

ج. سرزمین مکه و همچنین آب زمزم دارای ارزشی بسیار پائین تر از سرزمین کربلا و آب فرات است. توضیح بیشتر را در بحث «کربلا» دنبال کنید.

معادله زیارت با جهاد (۶ مورد):

- معادل اجر سوار بر هزار اسب در جهاد^{۵۸۷}.
- معادل بیست جهاد در رکاب امام عادل^{۵۸۸}.
- معادل دادن یک میلیون اسب برای جهاد برای زیارت در روز عرفه^{۵۸۹}.
- معادل هر گام صد جهاد در رکاب نبی مرسل برای زیارت در روز عرفه^{۵۹۰}.
- معادل هزار جهاد در رکاب نبی مرسل برای زیارت در روز عرفه^{۵۹۱}.
- معادل هزار جهاد در رکاب نبی مرسل برای هر کعت نماز کنار قبر^{۵۹۲}.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۸۰

معادله زیارت با آزاد نمودن برده (۴ مورد):

- معادل آزاد نمودن بیست و پنج بنده^{۵۹۳}.
- معادل آزاد نمودن هزار بنده^{۵۹۴}.
- معادل آزاد نمودن هزار بنده برای هر رکعت نماز نزد قبر^{۵۹۵}.
- معادل آزاد نمودن یک میلیون بنده برای زیارت عرفه^{۵۹۶}.

معادله زیارت با دیگر عبادات (۳ مورد):

- معادل دو ماه اعتکاف در مسجد الحرام^{۵۹۷}.
- معادل هزار روز روزه^{۵۹۸}.
- معادل هزار صدقه^{۵۹۹}.

آمزش گناه

آمزش گناه یکی از ثوابهای بزرگ زیارت قبور شهداء آل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)^{۶۰۰} بخصوص قبر حضرت امام حسین (علیه السلام) است که با تعابیر مختلفی در احادیث زیارت آمده است، با کنکاش در این احادیث به آموزه‌های ارزشمندی دست می‌یابیم:

۱. امام صادق (علیه السلام) سه بار می‌فرمایند: «أَلَمْ أُخْلِفْ لَكَ» آیا برایت قسم بخورم که این آمزش تحقق می‌یابد؟!^{۶۰۱}

تعابیر امید بخش برای زائر (۱۶ تعبیر):

۲. برای آمزش گناهان زائر، تعابیر امید بخشی آمده است:

- گناهانش مثل پلی است که جلوی منزل زائر کشیده شده است و با بیرون آمده از خانه به قصد زیارت آنها را پشت سر می‌گذارد^{۶۰۲}.
- هرچند گناهانش به تعداد ریگهای ریگزار و کوه‌های تهامه و کفهای دریا^{۶۰۳}.
- گناهانش مثل ریزش برگ درختان در تند باد می‌ریزد^{۶۰۴}.
- صفر و خالی از ذنوب می‌شود^{۶۰۵}.
- خالی از گناه درست مثل زمانی که به دنیا آمده است^{۶۰۶}.
- گناهانش اگر به تعداد موهای بزهای قبیله بنی کلب باشد آمرزیده می‌شود^{۶۰۷}.
- بعد از آمزش گناه به او گفته می‌شود: ای بنده خدا پاک شدی! زندگی را دوباره آغاز کن!^{۶۰۸}.
- در مسیر اگر آفتاب زده شود، همانگونه که خورشید هیزم را می‌خورد گناهانش خورده می‌شود^{۶۰۹}.
- از آب فرات که خارج می‌شود، از گناهانش نیز خارج می‌گردد^{۶۱۰}.

- از گناهان مانند چراخاندن لباس در آب پاک می شود^{۶۱۱}.
 - برای هر گامی که برمی دارد سیئه‌ای از او دفع می شود^{۶۱۲} و بعد از غسل در فرات این عدد به ده افزایش می یابد^{۶۱۳}.
 - گناهان پنجاه سال او آمرزیده می شود^{۶۱۴}.
 - آتش دوزخ هیچ در او طمع نمی کند^{۶۱۵}.
 - نه آتش او را می بیند و نه او آتش را^{۶۱۶}.
 - خداوند او را از آتش آزاد می کند^{۶۱۷}.
 - صورتش را دوزخ آتش نمی زند^{۶۱۸}.
- ۳- تمامی گناهان آمرزیده می شود حتی گناهان کبیره^{۶۱۹} و گناهانی که فرد را مستحق آتش نموده است^{۶۲۰}. البته باستثنای گناهانی که فرد را از ایمان خارج ساخته است^{۶۲۱} به معنای این که سیئاتش بر همه روح و روان او احاطه پیدا کرده است، و دیگر جایی برای حالت پشیمانی برای فرد باقی نگذاشته است^۳.
- ۴- گناهان گذشته و آینده زائر آمرزیده می شود^{۶۲۲}. آمرزش گناهان آینده، به معنای حفاظت از گناه و وسوسه شیاطین در آینده است. مثل این است که در احادیث زیارت آمده است: زائر حضرت، تا یک سال از هر آفتی که ساده‌ترین آن شیطان است حفظ می شود^{۶۲۳}.
- مثل تعبیر «گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده می شود» تعابیر دیگری نیز وجود دارد، مثل:
- در مسیر آنچه از بدی و غیر آن از دهانش خارج شود برایش نوشته نمی شود^{۶۲۴}.

أَإِلَّا أَنْ يَكُونَ ذَنْبًا يُخْرِجُهُ مِنَ الْإِيمَانِ.

ب بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهَا حَظِيَّتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (بقره):

(۸۱).

ت مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۸۲

- اگر زیارت روز عرفه باشد تا هفتاد روز بعد از زیارت گناهی برای او نوشته نمی‌شود.^{۶۲۵}
- تا یک سال برای زائر در نیمه شعبان، سیئه نوشته نمی‌شود.^{۶۲۶}
- اگر در هزینه‌های سفر اسراف کرده باشد برایش ثبت نمی‌گردد.^{۶۲۷}

موارد «آمرزش گناهان آینده و گذشته» (۱۹ مورد):

- حاجیان به سه دسته تقسیم می‌شوند که برترین آنها دارای ثواب «آمرزش گناهان گذشته و آینده» خواهد بود.^{۶۲۸}
- برای زیارت امام رضا (علیه‌السلام)^{۶۲۹}.
- کسی که فضیلتی از فضائل امام علی (علیه‌السلام) را خوانده و به آن اقرار نماید.^{۶۳۰}
- زیارت امام علی (علیه‌السلام) عارف به حق بدون تجبر و تکبر.^{۶۳۱}
- دعا برای کُمیت مداح اهل‌البیت (علیهم‌السلام) به آمرزش گناهان گذشته و آینده.^{۶۳۲}
- ایمان به خداوند و تصدیق پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و دو رکعت نماز در مسجد حضرت.^{۶۳۳}
- کسی می‌تواند بدیهای دیگران را فراموش نماید و به آنها احسان نماید که گناهان گذشته و آینده‌اش آمرزیده شده باشد.^{۶۳۴}
- کسی که سن هشتاد و یا نود را پشت سر گذاشته باشد.^{۶۳۵}
- خواندن سوره مؤمن هرشب.^{۶۳۶}
- قرائت چهل بار سوره اخلاص.^{۶۳۷}
- خواندن نماز مخصوص شب جمعه.^{۶۳۸}
- قرائت آیه‌الکرسی هفتاد بار قبل از زوال.^{۶۳۹}
- قرائت هریک از سوره‌های فاتحه و معوذتین (فلق و ناس) هفت بار در روز جمعه.^{۶۴۰}
- نماز مخصوص شب چهارشنبه.^{۶۴۱}

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۸۴

- احیاء شب قدر^{۶۴۲}.
- روزه سه روز از رجب^{۶۴۳} و یا سه روز از اول و سه روز از وسط و سه روز از آخر^{۶۴۴}.
- روزه هفت روز از شعبان^{۶۴۵}.
- احیاء شب نیمه ماه شعبان^{۶۴۶}.
- نماز مخصوص در شب بیستم ماه رمضان^{۶۴۷}.

استجاب دعا

زیر قُبّه امام حسین (علیه السلام) دعای زائر رد نخواهد شد^{۶۴۸}.
توضیح این که: همه خواسته‌های مؤمن به دو قسم دنیوی و اخروی تقسیم می-
شود:

دعاهای اخروی مستجاب (۹ دعا):

مهمترین خواسته‌های اخروی امور ذیل هستند که تضمین داده شده است که
برآورده شود^{۶۴۹}:

۱. آمرزش همه گناهان^{۶۵۰} جز آنچه فرد را از ایمان خارج ساخته است^{۶۵۱}.
۲. قبولی اعمال^{۶۵۲}.
۳. آسانی قبض روح به هنگام مرگ^{۶۵۳}.
۴. وسعت قبر^{۶۵۴}.
۵. ایمنی بعد از حشر^{۶۵۵}.
۶. ایمنی از محاسبه^{۶۵۶}.
۷. عبور از صراط^{۶۵۷}.
۸. دخول در بهشت^{۶۵۸}.
۹. هم جواری با اهل البیت (علیهم السلام)^{۶۵۹} خصوصا با امام حسین (علیه-
السلام)^{۶۶۰}.

دعاهای دنیوی مستجاب (۷ دعا):

مهمترین خواسته‌های دنیوی امور ذیل هستند که ان شاء الله برآورده خواهد شد:

۱. وسعت رزق^{۶۶۱}.
۲. ایمنی جانی و مالی^{۶۶۲}.
۳. سلامت خانواده در مدت سفر زیارتی^{۶۶۳}.
۴. طولانی شدن عمر^{۶۶۴}.

۵. بهبود مرض^{۶۶۵}.
۶. جبران هزینه‌های سفر^{۶۶۶}.
۷. حل مشکلات شخصی تر مثل درمان نازائی^{۶۶۷}.

توجه به چند نکته:

۱. برای استجابات حاجت‌های فوق باید عوامل مختلفی دست به دست هم دهند و موانع زیادی از سر راه برداشته شود، بنابراین هر یک از خواسته‌های فوق در خود خواسته‌های زیادی را نهفته دارند پس اگر گفته می‌شود هزار حاجت دنیوی و اخروی فرد برآورده می‌شود^{۶۶۸} نباید متحیر شد که این حوائج چه اموری می‌تواند باشد.
۲. ممکن است برآورده نشدن یک خواسته کم اهمیت‌تر، مقدمه استجابات یک دعای مهمتر باشد. بنابراین اگر دعائی رد شد این به معنای عدم استجابات آن نیست و در واقع استجابات به معنای شنیده شدن و مورد توجه قرار گرفتن دعا کننده است. منتها با توجه به اولویتها و مقاصد نهائی‌تر. مثلا ایمنی از محاسبه روز قیامت، در روایتی مشروط به مردن در مسیر برگشت از زیارت در ماه مبارک رمضان شده است^{۶۶۹}. که این، با خواسته طولانی شدن عمر و یا ایمنی جان منافات دارد ولی ایمنی از محاسبه مهمتر است یا چند سال بیشتر عمر کردن؟! اصولا اگر دعاکننده مورد توجه خداوند متعال باشد خواسته‌های مهمتر او مورد توجه قرار گرفته و دعا‌های جزئی‌تر فدای آن خواسته‌ها می‌شود بر خلاف کسی که مورد مهر خداوند نیست، برای این چنین کسی خواسته جزئی مادی در اولویت قرار می‌گیرد و لذا استجابات دعا برای او بیشتر عذاب خداوند است.

أدر عرب به زنانی که نازا هستند مگر این که نزد قبر نزد کریم بیابند نَزور گفته می‌شود، زمانی که اهالی شهرها شنیدند که امام حسین علیه السلام به شهادت رسیده است صد هزار زن نَزور، نزد قبر ایشان آمدند و همه آنها بچه دارد شدند (بحارالانوار: ۹۸/۷۵).

۳. گرچه استجاب دعا همه جا و در هر زمانی انجام می‌پذیرد ولی طبق آنچه در نکته دوم گفته شد، استجاب دعائی که مصالح بیشتری در او مد نظر قرار گرفته باشد موقعی محقق می‌شود که دعا کننده توجه به زمان و مکان خاص داشته باشد و با این توجه رشد و تعالی بیشتری را از خود نشان دهد.

تعبیری زیبا از استجاب دعا زیر قُبّه (۵ تعبیر):

از برآورده شدن حوائج کنار قبر امام حسین (علیه‌السلام) تعبیر زیبایی شده است مثل:

أ. امام باقر (علیه‌السلام) فرمودند: حسین صاحب کربلا، کشته شد در حالی که مظلوم بود، غمگین بود، تشنه بود و صدای دادخواهی‌اش بلند بود، لذا خداوند به خودش سوگند یاد نموده است که هیچ دادخواهی و هیچ گرفته‌ای و هیچ گنهکاری و هیچ اندوگینی و هیچ تشنه‌ای و هیچ مبتلائی نزد او نمی‌آید که بعد دعا نماید و به خداوند توسط حسین بن علی (علیهما‌السلام) تقرب جوید مگر این که خداوند گرفتگی‌اش را وسعت بخشد و خواسته‌اش را عطا فرماید و گنااهش را ببخشد و عمرش را تمديد نماید و رزقش را گسترش دهد. فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَلْبَابِ، پس ای صاحبان مغز عبرت بگیرید! ^{۶۷۰}

ب. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید:... و زمانی که زائر به قبر مطهر می‌رسد خداوند با او نجوا می‌کند که: بنده من از من بخواه عطا می‌کنم تو را، بخوان من را پاسخ می‌گویم تو را، حاجتت را مطرح نما برآورده می‌کنم آن را ^{۶۷۱}.

ج. ابو هاشم جعفری می‌گوید: خدمت امام هادی (علیه‌السلام) رسیدم، ایشان تب دار و مریض بودند، به من فرمودند: ابو هاشم! شخصی

از دوستانمان را به حیراً بفرست تا برای من دعا کند، ابو هاشم می گوید: از نزد حضرت خارج شدم و با علی بن بلال برخورد نمودم و او را نسبت به آنچه حضرت به من گفته بود، آگاه نمودم و از او خواستم تا همان مردی باشد که به حیر می رود. علی بن بلال گفت: السمع و الطاعة، چشم، اطاعت، و لکن من می گویم ایشان برتر از حیر است زیرا هم رتبه کسی است که در حیر است، و دعای ایشان برای خودش افضل از دعای من است. ابو هاشم می گوید: آنچه را که علی بن بلال گفته بود خدمت حضرت عرض کردم، ایشان فرمودند: به او بگو رسول خداوند (صلی الله علیه و آله وسلم) از بیت (کعبه) و حَجَر (حجر الاسود) برتر بود ولی بیت را طواف می کرد و به حجر سلام می داد، خداوند را بقرعه هائی است که دوست دارد آنجا او را بخوانند تا استجاب نماید و حیر از آن جمله است.^{۶۷۲}

د. امام سجاد (علیه السلام) در ذیل آیه: فَحَمَلْتَهُ فَأَنْتَبَدْتَ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا، (پس باردار شد او را و با او دور شد در مکانی دور دست)^{۶۷۳} فرمودند: (مریم) از دمشق خارج شد تا به کربلا رسید و فرزندش را در موضع قبر امام حسین (علیه السلام) فارغ شد، سپس همان شب برگشت.^{۶۷۴}

ه. فُطْرُسُ مَلَكٍ که در پذیرش ولایت امام علی (علیه السلام) از خود کندی نشان داده بود از آسمان رانده شد و بعد از تولد امام حسین (علیه السلام) و شفاعت جبرئیل نزد پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم)، حضرت به او توصیه نمودند تا بالش را به گهواره امام حسین (علیه السلام) بکشد تا جایگاه قبلیش را بیابد.^{۶۷۵}

^۱ حَیْر نام روضه منور امام حسین (علیه السلام) بوده که برای تقیه از آن استفاده می شده است.

ارزش گامهای زائر

حقی که گامها بر گردن صاحب خود دارند این است که آنها در مسیر طاعت خداوند قرار گیرند^{۶۷۶}. و همه رفتنها و آمدنها برای رضای خداوند انجام شود^{۶۷۷} چه این که قدمها روز قیامت بر علیه انسان شهادت خواهند داد^{۶۷۸}.

گامهای مقدس (۲۴ مورد):

ارزش گامها بسته به میزان درستی تصمیم، صدق نیت^{۶۷۹} و ارزشمندی مقصدی است که انتخاب شده است. آنچه در ذیل می آید تحقیق نسبتاً کاملی است از آنچه که می تواند گامها را ارزشمند سازد:

۱. حاجی در مسیر عرفات این چنین دعا می کند: خداوندا! تو را قصد نمودم و به تو تکیه کردم و وجه و رحمتت را خواستم، من از تو می خواهم که پایم را مبارک گردانی و حوائجم را برآورده سازی^{۶۸۰}.
۲. فرشتگان بخاطر رضایتی که از طالب علم دارند بالهایشان را زیر گامهای او پهن می کنند^{۶۸۱}.
۳. جالوت و سربازانش زمانی که با طالوت و لشگرش برخورد نمودند گفتند: پروردگارا فرود آر بر ما صبر را و ثابت کن گامهایمان را و یاری کن ما را بر گروه کافرین^{۶۸۲}.
۴. امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه می فرماید: خداوندا... هنگام لرزش پل دوزخ زمان گذشتن از آن، ثابت کن لغزشهای گامهای ما را بوسیله قرآن^{۶۸۳}.
۵. بهشت زیر پای مادران است، بوستانی از بوستانهای بهشت^{۶۸۴}.

^۱ رَبَّنَا أفرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أقدامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرِينَ.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۹۰

۶. برتری کسی که با پای پیاده حج بجا می‌آورد، مانند برتری ماه شب چهارده بر دیگر ستارگان است^{۶۸۵}.
۷. هرکس که بر اساس فروتنی برای خداوند با پای پیاده و برهنه وارد منطقه حرم گردد خداوند برایش هزار حسنه نوشته و از او هزار سیئه دفع نموده و برایش هزار درجه می‌نویسد^{۶۸۶}.
۹. برای زیارت امام رضا (علیه‌السلام) بعد از غسل و همراه آرامش و وقار با پای پیاده و برهنه به زیارت حضرت بشتاب!^{۶۸۷}.
۱۰. راه رفتن بین دو نفر بدون این که به فردی بیشتر میل نشان دهد^{۶۸۸}.
۱۱. رفتن مسیری برای برآورده نمودن حاجت برادر ایمانی حتی اگر تلاش بی نتیجه باشد که معادل حج و عمره و اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام می‌باشد^{۶۸۹}.
۱۲. رفتن به مساجد که باعث می‌شود گام به هر جای زمین که می‌گذارد تا هفت طبقه زمین برایش تسبیح نمایند^{۶۹۰}.
۱۳. رفتن برای صله رحم اجر صد شهید را داشته و برای هر گامش چهل هزار حسنه ثبت شده و سیئه از او دفع گشته و ترفیع درجه می‌یابد و مثل این است که خداوند را صد سال همراه با صبر و شکیبائی عبادت نموده باشد^{۶۹۱}.
۱۴. هر کس واسطه رساندن صدقه‌ای به نیازمندی باشد ثواب صدقه دهنده را خواهد داشت^{۶۹۲}.
۱۵. رفتن به نماز جمعه باعث آسان شدن مراحل هراس آور قیامت شده و به او امر می‌شود تا به بهشت رود^{۶۹۳}.
۱۶. همراهی نمودن مهمان هنگام ورود منزل و خروج از آن، جزء حقوق مهمان شمرده شده است^{۶۹۴}.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۹۱

۱۷. هرکس سراغ سلطان ستمگری برود که او را امر به تقوی نماید، موعظه‌اش نموده و او را بترساند خداوند به میزان همه اعمال جن و انس به او خواهد داد^{۶۹۵}.

۱۸. هرکس برای صلح بین دو نفر راهی شود ثواب شب قدر را صاحب می‌شود^{۶۹۶}.

۱۹. هرکس به سوی نماز برود همراه با شوق، کفاره گناهان قبلش خواهد بود^{۶۹۷}.

۲۰. تا ۲۴- امام علی (علیه‌السلام) در پنج جا، پیاده رفته و پاها را برهنه می‌ساخت و می‌فرمود این مکانها از آن خداوند است لذا دوست دارم که در آنها پا برهنه باشم: روز عید فطر، عید قربان، روز جمعه، زمان اعاده مریض و تشییع جنازه^{۶۹۸}.

گامهای نامقدس (۱۶ مورد):

۱. تبعیت از گامهای شیطان^{۶۹۹}.
۲. رفتن از مسیری خاص برای کمتر برخورد نمودن با فقرا^{۷۰۰}.
۳. حضرت آدم با گامهایش به طرف درخت ممنوع رفت و بعد، او و فرزندان مأمور شدند تا پاهای خود را هنگام وضو مسح نمایند^{۷۰۱}.
۴. کفار در دوزخ می‌گویند: پروردگارا! به ما بنمایان آنانی را که ما را گمراه نمودند از جنیان و انسیان تا آنها را زیر گامهایمان قرار دهیم تا از پائین‌ترین‌ها باشند^{۷۰۲}.
۵. اجازه دادن به زنان برای رفتن به مجالسی که زمینه گناه باشد موجب می‌شود تا فرد به رو در آتش افتد^{۷۰۳}.
۶. رفتن به مهمانی بدون دعوت موجب حرام خوری می‌شود^{۷۰۴}.
۷. سواره را پیاده همراهی نمودن باعث فتنه برای سواره و ذلت برای پیاده می‌گردد^{۷۰۵}.

۸. رفتن به مساجد اهل ضلالت موجب کفر به خداوند است مگر این که توجه به ضلالت آنها داشته باشد^{۷۰۶}.
۹. مردی که مانند زنان سخن گفته، و راه رود و انحراف جنسی داشته باشد باید سنگباران شود^{۷۰۷}.
۱۰. رفتن سراغ بدعتگذار برای این که او را احترام بگذارد موجب از بین رفتن اسلام می‌شود^{۷۰۸}.
۱۱. هرگامی که برای کشف عیوب بردار ایمانی برداشته شود گامی است که در دوزخ برداشته می‌شود و خداوند عیوبش را نزد همه خلایق افشا خواهد نمود^{۷۰۹}.
۱۲. رفتنی که موجب از بین رفتن صلح و آشتی بین زوجین شود خشم خداوند را در بر داشته و در دنیا و آخرت مطرود رحمت حق شده و گناهی مثل قطع رحم پیدا می‌کند^{۷۱۰}.
۱۳. وقتی کسی برای سخن چین بین دو نفر راه می‌افتد آتشی را خداوند در قبر بر او مسلط می‌نماید تا او را تا روز قیامت بسوزاند و زمانی که از قبر خارج شود مار بزرگی گوشت او را می‌گزد تا داخل دوزخ شود^{۷۱۱}.
۱۴. هرکس با کبر روی زمین راه رود آنچه زیر و بالای زمین باشد او را لعنت خواهد نمود^{۷۱۲}.
۱۵. هرکس سراغ جادوگر، غیب‌گو و دروغ‌گو رفته و او را تصدیق نماید کفر به آنچه که خداوند نازل کرده ورزیده است^{۷۱۳}.
۱۶. زنان نباید با زدن پاهایشان بر زمین صدای زینتهایشان را به گوش دیگران برسانند^{۷۱۴}.

ارزش گامهای زائر (۷ مورد):

در میان گامهای ارزشمند، گام زائر کوی حسین (علیه السلام) از ارزش ممتازی برخوردار است زیرا:

- گامهایش توسط فرشتگان خداوند مدام تقدیس و تطهیر می شود تا زمانی که به حائر قدس حسینی برسد^{۷۱۵}
- برای هر گامش از یک^{۷۱۶} تا هزار حسنه دریافت می کند^{۷۱۷}.
- برای هر گامش از یک^{۷۱۸} تا هزار سیئه از او دفع می گردد^{۷۱۹}.
- برای هر گامش از یک^{۷۲۰} تا هزار درجه ترفیع می یابد^{۷۲۱}.
- برای هر گامی که بر می دارد و می گذارد حجتی مقبول با تمام مناسکش^{۷۲۲}.
- به پاس زیارت پیاده، تنها خویبهایش در این مسیر نوشته می شود نه بدبهایش^{۷۲۳}.
- به برکت گامهایش گناهانش آمرزیده شده و افتخار عضویت در حزب خداوند و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و اهل البیت (علیهم السلام) را دارا می شود^{۷۲۴}.

امنیت جانی و مالی

در سوره فلق خداوند امر می‌فرماید که: از «شَرِّ مَا خَلَقَ» به خداوند پناه ببرید، و از طرفی دیگر در سوره مائده آیه ۳۵ می‌فرماید: وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ، برای رسیدن به او به دنبال وسیله باشید، مشخص است که خداوند مکانی ندارد که بشود با وسیله یا بدون آن به او رسید، بلکه منظور بهره‌وری از اسماء و صفات اوست. مثلاً برای رسیدن به علم خداوند باید از اهل ذکر سؤال نمود که: فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^{۷۲۵}. درباره صفت «مُعِينِ بَدُونِ» و «کَمَكِ كُنْدَةِ بَدُونِ» خداوند نیز قضیه همین است. باید رفت سراغ آنها که خلیفه خداوند در زمین هستند، مظهر اسماء و صفات اویند، آنها که خداوند زمام امور را بدستان سپرده است.

مسلمانی که اهل ولایت است برای این که ضریب ایمنیش را بالا ببرد از مهمترین «وسيله» استفاده می‌کند، و آن زیارت امام حسین (علیه‌السلام) است.

نمونه هائی از امنیت روانی زائر (۱۲ نمونه):

نمونه های از امنیت روانی، جانی و مالی که با زیارت حضرت حاصل خواهد شد ان شاء الله:

۱. ایمنی از فقر یا سه بار زیارت در سال^{۷۲۶}.
۲. مرگهای بد، مثل: غرق شدن، سوختن و شکار شدن توسط درندگان^{۷۲۷}.
۳. حفظ اموال^{۷۲۸}.
۴. جبران شدن سختیهای سفر مثل: حبس و شکنجه توسط دشمنان اهل-البيت (علیهم‌السلام)^{۷۲۹} و رنج گرما^{۷۳۰} و سرما^{۷۳۱}.
۵. طولانی شدن عمر^{۷۳۲}.

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۹۵

۶. برکت در زندگی^{۷۳۳}.
۷. حفظ از شرور آن سال برای بیتوته شب عرفه در کربلا^{۷۳۴}.
۸. رهایی از هموم دنیوی^{۷۳۵}.
۹. شفای امراض^{۷۳۶}.
۱۰. رهایی از بزرگترین فزع و بیتابی در قیامت^{۷۳۷}.
۱۱. نجات از دوزخ^{۷۳۸}.
۱۲. ایمنی از محرومیت از خیر کثیر^{۷۳۹}.

مراحل دهگانه مرگ زائر (۳۷ مورد):

مرحله آغاز مرگ

۱. زائر کوی حسین (علیه السلام) بدون حسرت از دنیا می رود^{۷۴۰}، سعید زندگی می کند و سعید می میرد^{۷۴۱}.
۲. اگر زائر در همان سال زیارت بمیرد (خصوصا اگر در شب و روز زیارتش بمیرد) خداوند او را قبض روح می کند^{۷۴۲}.
۳. زمانی که زائر هنگام مرگش فرا رسد همه فرشتگانی که در زمین وظیفه نگهبانی دارند معطوف به او می شوند و خداوند را نزد او تسبیح می گویند و از خداوند می خواهند که از او راضی شود و سپس ملائکی که در فضا وجود دارند این صدا را می شنوند و با تقدیس خداوند این ندا را پاسخ می گویند این صدا اوج می گیرد و به ملائک آسمان دنیا می رسد آنها نیز ملائک زمین را پاسخ می گویند صدای ملائک و صدای همه آنها که اهل آسمان دنیا هستند اوج می گیرد تا به آسمان هفتم می رسد و آنجا پیامبران این صداها را می شنوند و برای حسین از خداوند طلب رحمت نموده و بر او درود می فرستند و برای زائر دعا می کنند^{۷۴۳}.
۴. طینت کسی که در راه زیارت حضرت کشته شود طینتی است که ملائک از آن آفریده شده اند و بعد از مرگ این طینت توسط ملائک شسته می شود تا از طینت اهل کفر خالص شود مثل خلوص طینت انبیاء، قلبش شسته می شود و بسط داده می شود و پر می شود از ایمان و زمانی که خداوند را ملاقات می کند خالص شده خواهد بود از هر آنچه که با بدنها و قلبها است^{۷۴۴}.

^۱ مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ غُفِرَ لَهُ الْبُتَّةَ وَلَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا وَفِي نَفْسِهِ حَسْرَةٌ مِنْهَا.

مرحله غسل و کفن و نماز

۵. زائر اگر در سال زیارتش بمیرد، توسط ملائک، همراه با طلب آمرزش و رحمت تشییع شده^{۷۴۵} غسل داده شده و کفن می‌شود^{۷۴۶} و با حنوط و پارچه‌ای که از بهشت برایش آورده می‌شود او را علاوه بر کفن دنیوی که دارد کفنش می‌کنند^{۷۴۷}.

۶. زائر اگر در سفر زیارت توسط حاکم ستمگری کشته شود ملائکه به همراه جبرئیل و عزرائیل بر او نماز می‌خوانند^{۷۴۸}.

مرحله شب اول قبر

۷. فرشتگان کنار قبرش تا روز قیامت عبادت نموده و ثوابش را برای او ثبت می‌نمایند^{۷۴۹}.

۸. زائر اگر در سفر زیارتی بمیرد بابتی از بهشت در قبرش گشوده شده و روحش داخل آن می‌شود و تا روز محشر در آن می‌ماند^{۷۵۰}.

۹. قبر زائر را تا چشم کار می‌کند برایش گسترانیده و او را از فشار قبر محفوظ نگه می‌دارند و نمی‌گذارند نکیر و منکر او را بتراسانند^{۷۵۱}.

۱۰. قبر زائر را برایش از گیاهان خوشبو فرش می‌کنند و زمین را به میزان یک فرسخ از اطرافش برایش می‌گشایند. و چراغهایی را در قبرش روشن می‌کنند و بعد از هجده روز او را به حظیره قدس می‌برند و در آنجا با اولیاء خداوند است تا نفخه اولی^{۷۵۲}.

مرحله خروج از قبر

۱۱. زائر با امام محشور می‌شود^{۷۵۳}.

۱۲. فرشتگان با خروج زائر از قبر به او سلام نموده^{۷۵۴} و بشارت به بهشت می‌دهند^{۷۵۵}.

۱۳. زمانی که از قبر خارج می‌شود پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله) و امام علی (علیه السلام) و دیگر انبیاء با او مصافحه نموده و بشارت به بهشتش می‌دهند.^{۷۵۶}

مرحله محاسبه

۱۴. از او محاسبه به عمل نمی‌آید اگر در مسیر زیارت در ماه رمضان بمیرد^{۷۵۷} و نامه اعمالش را به دست راستش می‌دهند.^{۷۵۸}

۱۵. کسی که در مسیر زیارت زندانی شود به تعداد روزهای حبسش یک شادمانی روز قیامت خواهد داشت و برای هر تازیانه‌ای که به زده شود یک حورالعین به او خواهند داد و برای هر دردی که بر او وارد شود یک میلیون حسنه در یافت نموده و یک میلیون سیئه از او دفع شده و یک میلیون درجه ترفیع می‌گیرد و همسخن با پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) خواهد بود تا فارغ از حساب شود و حاملان عرش با او مصافحه خواهند نمود و به او خواهند گفت هر چه می‌خواهی در خواست کن و بعد زنده‌اش را می‌آورند بدون آن که چیزی از او بپرسند و از او حسابی بکشند، وسط دو بازویش را گرفته و او را تحویل فرشته‌ای می‌دهند و آن فرشته او را گرفته و جرعه‌ای از آب سوزان و جرعه از آب مخلوط با چرک به او می‌نوشاند و بعد او را جایی در آتش قرار داده و به او گفته می‌شود: بچش! نسبت به آنچه در باره این فرد انجام دادی او را تازیانه زدی و حال آن که او مهمان خداوند و مهمان رسول او بود و بعد زائر را می‌آورند کنار درب دوزخ و به او گفته می‌شود: نگاه کن به زنده‌ات و به آنچه با آن درگیر شده است آیا سینه‌ات آرام گرفته است و آیا از او در باره تو قصاص شده است؟ پس او می‌گوید: حمد خداوندی را که از طرف من و از طرف فرزند رسولش از او انتقام گرفت^{۷۵۹}.

مرحله صراط

۱۶. روز قیامت به زائر نوری می دهند که با آن بین شرق و غرب روشن شده و او می تواند با آن نور از صراط بگذرد.^{۷۶۰}
۱۷. با زائر از طرف امام علی (علیه السلام) فرشته ای است که صراط را امر می کند: خوار شو! و به آتش امر می کند: هیچ از زبانه های را به او نرسان! تا این که وارد بهشت شود.^{۷۶۱}

مرحله شفاعت

۱۸. زائر از شفاعت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بهره ور می شود.^{۷۶۲}
۱۹. شفاعت زائر در باره هفتاد گنهگار قبول می شود.^{۷۶۳}
۲۰. زائر بسیاری از مردم را که دوست دارد به بهشت می برد تا آنجا که فردی به او می گوید آیا من را می شناسی؟ من در فلان روز و فلان روز جلوی پای تو بلند شدم و زائر او را داخل بهشت می کند. هیچ کس مانع او نمی شود و او را باز نمی دارد.^{۷۶۴}
۲۱. زائر می تواند صد مسرف را که آتش بر آنها واجب شده است، شفاعت نماید.^{۷۶۵}
۲۲. زائری که در راه زیارت کشته شده است می تواند علاوه بر اهل بیتش، هزار نفر از برادران ایمانیش را شفاعت نماید.^{۷۶۶}
۲۳. ده نفر از خانواده اش^{۷۶۷}.

مرحله قیامت

۲۴. خداوند زائر را همانگونه که در دنیا حفظ نموده است بیشترین حفاظت را در آخرت نسبت به او خواهد داشت.^{۷۶۸}
۲۵. منادی ندا می دهد: این از آنهاییست که حسین بن علی (علیهما السلام) را با شوق زیارت نموده است و آن زمان هیچ کس در محشر باقی نمی ماند که آرزو می کند که از زوار حسین بن علی (علیهما السلام) باشد.^{۷۶۹}

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۱۰۰

۲۶. زائر کوی امام حسین (علیه السلام) اولین نفری است که از حوض آب می -
نوشد امام علی (علیه السلام) با او مصافحه نموده و او را سیراب می نماید^{۷۷۰}.
۲۷. زائر از آتش دوزخ رهائی می یابد^{۷۷۱} آن گونه که نه او آتش را می بیند و
نه آتش او را و هرگز آتش در او طمع نمی ورزد^{۷۷۲}.
۲۸. خواندن یک نماز خالصانه پشت قبر حضرت سبب خواهد شد هنگام
ملاقات خداوند نوری از او ساطع شود که هر کس این نور را ببیند
مدهوش شود^{۷۷۳}.
۲۹. زیارت روز عرفه باعث می شود خداوند قلبش را مانند برف خنک
گرداند^{۷۷۴} و روز قیامت نیز با قلبی این چنین محشور شود^{۷۷۵}.

مرحله کنار عرش

۳۰. زائر هم غذا با انبیاء و العزم و اهل البیت (علیهم السلام) کنار عرش روز
قیامت^{۷۷۶}.
۳۱. خداوند او را به همراه اهل البیت (علیهم السلام) بر سر سفره های بهشتی می -
نشانند و حال آن که مردم هنوز در حساب هستند^{۷۷۷}.
۳۲. زائر روز قیامت بر سفره های از نور قرار می گیرد^{۷۷۸}.
۳۳. تحت لوای امام حسین (علیه السلام) تا دخول در بهشت باتفاق یگدیگر^{۷۷۹}.
۳۴. وقتی روز قیامت شود حضرت در سایه عرش خداوند می نشیند و اطراف
او را زوآر و شیعیانش می گیرند تا شاهد کرامت خداوند و یاری او باشند
شاهد شادمانی و سروری باشند که جز خداوند وصف آن را نمی داند
آنوقت فرستادگان همسرانشان از حورالعین های بهشتی، سراغ آنها می آیند
و می گویند: ما فرستادگان همسران شما هستیم که به شما می گویند ما به
سختی مشتاق شما هستیم چرا کندی می کنید؟ و خوشحالی و شادمانی زیاد
آنها را وامی دارد که به فرستادگان بگویند اگر خدا بخواهد به زودی با
شما خواهیم آمد^{۷۸۰}.

۳۵. در احادیث اهل البیت (علیهم السلام) سوگند یاد شده است^{۷۸۱} که زائر امام حسین (علیه السلام) به بهشت خواهد رفت^{۷۸۲}، آنهم چهل سال زودتر از دیگر مردم^{۷۸۳}.

۳۶. زائر هم درجه با اهل البیت (علیهم السلام) در بهشت^{۷۸۴} خصوصاً هم رتبه امام حسین (علیه السلام)^{۷۸۵}.

۳۷. زائرین امام اطراف لواء پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) که به دست امام علی (علیه السلام) است جمع شده و آنگاه وارد بهشت می شوند^{۷۸۶}.

آداب زيارت

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۱۰۲

آداب عام زیارت (۴۴ ادب)

۱. با همراهانش به خوبی رفتار نماید.
۲. کم سخن بگوید.
۳. زیاد خداوند را یاد نماید.
۴. لباسش را پاکیزه نگه دارد.
۵. خشوع خود را مدام حفظ کند.
۶. زیاد نماز بخواند.
۷. ذکر صلوات را زیاد بگوید.
۸. در اموال همسفریها بدون اذن آنها هیچ تصرفی ننماید.
۹. نسبت به محرمات ورع داشته باشد.
۱۰. نگاهش را از محرمات الهی بپوشاند.
۱۱. اهل مواسات باشد.
۱۲. تقیه را از یاد نبرد.
۱۳. ستیزه جوئی نکند.
۱۴. از قسم زیاد پرهیز نماید^{۷۸۷}.
۱۵. با وضو و با غسل باشد.
۱۶. با پای برهنه به زیارت مشرف شود.
۱۷. گامها را کوتاه بردارد.
۱۸. با آرامش و وقار قدم بردارد.
۱۹. چشمانش را به زمین بدوزد.
۲۰. کنار درب حرم بایستد.
۲۱. تلاش کند تا دلش نرم شود.
۲۲. در و دیوار حرم را ببوسد.
۲۳. بعد از وارد شدن سجده شکر بجا بیاورد.
۲۴. ضرح مطهر را ببوسد.

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۱۰۵

۲۵. در حین زیارت بایستد.
۲۶. زیاد تکبیر بگوید.
۲۷. از زیارات منقوله استفاده کند.
۲۸. نماز زیارت را بخواند.
۲۹. بعد از نماز زیارت دعا کند.
۳۰. مقداری قرآن تلاوت نماید و به صاحب حرم هدیه کند.
۳۱. نماز جعفر طیار را بخواند.
۳۲. نمازهای یومیه را بر نماز زیارت مقدم نماید.
۳۳. هنگام نماز پشت به ضریح نکند.
۳۴. سلام انبیاء، و ائمه معصومین (علیهم السلام) و دیگر مؤمنین را به صاحب حرم ابلاغ نماید.
۳۵. یک دور اطراف ضریح چرخیده و پایه‌های چهار طرف را ببوسد.
۳۶. صدای خویش را بلند نکند.
۳۷. باعث مزاحمت دیگر زوّار نشود.
۳۸. هنگام خروج رویش را از ضریح برنگرداند.
۳۹. از زیارت وداع منقوله استفاده کند.
۴۰. تصمیم به مراجعت داشته باشد.
۴۱. در اطراف ضریح و محل بالای سر باندازه ضرورت توقف نماید تا دیگران از مکانها بهره ببرند.
۴۲. خادمین حرم را مورد اکرام قرار دهد.
۴۳. به راه ماندگان در سفر زیارت کمک نماید.
۴۴. بعد از زیارت وضعیتی بهتر از نظر اخلاق و عبادت و مراقبت نفس داشته باشد^{۷۸۸}.

آداب خاص زیارت امام حسین (علیه السلام) (۱۴ ادب):

۱. قبل از خروج برای زیارت روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیر و قبل از مغرب روز جمعه غسل کند و بعد از نماز مغرب و عشاء بلند شود و به اطراف آسمان نگاه کند و آن شب را با وضو بخوابد.^{۷۸۹}
۲. قبل از حرکت و سومین روزی روزه گرفته است خانواده اش را جمع نموده و ضمن وداع با آنها دعای سفر^{۷۹۰} را بخواند.
۳. خوردنی و نوشیدنی و خواب را به حد اقل برساند زیرا با وجود ضجه و زاری ملائک و اجنه بر امام حسین (علیه السلام) و شدت اندوه و گریه آنها چه کسی می خواهد سفره رنگین بیاندازد؟!^{۷۹۱} لذا از مصرف گوشت و غذاهای چرب امتناع نموده^{۷۹۲} و به نان و شیر (و یا دیگر غذاهای مصیبت زدگان) بسنده نماید^{۷۹۳}. و اگر نمی تواند این گونه به زیارت برود همان بهتر که از خیر زیارت

اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَوْدَعْتُ الْيَوْمَ نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَمَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلِ الشَّاهِدِ مِنْهُمْ
وَالْغَائِبِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنَا بِحِفْظِ الْإِيمَانِ وَاحْفَظْ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا
فِي حِرْزِكَ وَلَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَكَ وَلَا تُغَيِّرْ مَا بَيْنَنَا مِنْ عَافِيَتِكَ وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ إِنَّا إِلَيْكَ
رَاغِبُونَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَمِنْ كَاثِبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَمِنْ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي النَّفْسِ
وَالْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَالِدِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا حَلَاوَةَ الْإِيمَانِ وَبَرْدَ الْمَغْفِرَةِ وَآمِنًا مِنْ عَذَابِكَ إِنَّا إِلَيْكَ
رَاغِبُونَ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَآتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً
إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

^ب فَمَنْ يَتَهَنَأُ مَعَ هَذَا بِطَعَامٍ أَوْ شَرَابٍ أَوْ نَوْمٍ.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۱۰۷

بگذرد^{۷۹۴}. البته در دیگر هزینه‌های سفر سعی کند خوب خرج کند^{۷۹۵}.

۴. شکسته و غمگین و آشفته باشد^{۷۹۶} و با غبار بر چهره به زیارت مشرف شود^{۷۹۷} بدون آن که خود را خوشبو نموده و یا موهایش را روغن زده و چشمانش را سورمه کشیده باشد^{۷۹۸} چه این که حسین کشته شد و حال آن که آشفته و غمگین و ژولیده و غبار آلود و گرسنه و تشنه بود^{۷۹۹}.

۵. کفشهایش را برگردنش آویز کند و با پای برهنه همچون عبدی ذلیل به زیارت مشرف شود^{۸۰۰}.

۶. از جانب شرقی حرم داخل شود^{۸۰۱}.

۷. زیارت را با ثنای خداوند و صلوات بر پیامبر آغاز نماید و در این رابطه زیاد کوشش کند^{۸۰۲}.

۸. بعد از زیارت، نزد قبر تسبیح امیر المؤمنین^ع و فاطمه زهراء^ا (علیهما السلام) را هر کدام هزار بار بگوید^{۸۰۳}. و اگر نمی‌تواند صد بار بگوید^{۸۰۴}.

أ تَزُورُونَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ لَا تَزُورُوا وَلَا تَزُورُونَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَزُورُوا.

ب أَسْرَفَ فِي تِلْكَ النَّفَقَةِ أَوْ لَمْ يُسْرِفْ.

ت زُرُهُ وَ أَنْتَ كَتِيبٌ حَزِينٌ شَعْتٌ غَبْرٌ.

ث لَا تَطِيبْ وَلَا تَدْهِنْ وَلَا تَكْتَحِلْ.

ج إِنْ الْحُسَيْنِ قَتِيلَ وَ هُوَ كَتِيبٌ حَزِينٌ شَعْتٌ مُغْبَرٌ جَائِعٌ عَطْشَانٌ.

ح عَلَّقُ نَعْلَيْكَ وَ أَمْسُ حَافِيَاً وَ أَمْسُ مَشَى الْعَبْدِ الذَّلِيلِ.

ع سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ سُبْحَانَ الَّذِي لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَفْنَى مَا عِنْدَهُ سُبْحَانَ الَّذِي لَا يُشْرِكُ أَحَدًا فِي حُكْمِهِ سُبْحَانَ الَّذِي لَا اضْمِحْلالَ لِفَخْرِهِ سُبْحَانَ الَّذِي لَا انْقِطَاعَ لِمُدَّتِهِ سُبْحَانَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ.

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۱۰۸

۹. صورتش را بر قبر (یا بر ضریح) بگذارد و قاتلین امام حسین و امام علی (علیهما السلام) را زیاد لعن نماید^{۸۰۵}.
۱۰. نماز زیارت را بعد از سلام بر شهداء از اصحاب بخواند^{۸۰۶}.
۱۱. نماز واجب را در حائر حسینی تمام بخواند^{۸۰۷}.
۱۲. در صورت عدم توانائی برای غسل بخاطر سردی و یا گرمی هوا می توان نزد فرات آمد و وضو گرفت و مستحق ثواب زیارت با غسل شد^{۸۰۸}.
۱۳. مادامی که در حرم امام حضور دارد از صلوات کوتاهی نکند^{۸۰۹}.
۱۴. سوره‌های معوذتین (ناس و فلق)، توحید، قدر، آیه الکرسی، یس و آخر حشر^۸ را بعد از زیارت تلاوت نماید^{۸۱۰}.

آداب دیگر مربوط به امام حسین (علیه السلام) (۳ ادب):

۱. ادب گفتن تعزیه در روز عاشورا: عَظَّمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ (علیه السلام) وَ جَعَلْنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِشَارِهِ مَعَ وَ لِيَّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (علیهم السلام)^{۸۱۱}.

^ا سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُتَيْفِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْبَهْجَةِ وَالْجَمَالِ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا وَ وَقَعَ الطَّيْرُ فِي الْهَوَاءِ.

^ب مناسب است بگوید: اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ اشْفِ صَدْرَ الْحُسَيْنِ اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ اطْلُبْ بِدَمِ الْحُسَيْنِ اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ انْتَقِمْ مِنْ رَضِيَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ انْتَقِمْ مِنْ خَالَفَ الْحُسَيْنِ اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ انْتَقِمْ مِنْ فَرِحَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ.

^ت لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّبُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۱۰۹

۲. کراهت رفتن بدنبال حوائج مادی در روز عاشوراء^{۸۱۲}.
۳. کراهت ذخیره سازی آذوقه در روز عاشوراء بدون قصد تبرک^{۸۱۳}.

ملاکهای میزان زیارت (۴ ملاک):

میزان مطلوب زیارت تابع چهار مسئله است:

- ۱) مسافت: برای کسی که راهش دور است هر سه سال یک بار. برای کسی که یک روز راه دارد هر هفته یکبار^{۸۱۴}.
 - ۲) تقیه: محدود به سالی یکبار در صورتی که خوف داشته باشد که اگر بیشتر از آن برود تشیع اش علنی شود^{۸۱۵} بر همین اساس امام صادق (علیه السلام) بیش از یکبار در سال را برای اصحابشان کراهت داشتند^{۸۱۶}.
 - ۳) عذر: برای کسی که عذری ندارد و راهش نزدیک است ماهی یکبار ضرورت دارد زیارت برود. عذر مثل این که کار مردم وابسته به او باشد^{۸۱۷} و اگر راهش دور است و داری عذر است هر چهار سال یکبار^{۸۱۸}.
 - ۴) توان مالی: برای موسر هر چهار ماه و برای معسر باندازه وسعش^{۸۱۹}.
- امام باقر (علیه السلام) می فرماید: ما اگر منازلمان نزدیک حضرت بود به آنجا هجرت می کردیم^{۸۲۰}.

زمان زیارت

از زیارت حضرت به عنوان «خیر موضوع» یاد شده است بنابراین در هر زمان که توفیق یار شد باید فرصت را غنیمت شمرد و به زیارت حضرت شتافت ولی از باب این که اعمال نیکو و صالح در زمانهای مخصوص بر حسنشان افزوده می‌شود، در احادیث و قتهای مخصوصی را برای زیارت حضرت معین نموده‌اند و فرموده‌اند در این زمانها ملائک برای زیارت حضرت از آسمان فرود می‌آیند^{۸۲۱}.

بهترین زمان زیارت به ترتیب اهمیت (۱۵ اولویت):

۱. شب و روز عاشورا. احیاء شب عاشورا سبب خواهد شد که خداون ثواب عبادت ملائک را به او عنایت کند و اگر این احیاء در کنار قبر بزرگوارش باشد این توفیق را روز قیامت ان شاء الله خواهد یافت که همراه خون امام حسین (علیه‌السلام) بر لباس و بدنش، جزو شهدای کربلا محشور شود^{۸۲۲}.
۲. شب بیست سوم ماه مبارک رمضان. زیارت در این شب که احتمال بیشتری دارد که شب قدر باشد موجب می‌شود روح بیست و چهار هزار پیامبر (صلوات الله علی نبینا و آله و علیهم اجمعین) با زائر مصافحه نمایند^{۸۲۳}.
۳. شبهای قدر، اعمال در شب قدر به ارزش هزار ماه است و بخصوص که از عمق عرش منادی ندا می‌دهد که: خداوند گناهان زائر امام حسین (علیه‌السلام) را در امشب خواهد آمرزید^{۸۲۴}.
۴. شب نیمه شعبان، که بیشترین استقبال را توسط شیعیان عصر ائمه (علیهم‌السلام) داشته است^{۸۲۵}، آنقدر حائز اهمیت است که تنها به انبیاء اولو العزم اذن زیارت در آن شب داده می‌شود با این که همه انبیاء در آنجا حضور داشته و خواستار زیارت هستند و لذا زائر، با حضور در

کربلا می تواند این توفیق را داشته باشد که با ارواح صد و بیست و چهار هزار پیامبر مصافحه نماید^{۸۲۶}.

زیبا این که به توصیه خداوند تا یک سال از ثبت لغزشهایش توسط ملائک به خاطر زیارت در این شب جلوگیری می شود^{۸۲۷}. گناهان قبلش نیز هرچند به زیادی موهای بزهای قبیله بنی کلب باشد باز هم مورد آمرزش قرار خواهد گرفت^{۸۲۸}.

شگفت زده شده اید؟! فکر می کنید یا این احادیث بی اساس است و یا باید به نحوی توجیه نمود؟! ولی جالب است که همین احساس را روای نیز داشت، و لذا امام صادق (علیه السلام) به او فرمودند: آیا این را بر زائر امام حسین (علیه السلام) زیاد می دانی؟! چگونه خداوند او را نیامرزد و حال آن که زائر حضرت در حد زائر خداوند است^{۸۲۹}.

این همه فضیلت اگر به درستی درک شود سبب خواهد شد که اگر کسی با ورود به شعبان انتظار نیمه آن را بکشد از شدت شوق فکر می کند این پانزده روز بر او یک سال گذشته است^{۸۳۰}. و برای این که به این همه ارزش دست یابد حاضر است تا مرز به صلیب کشیده شدن به استقبال خطر رود.^{۸۳۱}

به کمال این فضائل کسی بیشتر نائل می شود که سه سال متوالی بدون فاصله حضرت را در نیمه شعبان زیارت نماید^{۸۳۲}

به خاطر این همه فضیلت است که در ابتدای ماه فرشته ای از زیر عرش ندا می دهد که: «ای واردین بر حسین!، نیمه شعبان بی بهره از زیارت حضرت نباشید!»^{۸۳۳}.

۵. روز عرفه، زیارت در آن روز برابری با یک میلیون حج و عمره و آزادی بنده و تاختن اسب در جهاد به همراه یک پیامبر، نموده و زائر

به نام کروی^۱ در آسمان نامیده می‌شود^{۸۳۴}. و همچنین حضور در کربلا در روز عرفه مانند حضور در عرفات است^{۸۳۵}.

۶. شب عرفه، زیارت در این شب موجب آمرزش گناهان گذشته و آینده فرد می‌شود^{۸۳۶}.

۷. شب عید فطر، که برابری با زیارت در شب عرفه می‌کند^{۸۳۷} و به جهت این که کسی که توفیق زیارت حضرت را در شب عرفه دارد این توفیق را هم خواهد داشت که در روز عرفه نیز حضرت را زیارت نماید لذا زیارت در شب عرفه بر زیارت شب عید فطر تفضیل داده شده است.

۸. شب عید قربان که برابری با زیارت شب عید فطر و عرفه می‌کند^{۸۳۸} ولی چون زائر شب عید فطر توفیق درک زیارت حضرت را در ماه مبارک رمضان نیز خواهد داشت، زیارت در شب عید فطر تفضیل داده شده است.

اگر در یک سال توفیق زیارت حضرت را در سه شب فوق پیدا کند برابری با هزار حج و عمره کرده و هزار حاجت دنیوی و اخروی در آن برآورده می‌شود^{۸۳۹}.

۹. شب آخر ماه مبارک رمضان. این زیارت موجب آمرزش گناهان مثل ریزش برگها در تند باد می‌شود و مثل اجر کسی را دارد که آن را حج و عمره بجا آورده باشد و دو فرشته که صدایشان را تنها انسانها و جنیان نمی‌شنوند او را ندا می‌دهند، یکی از آنها می‌گوید: «پاک شدی، کار را از سر بگیر» (زندگی را از نو آغاز کن) و دیگری می‌گوید: «ای بنده خدا! ایثار کردی، بشارت باد تو را به آمرزش خداوند و تفضل او»^{۸۴۰}.

^۱ به نزدیک‌ترین فرشتگان به حاملین عرش کروی گفته می‌شود و همچنین به رؤسای ملائک مثل جبرئیل نیز کروی اطلاق می‌گردد

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۱۱۴

۱۰. اول و نیمه ماه مبارک رمضان^{۸۴۱}. فضیلت این دو شب نیز مثل شب آخر ماه رمضان است منتها تفضیل شب آخر بخاطر امکان زیارت در شب عید فطر می باشد.

۱۱. همه روزهای ماه مبارک رمضان. چه این اگر زائر به هنگام برگشت از زیارت در این ماه بمیرد بدون محاسبه اعمال، وارد بهشت می شود^{۸۴۲}.

۱۲. نیمه رجب که زیارت در آن هم ردیف زیارت در نیمه شعبان ذکر شده است^{۸۴۳}.

۱۳. اول رجب که وعده آمرزش گناه به قید «البته» داده شده است^{۸۴۴}.

۱۴. شب و روز جمعه، خداوند هر شب جمعه حضرت را با الطاف خودش مورد زیارت قرار می دهد لذا هر کس که می خواهد خداوند را زیارت نماید به زیارت قبر امام، مشرف شود^{۸۴۵}.

۱۵. شب و روز دوشنبه، به عنوان روز زیارتی حضرت.

خاتمه

کربلا

کربلا پاکترین سرزمین

این سرزمین به همراه بیت المعمور و نجف و طوس هنگام طوفان نزد خداوند ضجه زدند و خداوند آنها را ترفیع داد^{۸۴۶}.

آنقدر به مرور زمان این سرزمین قداست پیدا نمود که زمینی شد در بهشت که خداوند پیامبران را در آن جای می‌دهد و مثل ستاره‌ای که برای زمین می‌درخشد، برای اهل بهشت می‌درخشد، آنگونه که نورش تمامی اهل بهشت را مدهوش می‌سازد و ندا می‌دهد که منم زمین مقدس و پاکیزه و مبارک، که سید شهدا را در خود جای دادم و سید جوانان بهشت را^{۸۴۷}.

خداوند در کربلا با موسی سخن گفت و با نوح نجوا کرد و کربلا گرامی‌ترین سرزمین در پیشگاه خداوند است و اگر کربلا دارای این عظمت نبود خداوند (اجساد) اولیاء و فرزندان انبیاء را در آن سرزمین به ودیعه نمی‌گذاشت^{۸۴۸}.

کربلا از خاک بیت المقدس نیز در خود دارد^{۸۴۹}.

کربلا برای دشمنان اهل البیت پر از کرب و بلا است در روزی (قیامتی) که کربش تمام نمی‌شود و حسرتش پایان نمی‌پذیرد، پاکترین قطعه زمین و دارای بزرگترین حرمت^{۸۵۰}.

تربت کربلا مانند حجر الاسود است که با تماس مشرکین سیاه شده است^{۸۵۱}.

مقایسه کربلا و مکه

زمانی که خداوند خانه‌اش را در مکه ساخت مکه تفاخر نمود و گفت: «کیست مثل من؟! خانه خداوند بر پشت من ساخته شده است! مردم از دره‌های عمیق به سوی من می‌آیند و من حرم خداوند و محل امن او گشته‌ام»^{۸۵۲} و خداوند به خاطر این تفاخر مشرکین را بر او مسلط ساخت و آب زمزم نیز این چنین تفاخری را نمود و خداوند آبش را شور نموده و طعمش را فاسد نمود^{۸۵۳}.

ولی زمانی که خداوند کربلا را تقدیس نموده و مبارک گرداند به او فرمود: «سخن بگو!» و او گفت: «من زمین خداوندم، مقدس و مبارک!، شفاء در خاک و آب من است و هیچ تفاخر نمی‌کنم بلکه فروتن و خاضع کسی هستم که من را این چنین قرار داده است، من هیچ تفاخری بر چیزی که پائین تر از من است ندارم بلکه خداوند را شکرگزارم» و این چنین بود که خداوند او را بواسطه حسین و اصحابش او را گرمی داشت و نعمتش را بر او افزون نمود^{۸۵۴}.

کربلا در جائی دیگر نیز وقتی قطعه‌ای از بالاترین زمین بهشت می‌شود و خداوند در آن پیامبران اولوالعزمش را جای می‌دهد می‌گوید: «من زمین خداوندم، مقدس و پاکیزه و مبارک که در خود سرور شهیدان و سرور جوانان اهل بهشت را جای دادم»^{۸۵۵}.

گرامیداشت کربلا توسط خداوند و حرم و مامن شدن او بیست و چهار هزار سال قبل از آن بود که مکه حرم الهی شود^{۸۵۶}. و این که چطور مکه با وجود فخر فروشی که داشت این عنوان به او داده شد حکمتی است که تنها خداوند از آن آگاه است، مانند ترجیح مسح ظاهر پا بر باطن آن و یا خارج قرار دادن مواقع از منطقه حرم^{۸۵۷}.

آری ارزش برتر کربلا بر مکه مثل برتری آب دریا است بر میزان آبی که سرسوزنی بتواند از آب دریا با خود حمل نماید و اصلا اگر این سرزمین نبود و آنکه در او جای گرفته است کعبه‌ای نبود^{۸۵۸}.

در بیت‌المعمور در هر روز هفتاد هزار ملک طواف می‌کنند و تا روز قیامت دیگر نوبتشان نمی‌رسد ولی حضرت نزد خداوند گرمی تر است زیرا در وقت هر نماز هفتاد هزار فرشته با شدت حزن و غبار آلود بر قبر حضرت فرود می‌آیند و تا روز قیامت نوبتشان نمی‌رسد^{۸۵۹}.

^۱ امام صادق (علیه السلام) در ادامه می‌فرماید: مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ وَمَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللَّهُ..

^۲ أَنَا أَرْضُ اللَّهِ الْمُقَدَّسَةِ الطَّيِّبَةِ الْمُبَارَكَةِ الَّتِي تَضَمَّنَتْ سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ وَ سَيِّدَ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

از قبر امام حسین (علیه السلام) تعبیر به: روضه^{۸۶۰}، تُرَعَه^{۸۶۱} و بَطْحَاء^{۸۶۲} شده است.

و موضع قبر بنا بر ترتیب ارزشی به ترتیب ذیل است:

۱. بیست^{۸۶۳} تا بیست و پنج ذراع از چهار طرف محدوده روضه است^{۸۶۴}.
۲. یک^{۸۶۵} تا پنج فرسخ داری حرمت است^{۸۶۶}.
۳. محدوده ده میل دارای برکت است^{۸۶۷}.
۴. از هفتاد ذراع تا یک فرسخ^{۸۶۸} و تا هفتاد باع^{۸۶۸} و تا چهار میل موجب شفا است^{۸۶۹}.

خاک کربلا

موارد استفاده از تربت کربلا (۵ مورد):

- * داروئی: خوردن خاک حرام می باشد باستثناء تربت امام حسین (علیه السلام) که از آن به دواء اکبر یاد شده است^{۸۷۰}. خصوصا خاک سرخ بالای سر که گفته شده است بر هردردی بجز مرگ شفاست^{۸۷۱}. تربت کربلا علاوه بر بیماری های جسمی افسردگیها و اندوه های روانی را نیز التیام می بخشد^{۸۷۲}. و اگر کام طفل با آن برداشته شود عامل عمده ای برای پیش گیری بیماریها نیز هست^{۸۷۳}.
- * تجهیز میت: با حنوط میت مخلوط می گردد و همچنین همراه میت می شود^{۸۷۴} زیرا با وجود تربت کربلا زمین هر انسان گناهکاری را قبول می کند^{۸۷۵}. منتها زیر سر میت گذاشته نشود بلکه مقابل صورتش بگذارند^{۸۷۶}.
- * امنیت: با همراه نمودن تربت کربلا می توان از عوامل شناخته شده هراس آور و عوامل ناشناخته ایمن شد^{۸۷۷}.
- * برای سجده: سجده بر تربت حجب سبعه را پاره می کند^{۸۷۸}، هفت طبقه آسمان را شکافته و نمازش بالا رفته و قبول می شود^{۸۷۹}.

^۱ باع، حد فاصل بین دو دست است وقتی از هم کشیده شود.

* تسبیح تربت

همراه داشتن تسبیح سی و چهار دانه همراه مسواک و شانه و سجاده و انگشتر عقیق جزو علائم مؤمن است.^{۸۸۰}

ذکر با تسبیح تربت امام حسین (علیه السلام)، هر دانه حداقل چهل حسنه دارد و بدون ذکر و صرف چرخاندن آن دارای بیست حسنه است^{۸۸۱}، چه این که این تسبیح خود ذکر می گوید^{۸۸۲}.

ثواب ذکر با این تسبیح خصوصا اذکار اربعه (سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَأِ إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ) تا شصت هزار حسنه رسیده و علاوه بر آن به همین میزان سیئه از او محو شده و بر درجاتش افزوده می شود و به همین تعداد نیز امکان شفاعت دارد^{۸۸۳}.

گفتن ذکر استغفار یک بار با هر دانه از تسبیح تربت، هفتاد بار برایش نوشته می شود و اگر ذکری نگوید و تنها تسبیح را بچرخاند بازاء هر دانه هفت استغفار برایش نوشته می شود^{۸۸۴}.

تسبیح تربت در دست شیعیان مثل نخ رزق است در دست بین اسرائیل. نخ رزق آنگونه بود که خداوند به حضرت موسی وحی فرستاد که به بنی اسرائیل امر کن چهار طرف کیسه های پولشان را نخهای رزق را بدوزند و بر آن نام خداوند آسمان را ذکر کنند^{۸۸۵}.

هر زمان که ملاتک آسمان دنیا بخاطر کاری قصد فرود به زمین را دارند حورالعین از آنها می خواهند که برایشان تسبیح از تربت امام حسین (علیه السلام) هدیه بیاورند^{۸۸۶}.

آداب برداشتن تربت (۹ ادب)

۱- برداشتن تربت همراه با دعای مخصوص که در این دعا - با اختلافاتی که در الفاظ آن وجود دارد - خداوند به سه نفر قَسَم داده می شود:

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۱۳۱

- اول: جبرئیل که اولین نفر بوده است این خاک را برداشته است و آن را به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نشان داده و خبر شهادت امام را داده است.
 - دوم: پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) که خاک را گرفته است.
 - سوم: امام حسین (علیه السلام) که در آن خاک فرود آمده است^{۸۸۷}
- با این دعا زائر اجازه خوردن خاک را از خداوند می‌گیرد. زائر این دعا را با سوره قدر ختم می‌کند^{۸۸۸}.
- ۲- با سر انگشتانش بردارد^{۸۸۹}.
- ۳- برای هر استفاده به اندازه نخود استفاده کند^{۸۹۰}.
- ۴- هنگام برداشتن خاک آن را ببوسد و بر دوچشمش بگذارد و به مدنش بمالد^{۸۹۱}.
- ۵- آن را با غسل و زعفران و آب باران مخلوط کنند و شیعیان را با آن مداوا نمایند^{۸۹۲}.
- ۶- هنگام حمل تربت سوره فاتحه و معوذتین (فلق و ناس) و توحید و کافرون و قدر و یس و آیه الکرسی را بر آن بخوانند^{۸۹۳}.
- ۷- خرید و فروش آن مکروه است^{۸۹۴}.
- ۸- نماز مخصوصی را برای برداشتن تربت بخواند^۳.
- ۹- باید خاک را در جای پاکیزه حمل نمود و به آن احترام گذاشت و مدام بر آن نام خداوند را ذکر نمود^{۸۹۵}.

شرائط اثر بخشی تربت (۴ شرط)

- ۱- اثر بخشی تربت کربلا نیازمند به معرفت حق امام است^{۸۹۶} لذا شفاء آن مخصوص شیعیان است^{۸۹۷}.

أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الطَّيْنَةِ وَبِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي أَخَذَهَا وَبِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذِي قَبَضَهَا وَبِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حَلَّ فِيهَا صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا^ب

^ب به منبع حدیث مراجعه شود: بحار الانوار: ۹۸/۱۳۷

- ۲- رعایت محدوده: میزان اثر بخشی تربت بسته به میزان فاصله از محل اصلی قبر است این فاصله می تواند از هفتاد ذراع تا یک فرسخ^{۸۹۸} و هفتاد باع^{۸۹۹} و چهار میل^۳ متغیر باشد^{۹۰۰}.
- ۳- شفاء تربت نیازمند باور به شفا می باشد^{۹۰۱}.
- ۴- به قصد شفاء خاک را بخورد نه بخاطر هوس^{۹۰۲}.

کربلا مطاف اولیاء خداوند (۱۱ قصه):

(۱) حضرت آدم (علیه السلام): زمانی که آدم (علیه السلام) به زمین فرود آمد حواء را ندید، در زمین به دنبال حواء می گشت تا رسید به کربلا، و بی علت اندوهگین شد و سینه اش به تنگ آمد و در موضعی که حسین کشته شده است لغزید و از پایش خون جاری شد پس سر را رو به آسمان کرد و گفت: الهها! آیا از من گناهی دیگر سر زده است که من را بخاطر آن عقاب می کنی؟! من همه زمین را گشتم ولی به من بدی نرسید مثل بدی که در این سرزمین رسید، خداوند به آدم وحی فرستاد: ای آدم از تو گناهی سر زده، و لکن در این سرزمین فرزندان حسین از روی ستم کشته می شود، پس خون تو بخاطر همراهی با خون او ریخته شد. آدم گفت: ای پروردگار من! آیا حسین پیامبر است؟ فرمود: نه و لکن فرزند پیامبر محمد است پس گفت: قاتل او کیست؟ فرمود: قاتل او یزید لعنت شده اهل آسمانها و زمین است پس آدم گفت: ای جبرئیل من چه کنم؟، پس جبرئیل گفت: ای آدم! او را لعنت کن پس آدم او را چهار بار لعنت کرد و گامهائی را به طرف عرفات برداشت و بناگاه حواء را در آنجا یافت^{۹۰۳}.

(۲) حضرت نوح (علیه السلام): زمانی که نوح سوار بر کشتی شد همه زمین را با آن دور زد و زمانی که از کربلا گذر نمود زمین او را گرفت و نوح

^۱ باع، حد فاصل بین دو دست است وقتی از هم کشیده شود.
^۳ هر میل هزار باع است.

از غرق شدن ترسید و لذا پروردگارش را خواند و گفت: الهها! همه زمین را دور زدم و هراسی که در این سرزمین به من رسید هیچ جا به من نرسید پس آنگاه جبرئیل فرود آمد و گفت: ای نوح در این موضع حسین فرزند محمد خاتم الانبیاء و پسر خاتم الاوصیاء کشته می شود! نوح گفت: قاتلش کیست ای جبرئیل؟ فرمود: قاتلش لعنت شده اهل هفت آسمان و هفت زمین است. پس نوح او را چهار بار لعنت کرد و کشتی حرکت نمود تا به جودی رسید و بر آن قرار گرفت^{۹۰۴}.

(۳) حضرت ابراهیم (علیه السلام): ابراهیم (علیه السلام) همچنان که سوار بر اسب بود از سرزمین کربلا گذر نمود، پس لغزید و افتاد و سرش شکست و خونش جاری شد. پس شروع نمود به استغفار و گفت: الهها! از من چه چیز سرزده است؟ پس جبرئیل به سویش فرود آمد و فرمود: ای ابراهیم از تو گناهی سرزده و لکن اینجا فرزند خاتم الانبیاء و پسر خاتم الاوصیاء کشته می شود لذا خون تو بخاطر همراهی با خون او جاری شده است. ابراهیم گفت: ای جبرئیل! قاتلش کسیت؟ فرمود: لعنت شده اهل آسمانها و زمینها، و قلم بر لوح بدون اذن خداوند به لعن او جاری شد، پس خداوند تعالی به قلم، وحی فرستاد که تو بخاطر این لعن مسح ثناء هستی! پس ابراهیم دستانش را بالا برد و یزید را بسیار لعن نمود و اسبش به زمان فصیح آمین گفت. ابراهیم به اسبش گفت: چه فهمیدی که برای دعای من آمین گفتی؟، گفت: ای ابراهیم! من از این که سوار بر منی افتخار می کنم لذا وقتی لغزیدی و از پشتم افتادی بسیار شرمنده شدم و سبب این خجالت یزید لعنة الله علیه بود^{۹۰۵}.

(۴) حضرت اسماعیل (علیه السلام): گوسفندان اسماعیل (علیه السلام) در ساحل فرات می چریدند، چوپان به او خبر داد که آنها از فلان روز از آب فرات نمی نوشند، اسماعیل از پروردگارش سبب آن را سؤال نمود پس جبرئیل فرود آمد و فرمود: ای اسماعیل! از گوسفندان بپرس! آنها پاسخ را خواهند داد که سبب این مسئله چیست، پس اسماعیل به

گوسفندانش گفت: چرا از این آب نمی نوشید؟ آنها با زبان فصیح گفتند: به ما رسیده است که فرزندان حسین (علیه السلام) فرزند محمد، تشنه اینجا کشته می شود، لذا ما بخاطر اندوه بر او از این رود نمی نوشیم. اسماعیل از قاتل حسین از آنها سؤال نمود، آنها گفتند: نفرین شده اهل آسمانها و زمینها و همه مخلوقات. پس اسماعیل گفت: خداوندا! قاتل حسین را لعنت نما!^{۹۰۶}.

(۵) حضرت موسی (علیه السلام): یک روز حضرت موسی (علیه السلام) در مسیری حرکت می کرد و یوشع بن نون نیز با او همراه بود، وقتی به زمین کربلا رسید نعلینش پاره شد و بند آن برید و خاری در دو پایش فرو رفت و خون جاری شد، پس گفت: الهها! چه چیز از من سرزد؟ خداوند به او وحی فرستاد که: اینجا حسین کشته می شود و اینجا خونش ریخته می شود لذا خون تو بخاطر همراهی با خون او جاری شد. (موسی) گفت: پروردگار! حسین کیست؟ به او گفته شد: او فرزند محمد مصطفی و پسر علی مرتضی است پس گفت: قاتلش کیست؟ گفته شد: او نفرین شده ماهیان در دریا و وحوش در دشتها و پرندگان در هواست. پس موسی دستانش را به آسمان بلند کرد و یزید را لعن نمود و بر علیه او دعا نمود و یوشع بن نون بر دعای او آمین گفت و بعد (موسی) دنبال کارش روان شد.^{۹۰۷}

(۶) سلیمان (علیه السلام) بر بساطش نشسته بود و در فضا هوا سیر می کرد که روزی گذارش در حال حرکت به کربلا رسید پس باد سه بار بساطش را چرخاند تا آنجا که ترسید سقوط کند، باد آرام شد و بساط بر سرزمین کربلا فرود آمد، سلیمان به باد گفت: چرا من را آرام کردی؟ (و من را فرود آوردی؟) پس باد گفت: همانا اینجا حسین کشته می شود.

أَقْدُ بَلَّغْنَا أَنَّ وَكَدَكَ الْحُسَيْنَ سَيْطَ مُحَمَّدٍ يُقْتَلُ هُنَا عَطْشَانٌ فَنَحْنُ لَا نَشْرَبُ مِنْ هَذِهِ الْمَشْرَعَةِ حَزَنًا عَلَيْهِ.

سلیمان گفت: حسین کیست؟ باد گفت: او فرزند محمد مختار و پسر علی کرار است. سلیمان گفت: قاتلش کیست؟ باد گفت: نفرین شده اهل آسمانها و زمین، یزید. پس سلیمان دستانش را بالا برد و او را لعن نمود و بر علیه دعا او نمود و انس و جن بر دعای او آمین گفتند و آنگاه باد و یزید و بساط را حرکت داد^{۹۰۸}.

(۷) حضرت عیسی (علیه السلام): حضرت عیسی (علیه السلام) در صحراها سیاحت می نمود و حواریین همراهش بودند، پس رسیدند به کربلا، به ناگاه شیری را دیدند که راه را بر آنها بسته بود، عیسی جلو آمد و به او فرمود: چرا در این را نشسته ای؟ و ما را رها نمی کنی تا بگذریم؟ شیر با زبان فصیح گفت: من راه را بر شما رها نمی کنم تا یزید قاتل حسین را لعنت کنی! پس عیسی فرمود: حسین کیست؟ گفت: او فرزند نبی امی و پسر علی ولی است. فرمود: قاتلش کیست؟ گفت: قاتلش نفرین شده همه وحوش و حشرات و درندگان است خصوصا روز عاشورا. پس عیسی دستانش را بلند نمود و بر علیه او دعا کرد و حواریین بر دعایش آمین گفتند. آنگاه شیر از راهشان بکناری رفت و آنها بدنبال کار خود رفتند^{۹۰۹}.

(۸) همه فرشتگان: قبر امام حسین (علیه السلام) محل معراج به آسمان است، هیچ ملک مقرب و نبی مرسل نیست مگر این که از خداوند می خواهد که حضرت را زیارت کنند لذا گروهی فرود می آیند و گروهی بالا می روند^{۹۱۰}.

(۹) امام علی (علیه السلام): امام علی (علیه السلام) با مردم حرکت نمودند تا این به نزدیکی یک میل یا دو میل کربلا رسیدند آنگاه بر آنان پیشی گرفت تا این که به محل شهادت شهداء رسید آنگاه فرمود: قبض روح شده اند در آن دویست پیامبر و دویست وصی و دویست فرزند پیامبر با همه پیروانشان آنگاه با قاطر خود در آن جا طواف نمود در حالی که پاهای خود را از رکاب خارج نموده بود و شروع نمود و فرمود: به زانو

نشستن مرکبها و فرو افتادن شهداء، هیچ کس از قبلیها از آنان پیشی نگرفت و هرکس که بعد از آنهاست به آنان نخواهد پیوست^{۹۱۱} و در روایاتی دیگر حضرت در خطاب به کربلا فرمودند: امام علی (علیه السلام) در خطاب به کربلا فرمودند: خوشا بحال تو ای خاکی که خون دوستان بر تو ریخته می شود^{۹۱۲}.

- (۱۰) حضرت مریم (علیها السلام): حضرت مریم طبق آیه: فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا (پس باردار شد او را و با او دور شد در مکانی دور دست^{۹۱۳}) حضرت عیسی را در مکان دوری به دنیا آورد منظور از این مکان موضع قبر امام حسین (علیه السلام) بوده است^{۹۱۴}.
- (۱۱) قوم نوح: مؤمنین قوم نوح در این سرزمین جمع شدند تا خداوند آنها را نجات داد^{۹۱۵}.

عزاداری

زمانی که خداوند برای حضرت موسی یکی از علل مزیت امت اسلام را بر دیگر امم، عاشوراء معرفی می کند، حضرت موسی از معنای عاشوراء می پرسد خداوند می فرماید: عاشوراء یعنی: گریه و اظهار اندوه بر امام حسین (علیه السلام).^{۹۱۶}

امام حسین (علیه السلام) در قلوب شیعیان دارای حرارتی است که هیچ گاه سرد نمی شود^{۹۱۷} و این حرارات با قطرات اشک بر گونه مؤمن ظاهر می شود و لذا گفته شده است که:

- حسین اشک هر مؤمن است^{۹۱۸}.
 - اگر برای چیزی می خواهی گریه کنی برای حسین گریه کن زیرا او به مانند قوچی سر بریده شد^{۹۱۹}.
 - هر بیتابی ناپسند است جز بیتابی بر حسین^{۹۲۰}.
- و خود حضرت فرموده است:
- منم کشته اشک^{۹۲۱}.
 - هیچ مؤمنی من را یاد نمی کند مگر این که اشکش می ریزد^{۹۲۲}.

ثواب گریستن بر امام حسین (علیه السلام) (۱۳ ثواب):

- ♦ برای هر چیزی ثوابی است جز اشک برای ما^{۹۲۳}.
- ♦ آه کسی که اندوهگین ماست و غمگین ستمی است که بر ما رفته است، تسبیح است. و غم او بخاطر مسائل ما عبادت است^{۹۲۴}.

أ الْحُسَيْنُ (عَلَيْهِ السَّلَام) عِبْرَةٌ كُلُّ مُؤْمِنٍ.

ب يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ كُنْتَ بَاكِياً لِشَيْءٍ فَأَبْكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبِشُ.

ت كُلُّ الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ مَكْرُوهٌ سِوَى الْجَزَعِ وَالْبُكَاءِ عَلَى الْحُسَيْنِ.

ث أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ.

ع لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى.

- ◆ اگر باندازه بال مگسی اشک بریزی گناهان اگر به اندازه کفهای دریاها هم باشد آمرزیده خواهد شد^{۹۲۵}.
- ◆ ثواب اقامه مجالس سوگواری برای امام حسین (علیه السلام): دو میلیون حج، دو میلیون عمره، دو میلیون جنگ در رکاب پیامبر اعظم (صلی الله وعلیه وآله) و اهل البیت (علیهم السلام) است^{۹۲۶}.
- ◆ امام صادق (علیه السلام) دستان کمیت را گرفتند و فرمودند: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِكُمَيْتِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ^{۹۲۷}.
- ◆ امام باقر (علیه السلام) فرمودند: هر کس برای اهل البیت (علیهم السلام) اشکی بریزد خداوند او را سالیانی طولانی در بهشت جای خواهد داد این اشک بخاطر خونی است که از آنها ریخته شده است و یا حقی است که از آنها غصب شده است و یا آبرویی است که از آنها ریخته شده است و یا ظلمی است که به یکی از شیعیان آنها شده است^{۹۲۸}.
- ◆ گروهی از فقراء امت اسلام روز قیامت حاضر می شوند و حال آنکه لباسهائی سبز بر تن دارند و موهایشان با دُرّ و یاقوت بافته شده است و در دستانشان استوانه هائی از نور است و بر منابر خطبه می خوانند انبیاء بر آنها عبور می کنند و می گویند: «اینان فرشته هستند!» و فرشتگان می گویند: «اینان انبیا هستند!» و آنان می گویند: «ما نه از انبیاء هستیم و نه از فرشتگان، ما گروهی از فقراء امت محمدیم!» از آنها سؤال می شود: «پس چگونه به این کرامت نائل شده اید؟!» آنها می گویند: «ما دارای اعمال سختی نبودیم، این که همیشه روز بگیریم و شبها را به عبادت مشغول شویم، منتها ما نمازهای پنج گانه را می خواندیم و هر گاه ذکر پیامبر می شد اشک از چشمانمان به گونه هایمان جاری می شد»^{۹۲۹}.
- ◆ یک قطره اشک می تواند تا صد برابر اجر شهید ارزش پیدا کند^{۹۳۰}.
- ◆ هیچ چشمی و هیچ اشکی دوست داشتنی تر از آن چشم و اشکی نیست که برای امام حسین (علیه السلام) بیارد^{۹۳۱}.

تواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۱۲۹

- ۱ ♦ هرکس بر امام بگرید ارتباط خویش را با فاطمه (علیها السلام) و پیامبر اعظم
- ۲ (صلی الله علیه وآله وسلم) مستحکم نموده و حقوق اهل البیت (علیهم السلام) را اداء
- ۳ نموده است.^{۹۳۲}
- ۴ ♦ روز قیامت همه چشمها گریان است جز آن چشمی که برای امام حسین
- ۵ (علیه السلام) گریسته باشد آن چشم خنک از رحمت خداوند است و سرور و
- ۶ شادمانی را ملاقات می کند.^{۹۳۳}
- ۷ ♦ خلائق روز قیامت بیتاب و هراسان هستند جز گریه کنندگان بر امام، آنها
- ۸ در کمال آرامش، کنار عرش خداوند همسخن با امام حسین (علیه السلام)
- ۹ هستند آنها در سایه عرش الهی از سوء حساب (عدالت خداوند) ایمن
- ۱۰ هستند، به آنها گفته می شود که داخل بهشت شوید! ولی آنها از ورود به
- ۱۱ بهشت امتناع می کنند و همنشینی و همسخنی با امام را برمی گزینند. حتی
- ۱۲ حورالعین برای آنها توسط خُدام بهشتی پیام می فرستند که ما مشتاق شما
- ۱۳ هستیم ولی آنها بخاطر سرور و کرامتی که در مجلسشان وجود دارد حتی
- ۱۴ سرشان را به طرف آنها نیز بر نمی گردانند تا جائی که فرشتگان سراغ آنها
- ۱۵ آمده و پیام همسران بهشتی را به آنها می رسانند و وعده کرامت را از
- ۱۶ طرف خزان بهشت به آنها می دهند و آنها می گویند که ان شاء الله خواهیم
- ۱۷ آمد و زمانی که فرشتگان گفته های آنها را به همسرانشان بازگو می کنند
- ۱۸ و آنها از کرامتی که نصیب گریه کنندگان امام شده است و قربی که به امام
- ۱۹ حسین (علیه السلام) پیدا نموده اند باخبر می شوند شوقشان به آنها بیشتر می -
- ۲۰ شود آنجاست که عزاداران می گویند حمد مخصوص خداوندی است که ما
- ۲۱ را از بزرگترین بیتابی و هراسهای قیامت ایمن ساخت و ما را از آنچه از
- ۲۲ آن می ترسیدیم نجات داد سپس برای آنها برترین مرکبهای مردانه و زنانه
- ۲۳ را حاضر می سازند و آنها بر آن سوار شده و با ثنای بر خداوند و صلوات
- ۲۴ بر محمد و آل محمد به منازل خود (در بهشت) می رسند.^{۹۳۴}

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۱۳۰

- ۱ ♦ هرکس مصائب ما را یاد کند و بخاطر آنچه با ما شده است بگرید با ما در
۲ درجه ما روز قیامت خواهد بود و هرکس برایش از مصائب ما بگویند و
۳ بگرید و یا بگریاند آن روز که چشمها گریان است نخواهد گریست^{۹۳۵}.

۴ همه بر حسین می‌گیرند (۱۳ مورد)

- ۵ گریه بر حسین اختصاص به مؤمن ندارد بلکه همه چیز بر حسین می‌گیرد:
۶ آسمانها و زمین، آنچه درون آسمانها و درون زمین است، مخلوقاتی که دیده
۷ می‌شوند و یا دیده نمی‌شوند مگر دو شهر بصره و دمشق و آل عثمان^{۹۳۶}.

۸ گریه فرشتگان:

- ۹ ○ وقتی فرشتگانی که در اطراف قبر امام هستند می‌گیرند هرآنچه در
۱۰ فضا و آسمان است می‌گیرند^{۹۳۷}.
۱۱ ○ ملائک مقرب خداوند در مجالس اشک حضور داشته و بیشتر از
۱۲ انسانها می‌گیرند^{۹۳۸}.
۱۳ ○ همه ملائک چهل روز بر امام حسین گریستند^{۹۳۹}.
۱۴ ○ اشک فرشتگان از آن زمانی که ما را کشتند خشک نشده است^{۹۴۰}.

۱۵

۱۶ گریه دوزخ:

- ۱۷ ○ وقتی امام به شهادت رسید دوزخ آنچنان فروزان شد که نزدیک بود
۱۸ زمین را بشکافد^{۹۴۱}.
۱۹ ○ وقتی عبید بن زیاد و یزید به هلاکت رسیدند دوزخ شیهه‌ای کشید که
۲۰ اگر خداوند او را توسط خزان دوزخ محبوس نکرده بود خروشش همه
۲۱ اهل زمین را می‌سوزاند و اگر به او اذن داده می‌شد همه چیز را طعمه

أَمَّنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا وَ بَكَى لِمَا ارْتَكَبَ مِنَّا كَانَ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ ذُكِرَ بِمُصَابِنَا
فَبَكَى وَ أَبَكَى لَمْ تَبْكِ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ.

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۱۳۱

- ۱ خود می ساخت ولی دوزخ فرمانبردار است هرچند چند باری بر خزان
۲ خود نیز طغیان کرده بود تا این که جبرئیل آمده بود و با بالش آنچنان
۳ بر او زده بود که آرام گشته بود ولی دوزخ همچنان بر امام می-
۴ گریست و نوحه سر می داد و بر قاتلین امام شعله ورت می شد^{۹۴۲}.
۵ ○ از گریه فاطمه برای حسین دوزخ به شدت شعله ور می شود که
۶ فرشتگان آن را آرام می کنند^{۹۴۳}.

۷ گریه زمین:

- ۸ ○ اگر نبودند حجج الهی روی زمین، زمین بخاطر مصیبت امام شروع به
۹ کاستن می نمود^{۹۴۴}.
۱۰ ○ زمین چهل روز با سیاه نمودن (رستنیهای) خود بر امام گریست^{۹۴۵}.

۱۱ گریه آسمان:

- ۱۲ ○ آسمان چهل روز با بارش خون بر امام حسین (علیه السلام) گریست^{۹۴۶}.
۱۳ ○ از آسمان خون و خاکستر بارید^{۹۴۷}.

۱۴ گریه خورشید و کوهها:

- ۱۵ ○ خورشید چهل روز بر امام، با کسوف و سرخی خود گریست^{۹۴۸}.
۱۶ ○ کوهها برای ماتم امام حسین (علیه السلام) بر خود لرزیدند و دریاها به
۱۷ خروش آمدند^{۹۴۹}.

۱۸ گوشه ای از اندوه جانکاه اولیاء خداوند بر امام حسین (علیهم السلام) (۱۰ قصه):

- ۱۹ ۱. ابو بصیر می گوید: نزد امام صادق (علیه السلام) بودم و با ایشان سخن
۲۰ می گفتم که فرزند ایشان داخل شد، حضرت به او فرمودند: «آفرین» و
۲۱ بعد او را در آغوش گرفتند و بوسیدند و فرمودند: خداوند تحقیر نماید

^ا حدیث کامل را در چند سطر بعد مطالعه فرمائید.

- ۱ کسانی را که شما را تحقیر نمودند و انتقام کشد از آنانی که شما را
- ۲ تنها گذاردند و خداوند خوار نماید آنانی را شما را خوار نمودند و
- ۳ خداوند لعنت نماید آنانی را که شما را کشتند، خداوند سرپرست و
- ۴ حافظ و یاور شما است، گریه زنان طولانی گشت و انبیاء و صدیقین
- ۵ و شهداء و ملائکه آسمان به مدت طولانی گریسته اند، بعد از آن
- ۶ حضرت گریستند و فرمودند: ای ابو بصیر! زمانی که به فرزندان
- ۷ حسین نگاه می‌کنم حالتی سراغم می‌آید که نمی‌توانم خودم را نسبت
- ۸ به آنچه برسر پدرشان و خود اینان آمده است کنترل کنم. ای ابو
- ۹ بصیر! همانا فاطمه برای او (حسین) که می‌گرید و نعره می‌زند دوزخ
- ۱۰ فروزان می‌شود و اگر نبود که خزان دوزخ صدای گریه او را که می-
- ۱۱ شنوند، خود را برای آن آماده نموده - از ترس این که گردنه‌های
- ۱۲ آتش از آن بیرون زند و دود آن منشر شود - اهل زمین آتش می-
- ۱۳ گرفتند، لذا آنها دوزخ را مادامی که گریه او ادامه یابد حفظ می‌کنند،
- ۱۴ و آن را بازداشته و دربهایش را محکم می‌بندند از ترسی که نسبت به
- ۱۵ اهل زمین دارند، دوزخ آرام نمی‌گیرد تا وقتی که صدای فاطمه آرام
- ۱۶ گیرد! دریاها نزدیک است از میان بگسلد و در یگدیگر داخل شود و
- ۱۷ هیچ قطره‌ای از آن نیست مگر این که فرشته‌ای موکل بر آن است لذا
- ۱۸ هنگامی که فرشته‌ای صدای فاطمه را می‌شنود خروش دریا را با
- ۱۹ بالهای خود فرو می‌نشانند و آنها را روی هم محبوس نگه می‌دارد
- ۲۰ بخاطر ترسی که بر دنیا و بر اهالی دنیا و اهالی زمین دارد، لذا پیوسته
- ۲۱ فرشتگان در هراس هستند و با گریه او می‌گریند و خداوند را می-
- ۲۲ خوانند و تضرع سوی او می‌نمایند، همه اهل عرش تضرع می‌نمایند و
- ۲۳ همه آنها که اطراف عرش هستند و صداهای ملائک به تقدیس
- ۲۴ خداوند اوج می‌گیرد از ترسی که نسبت به اهل زمین دارند و اگر
- ۲۵ صدائی از صداهای آنها به زمین برسد، اهل زمین با نعره‌ای مدهوش
- ۲۶ می‌شوند و کوهها از ریشه کنده می‌شود و زمین با اهل آن به سختی

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۱۳۳

- ۱ می لرزد. (ابو بصیر می گوید:) گفتم فدایت شوم! این مسئله بس بزرگی
- ۲ است! فرمود: مسئله‌ای بزرگتر هست که تو آن را نشنیدی! سپس
- ۳ حضرت فرمودند: ای ابو بصیر! آیا دوست داری فاطمه را (در گریه
- ۴ اش) یاری دهی؟ و وقتی این سخن را امام فرمود من گریستم دیگر
- ۵ قدرت بر سخن نداشتم نتوانستم بخاطر گریه کلامم را بگویم آنها
- ۶ حضرت سوی مصلاهی خود رفتند و دعا می نمودند و من با آن حال از
- ۷ نزد ایشان خارج شدم و از غذا سودی نبردم و خواب به سراغم نیامد
- ۸ و صبح را روزه دار و ترسان بودم تا این که خدمت امام رسیدم و
- ۹ چون دیدم امام آرام گرفته است آرام شدم و حمد خداوند را بجای
- ۱۰ آوردم از این که عذابی بر من نازل نشده است.^{۹۵۰}
- ۱۱ ۲. در روز عیدی امام حسن (علیه السلام) رنگ سبز را برای لباس عید خود
- ۱۲ برگزید و امام حسین (علیه السلام) رنگ سرخ را، جبرئیل که طشتی را
- ۱۳ آماده ساخته بود تا به خواست بچه ها لباسهای سفید آنها را رنگ کند
- ۱۴ وقتی تقاضای آنها را شنید گریست، پیامبر اعظم (صلی الله وعلیه وآله)
- ۱۵ می فرماید: جبرئیل! برادر من! در مثل امروزی که فرزندانم شادمانند
- ۱۶ می گریی و محزونی؟! تو را به خداوند سوگند من را از علت آن با
- ۱۷ خبر کن! پس جبرئیل می گوید: بدان ای رسول خداوند که انتخاب دو
- ۱۸ فرزندت رنگهای مختلف را (علت گریه من است)، حتما به حسن سمّ
- ۱۹ می نوشاندند و بخاطر شدید بودن سمّ رنگ جسدش سبز می شود و
- ۲۰ حسین را می کشند و ذبحش می کنند و بدنش با خونس خضاب می -
- ۲۱ شود آنگاه پیامبر اعظم (صلی الله وعلیه وآله) گریسند و اندوهشان بسیار
- ۲۲ شد.^{۹۵۱}
- ۲۳ ۳. هر روز که نزد امام صادق (علیه السلام) یادی از امام حسین (علیه السلام)
- ۲۴ می شد آنروز حضرت به اندوه می گذشت و می فرمود: حسین اشک هر
- ۲۵ مؤمنی است.^{۹۵۲}

تواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۱۳۴

- ۱ امام علی (علیه السلام) به پیامبر اعظم (صلی الله وعلیه وآله) می فرمایند: شما
۲ عقیل را دوست داری! حضرت فرمایند: بله! قسم بخداوند! من او را به
۳ دو منظور دوست دارم: بخاطر علاقه ام به ابو طالب و و بخاطر این که
۴ فرزندش کشته در (راه) محبت فرزند توست پس براو اشک چشمان
۵ مؤمنین جاری می شود و بر او مائکة مقرب درود می فرستند سپس
۶ حضرت گریست آنقدر که اشکهایش بر سینه اش جاری شد سپس
۷ فرمود: به خداوند شکوه می کنم از آنچه به عترتم بعد از من می -
۸ رسد^{۹۵۳}.
- ۹ .۵. مِسْمَعِ کِرْدِینِ می گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمودند: ای
۱۰ مسمع تو که اهل عراقی آیا قبر حسین را می آئی؟ گفتم: من مرد
۱۱ مشهوری از اهل بصره هستم و نزد ما فردی است که تابع میل خلیفه
۱۲ است و دشمنان ما از ناصبها و غیر آنها زیاد است و من از طرف آنها
۱۳ ایمن نیستم که حالم را نزد فرزند سلیمان نبرند و بر علیه من شایعه
۱۴ سازی نمایند. حضرت به من فرمودند: پس آیا یاد می کنی آنچه بر سر
۱۵ او آمده است؟ گفتم: بله بخدا قسم! اشک می ریزم برای آن تا آنجا که
۱۶ آثار اشک ریختنم را اهل من می بینند، لذا از غذا باز می مانم تا آنجا
۱۷ که از صورتم (بی غذائی) نمایان می شود. حضرت فرمودند: خداوند
۱۸ اشکت را مورد رحمت قرار دهد، آگاه باش تو از کسانی هستی که از
۱۹ زمره حزع کنندگان بر ما شمرده شده ای و از آنانی که شاد می شوند
۲۰ بخاطر شادی ما و اندوهگین می شوند بخاطر اندوه ما و می ترسند
۲۱ بخاطر ترس ما و ایمن می شوند زمانی که ما ایمن باشیم.
۲۲ اما تو به زودی آنچه که چشمت را روشن نماید خواهی دید هنگام
۲۳ مرگت و زمان حضور پدراتم نزد تو و سفارشی که آنها در باره تو
۲۴ قبل از مردنت به فرشته مرگ می کنند و آنگاه فرشته مرگ را خواهی
۲۵ دید که نسبت به تو دلسوزتر و مهربان تر از مادر شفیق نسبت به
۲۶ فرزندش می شود.

- ۱ اشک حضرت جاری شد و من نیز با ایشان گریستم سپس فرمودند:
- ۲ حمد مخصوص خداوندی است که ما را با رحمتش بر خلقش برتری
- ۳ داد و با رحمتش ما را مخصوص گردانید، ای مسمع! همانا زمین و
- ۴ آسمان از آنروز که امیر مؤمنان کشته شد بخاطر رحمت بر ما می-
- ۵ گریند و برای ما کسی بیشتر از ملائکه نگریسته است و اشک ملائک
- ۶ از آنزمان که ما را کشتند خشک نشده است و هیچ کس بخاطر
- ۷ رحمت بر ما و بخاطر آنچه به سر ما آمده است نگریسته است مگر
- ۸ این که خداوند او را قبل از این که اشک از چشمش خارج شود، مورد
- ۹ رحمت خودش قرار داده است، پس آنگاه که اشکهایش بر گونه اش
- ۱۰ جاری شود اگر قطره‌ای از آن بر دوزخ بیافتد حرارت آن فرو می-
- ۱۱ نشیند تا آنجا که دیگر هیچ حرارتی برای آن یافت نمی‌شود و همانا
- ۱۲ کسی که قلبش بخاطر ما بدرد آید، روزی که ما را هنگام مرگش
- ۱۳ ببیند شادمان خواهد شد، شادمانی که پیوسته در قلبش خواهد بود تا
- ۱۴ زمانی که کنار حوض (کوثر) بر ما وارد شود و همانا کوثر بخاطر
- ۱۵ ورود محبین ما بر او، آنقدر خوشحال می‌شود که به آنان از انواع
- ۱۶ غذاها می‌چشاند آنمقدار که میل ندارند از او بگذرند. ای مسمع
- ۱۷ هرکس از آن جرعه‌ای بنوشد بعد از آن ابدا تشنه نخواهد شد و
- ۱۸ مفلوک نخواهد گشت و آن در خنکی کافور و بوی مشک و مزه
- ۱۹ زنجبیل است. شیرین تر از عسل و نرمتر از خامه و شفافتر از اشک و
- ۲۰ پاکتر از عنبر است، از (رود) تسنیم خارج می‌شود و از کنار رودهای
- ۲۱ بهشت می‌گذرد و بر درها و یاقوت‌های غلطان می‌ریزد، ظرفهایی در آن
- ۲۲ است فراوانتر از ستارگان آسمان که بوی آن از هزار سال راه احساس
- ۲۳ می‌شود، ظرفهایش از طلا و نقره و انواع جواهر است، بوی آن بر
- ۲۴ صورت نوشنده، منتشر می‌شود، نوشنده با هر بوی از آن می‌گوید: ای
- ۲۵ کاش همینجا وا گذاشته می‌شدم و برای آن جایگزینی نمی‌جستم و آن
- ۲۶ هیچ تغییری نمی‌کرد.

- ۱ آگاه باش! که تو ای کَرْدین! از کسانی هستی که از آن می‌نوشی و
- ۲ هیچ چشمی نیست که برای ما بگرید الا این که نعمت نگاه نمودن به
- ۳ کوثر به او داده می‌شود و از آن نوشانده می‌گردد، همانا نوشنده از آن
- ۴ لذت و مزه و میلی بیشتر به او داده می‌شود از کسی که رتبه پائین-
- ۵ تری در محبت ما دارد و همانا بر کوثر امیر مؤمنان است و در دستش
- ۶ چوب دستی از عوسج (گیاهی خاردار) است که (صفوف) دشمنان ما را
- ۷ با آن درهم می‌شکنند مردی از آنها می‌گوید: من گواهی بر شهادتین
- ۸ داده ام پس (امیر مؤمنان) می‌گوید: برو سوی امامت فلانی پس از او
- ۹ درخواست کن که شفیعت باشد پس (آن مرد) می‌گوید: امام را که
- ۱۰ می‌گوئی از من تبرّی می‌جوید، (امیر مؤمنان) می‌گوید: برگرد به پشت
- ۱۱ سرت پس بگو به کسی که ولایتش را پذیرفته‌ای او را بر خلق مقدم
- ۱۲ داشتی پس از او درخواست کن که شفیعت گردد زیرا نزد تو بهترین
- ۱۳ خلقی که تو را شفاعت می‌کند وجود دارد!! همانا بهترین خلق بودن
- ۱۴ سزاوارست که شفاعتش رد نشود!! پس (آن مرد) می‌گوید: من از
- ۱۵ تشنگی هلاک شدم، (امیر مؤمنان) می‌گوید: خداوند بر تشنگیت
- ۱۶ بیافزاید، خداوند بر عطشت بیافزاید.
- ۱۷ (مِسمع می‌گوید): من گفتم: فدایت شوم چگونه او قدرت دارد که به
- ۱۸ حوض نزدیک شود و حال آن که غیر او توان این کار را ندارند؟!
- ۱۹ فرمود: از اشیاء قبیح اجتناب نموده است و زمانی که ما را یاد نموده
- ۲۰ است از شماتت ما خود را باز داشته است و کارهائی که دیگران
- ۲۱ جرأت انجامش را داشته‌اند او ترک نموده است (ولی) این برای محبت
- ۲۲ به ما و میل به ما نبوده است و لکن این بخاطر شدت تلاشش در
- ۲۳ عبادتش و تدینش بوده است و بخاطر این که خود را از مسائل مربوط
- ۲۴ به مردم باز داشته است و اما قلبش منافق بوده و دینش ناصبی بوده
- ۲۵ بخاطر تبعیت از ناصبیان و ولایت پذیری گذشتگان و مقدم داشتن
- ۲۶ آندو نفر را (اولی و دومی را) بر همه کس^{۹۵۴}.

۱. ۱ امام رضا (علیه السلام) می فرمایند: زمانی که خداوند به ابراهیم امر کرد
 ۲ که بجای پسرش قوچی را که برایش فرستاده بود ذبح نماید، ابراهیم
 ۳ آرزو داشت که اسماعیل، پسرش را با دست خودش ذبح می نمود و
 ۴ امر به ذبح قوچ بجای او نمی شد تا به قلبش چیزی وارد شود که به
 ۵ قلب پدری که عزیزترین فرزندش را با دست خود ذبح است؟ او پاسخ
 ۶ داد: پروردگار من! خلقی را نیافریدی که محبوب تر باشد نزد من از
 ۷ حبیب محمد، خداوند به او وحی فرستاد که: آیا او را بیشتر دوست
 ۸ داری یا خودت را؟ ابراهیم گفت: او از خودم کرده است وارد شود و
 ۹ با این کار مستحق بالاترین درجات ثواب مصیبت زدگان شود، لذا
 ۱۰ خداوند به او وحی فرستاد که: ای ابراهیم! محبوبترین خلق نزد تو چه
 ۱۱ کسی نزد من محبوبتر است، خداوند فرمود: فرزند او نزد تو محبوب تر
 ۱۲ است یا فرزند خودت؟ ابراهیم جواب داد: فرزند او، خداوند فرمود: آیا
 ۱۳ ذبح شدن فرزند او به دست دشمنانش قلبت را بیشتر به درد خواهد
 ۱۴ آورد یا ذبح فرزندت به دست خودت در راه طاعت من؟ ابراهیم پاسخ
 ۱۵ داد: پروردگار من! ذبح شدن فرزند او بدست دشمنانش بیشتر قلبم را
 ۱۶ به درد می آورد، خداوند فرمود: ای ابراهیم! همانا گروهی که خیال
 ۱۷ می کنند از امت محمد هستند به زودی حسین، پسرش را بعد از او از
 ۱۸ روی ستم و دشمنی می کشند آن گونه که قوچی را ذبح می کنند و با
 ۱۹ این کار مستوجب خشم شدید من خواهند شد، پس ابراهیم بیتابی نمود
 ۲۰ و قلبش به درد آمد و شروع به گریستن نمود، پس خداوند به او وحی
 ۲۱ فرستاد: ای ابراهیم! بیتابیت را در صورت ذبح فرزندت به دست
 ۲۲ خودت، فدای بیتابیت بر حسین و کشته شدن او نمودم و برای تو
 ۲۳ بالاترین درجه ثواب مصیبت زدگان را واجب گردانیدم (و سپس امام
 ۲۴ فرمودند:) و این همان فرموده خداوند است که: وَ قَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ^{۹۵۵}
 ۲۵ .^{۹۵۶}

۷. در ذیل آیه: فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ^{۹۵۷} ... روایت شده است که:
- ۱ حضرت آدم وقتی ساق عرش را نگاه کرد و اسماء پیامبر اسلام و ائمه
 ۲ معصومین (علیهم السلام) را دید جبرئیل به او تلقین کرد که بگو: «يَا
 ۳ حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ يَا عَلِيُّ بِحَقِّ عَلِيٍّ يَا فَاطِرُ بِحَقِّ فَاطِمَةَ يَا مُحْسِنُ بِحَقِّ
 ۴ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَمِنْكَ الْإِحْسَانُ» زمانی که نام حسین را آدم بر
 ۵ زبان جاری ساخت اشکهایش جاری شد و قلبش فروریخت و فرمود:
 ۶ برادرم جبرائیل! در ذکر نام نفر پنجم قلبم شکست و اشکم روان شد!
 ۷ جبرائیل فرمود: این فرزندات به مصیبتی دچار می شود که دیگر مصیبتها
 ۸ نزدش کوچک است، پس آدم سؤال کرد: برادرم! این مصیبت چیست؟
 ۹ فرمود: می کشندش تشنه، غریب، تنها، بی کس، یآوری برایش نیست،
 ۱۰ و کمک کننده ای، ای آدم اگر او را ببینی (می بینی که) او می گوید:
 ۱۱ وای از تشنگی! وای از کمی یاور! تا آنجا که بین او و آسمان تشنگی
 ۱۲ همچون دودی حائل می شود پس هیچ کس پاسخش نمی گوید جز به
 ۱۳ شمشیر و جره مرگ، پس ذبح می شود همچون ذبح گوسفند از پشت!
 ۱۴ اموالش را دشمنانش به غارت می برند و سرهارین ی او و اصحابش
 ۱۵ در شهرها گردانیده می شود و حال آن که با آنها زنانشان هستند، این
 ۱۶ چنین در علم یکتای منان گذشته است. پس آدم و جبریل چون مادر
 ۱۷ فرزند مرده گریستند^{۹۵۸}.
۸. امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: (امام) زین العابدین بر پدر خود
 ۱۹ چهل سال گریست، روزهایش را روزه بود و شبهایش را عبادت می -
 ۲۰ کرد، هر زمان که غلامش غذا و نوشیدنی برای افطارش می آورد و آن
 ۲۱ را نزدش می گذاشت و می گفت که بخور ای مولای من (حضرت) می -
 ۲۲ گفت: پسر رسول خداوند گرسنه کشته شد، پسر رسول خداوند تشنه
 ۲۳ کشته شد. پیوسته این گفته ها را تکرار می کرد و می گریست تا این
 ۲۴ که غذایش با اشکایش تر می گشت و نوشدنیش با اشکهایش مخلوط
 ۲۵ می شد، پیوسته این چنین بود تا ملحق به خداوند عزوجل شد^{۹۵۹} (نام
 ۲۶

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۱۳۹

- ۱ امام سجاد (علیه السلام) در کنار نام حضرت آدم، یوسف، یعقوب، و
۲ حضرت فاطمه (علیهم السلام) به عنوان پنج گریه کننده بزرگ دنیا ثبت
۳ شده است^{۹۶۰} و در روایتی مدت گریه ایشان مردد بین بیست و چهل
۴ آورده شده^{۹۶۱} و روایتی دیگر تنها عدد بیست سال آورده شده
۵ است^{۹۶۲} و در روایت فوق نیز تصریح به عدد چهل شده است. به نظر
۶ می‌رسد بیست سال اول گریه حضرت از شدت بیشری برخوردار بوده
۷ است).
- ۸ ۹. امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: همانا محرم ماهی است که اهل
۹ جاهلیت، جنگ در آن را حرام نموده بودند، ولی در آن، خونهای ما
۱۰ حلال شمرده شد و حرمت ما در آن شکسته گشت و فرزندان و زنان
۱۱ ما در آن به اسارت رفت و آتش در خیمه‌های ما برافروخته گشت و
۱۲ اموال ما در آن خیمه‌ها به غارت رفت و حرمتی که برای رسول
۱۳ خداوند بود، در مسئله ما رعایت نشد. همانا روز حسین تا روز قیامت
۱۴ درون ما را مجروح ساخته و اشکهای ما را جاری ساخته و عزیزان ما
۱۵ را در زمین بلا و اندوه (کرب و بلا) ذلیل ساخته است. پس باید بر
۱۶ مثل حسین گریه کنندگان بگریند زیرا گریه بر او گناهان بزرگ را
۱۷ می‌ریزد، سپس حضرت فرمودند: وقتی ماه محرم داخل می‌شود، پدرم
۱۸ خندان دیده نمی‌شد و اندوه بر او غلبه داشت تا ده روز از آن می-
۱۹ گذشت، پس زمانی که روز دهم فرامی‌رسید آن روز، روز مصیبت و
۲۰ اندوه و اشکش بود و می‌فرمود: حسین که درود خداوند بر او باد در
۲۱ آن روز کشته شد^{۹۶۳}.
- ۲۲ ۱۰. پیامبر اسلام (صلی الله وعلیه وآله) می‌فرماید: زمانی خداوند اراده نمود تا
۲۳ قوم نوح را هلاک سازد به او وحی فرستاد الواحی از درخت ساج را
۲۴ جدا کند پس چون آنها را جدا نمود نمی‌دانست با آنها چه کند که
۲۵ جبرئیل فرود آمد و به او شکل کشتی را نشان داد و همراه او جعبه‌ای
۲۶ بود که صد و بیست و نه هزار میخ درون او بود پس کشتی را با همه

نواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۱۴۰

- ۱ میخها میخ کوبی نمود تا این که پنج میخ باقی ماند. زمانی که به یک
۲ میخ (از آنها) دست زد از دستش نور تابید و (اطراف را) روشن نمود
۳ آنگونه که ستاره درّی در افق آسمان می تابد پس نوح متحیر شد و
۴ خداوند میخ را به زبان آورد زبانی رسا و شیرین: من به اسم بهترین
۵ انبیاء محمد بن عبد الله هستم پس جبرئیل فرود آمد و نوح به گفت: ای
۶ جبرئیل! چیست این میخی که مثل او را ندیدم پس گفت: این به نام
۷ سرور انبیاء محمد بن عبد الله است، بکوب آن را در ابتدای کشتی
۸ طرف راست، بکوب! سپس نوح به میخ دوم دست زد پس نوری تابید
۹ و روشنی بخشید پس نوح گفت: چیست این میخ؟ (جبرئیل) گفت: این
۱۰ میخ برادرش و پسر عمویش سید اوصیاء علی بن ابیطالب است پس
۱۱ آن را در ابتدای کشتی در قسمت راست آن بکوب! سپس دست به
۱۲ میخ سوم زد پس شکوفا شد و تابید و روشنی داد و جبرئیل گفت: این
۱۳ میخ فاطمه است آن را در جانب میخ پدرش بکوب! سپس دست به
۱۴ میخ چهارم زد و آن شکوفا شد و روشنی داد و جبرئیل گفت: این میخ
۱۵ حسن است آن را در قسمت پدرش بکوب! سپس دست به میخ پنجم
۱۶ زد پس تابید و نور داد و رطوبتی از آن آشکار شد پس جبرئیل گفت:
۱۷ این میخ حسین است آن را، قسمت میخ پدرش بکوب پس نوح گفت:
۱۸ ای جبرئیل! این رطوبت چیست؟ (جبرئیل) گفت: این خون است آنگاه
۱۹ قصه حسین را ذکر نمود و آنچه که امت به او انجام می دهند^{۹۶۴}.

۲۰

۲۱/ اهمیت مرثیه سرائی (۶ مورد):

- ۲۲ ♦ ابی هارون مکفوف می گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: برایم در
۲۳ باره حسین شعر بخوان! ابو هارون می گوید برای امام شعر خواندم، حضرت
۲۴ فرمود: برای من آن گونه شعر بخوان که شعر می خوانید یعنی با سوز^{۹۶۵}.

- ۱ ♦ حضرت رضا (علیه السلام) به دعبل خزاعی می فرمایند: ای دعبل! آفرین به
 ۲ تو! آفرین به یاری کننده ما با دست و زبانش ... ای دعبل مرثیه سرائی کن
 ۳ تو تازنده ای یاور مائی و مداح مائی پس در یاری ما تا می توانی کوتاهی
 ۴ نکن! ۹۶۶
- ۵ امام صادق (علیه السلام) در ذیل حدیثی به عبد الله بن حماد بصری می -
 ۶ فرمایند: به من رسیده است که گروهی نزد قبر حسین (علیه السلام) از اطراف
 ۷ کوفه و از جاهای دیگر می آیند و زنانی (آنجا می آیند) که ندبه می کنند و آن
 ۸ در نیمه شعبان است پس قاریان قرآن می خوانند و قصه گویان قصه (کربلا)
 ۹ نقل می کنند و و ندبه کنندگان ندبه می کنند و بعضی مرثیه سرائی می -
 ۱۰ نمایند؟ من گفتم: فدایت شوم بله من بعضی از آنچه را که توصیف
 ۱۱ فرمودی مشاهده نمودم پس حضرت فرمود: حمد مخصوص خداوندی است
 ۱۲ که ما را مخصوص گردانید، مردم به سوی ما می آیند و ما را ستوده و
 ۱۳ برایمان مرثیه سرائی می کنند ۹۶۷.
- ۱۴ ♦ فضیل رَسَّان می گوید: خدمت امام صادق (علیه السلام) رسیدم و گفتم: آیا
 ۱۵ شعری برایتان بخوانم؟ حضرت فرمودند کمی صبر کن! سپس دستور دادند
 ۱۶ تا پرده ها را انداخته و دربها را باز نمودند (تا اهل بیتشان نیز بشنوند) و
 ۱۷ فرمودند: بخوان! و من شعری خواندم و صدای گریه را از پشت پرده می -
 ۱۸ شنیدم آنگاه امام فرمودند: این شعر از آن کیست؟ گفتم: از سید بن محمد
 ۱۹ حمیری است. حضرت فرمودند: خداوند رحمتش کند! من گفتم: من او را
 ۲۰ دیدم که نبیذ (آبجو) می نوشید حضرت فرمودند: خداوند او را رحمت کند!
 ۲۱ من گفتم من او را دیدم که نبیذ رستاق یعنی شراب می نوشید، حضرت
 ۲۲ فرمودند: خداوند او را رحمت کند! برخداوند چیزی نیست که محب علی
 ۲۳ را بیامرزد ۹۶۸.

أَيَا دَعْبِلُ ارْتِ الْحُسَيْنِ فَأَنْتَ نَاصِرُنَا وَمَادِحُنَا مَا دُمْتَ حَيًّا فَلَا تَقْصِرْ عَنَّا نَصْرَنَا مَا اسْتَطَعْتَ.

- ۱ ♦ خداوند شعرای اهل البیت (علیهم السلام) را با روح القدس تأیید می‌کند مثل
- ۲ عبد الله بن رواحه، حسان بن ثابت، کَمِیت بن زید^{۹۶۹}، دَعْبَل بن علی
- ۳ خُزاعی^{۹۷۰}.
- ۴ ♦ ابی عُمارة شاعر می‌گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمودند: در باره
- ۵ حسین بن علی شعری بگو! و من شعری سرودم و حضرت گریستند و باز
- ۶ شعری دیگر سرودم و حضرت دو باره گریستند، سوگند به خداوند که
- ۷ پیوسته شعر می‌سرودم و حضرت می‌گریستند تا آنجا که گریه اهل خانه را
- ۸ شنیدم آنگاه حضرت فرمودند: ای ابو عماره! هر کس برای حسین شعری
- ۹ بسراید و پنجاه نفر را بگریاند بهشت برای اوست، و هر کس برای حسین
- ۱۰ شعری بسراید و سی نفر را بگریاند بهشت برای اوست و هر کس برای
- ۱۱ حسین شعری بسراید و بیست نفر را بگریاند بهشت برای اوست و هر کس
- ۱۲ برای حسین شعری بسراید و ده نفر را بگریاند بهشت برای اوست و
- ۱۳ هر کس برای حسین شعری بسراید و یک نفر را بگریاند بهشت برای اوست
- ۱۴ و هر کس برای حسین شعری بسراید و (تنها خود) بگرید بهشت برای
- ۱۵ اوست و هر کس برای حسین شعری بسراید (و تنها) خود را بگریه زند
- ۱۶ بهشت برای اوست^{۹۷۱}.
- ۱۷ ♦ جعفر بن عقیان خدمت امام صادق (علیه السلام) رسید جمعی از مردم کوفه نزد
- ۱۸ حضرت بودند، ایشان جعفر را نزد خود فراخوانده و به خود نزدیک کردند
- ۱۹ سپس فرمودند: ای جعفر!، جعفر می‌گوید: لبیک! خداوند من را فدای شما
- ۲۰ کند! حضرت فرمودند: به من رسیده است که تو در باره حسین شعر می‌
- ۲۱ گوئی؟ و خوب هم می‌گوئی، جعفر می‌گوید: بله، خداوند من را فدای شما
- ۲۲ کند! حضرت فرمودند: بگو، جعفر شعری سرود و حضرت و همه آنها که
- ۲۳ اطرافش بودند گریستند، اشک حضرت بر صورتش و محاسنش جاری شد
- ۲۴ سپس فرمودند: ای جعفر! بخداوند قسم، ملائک مقرب خداوند در اینجا
- ۲۵ حاضر بودند و گفتار تو را در باره حسین می‌شنیدند و قطعاً گریستند همان
- ۲۶ گونه که ما گریستیم و حتی بیشتر^{۹۷۲}.

۲ نمونه هائی از مرثیه امام حسین (علیه السلام) (۱۳ نمونه):

- ۳ ۱. امام علی (علیه السلام): پدر و مادرم فدای تو باد که در پشت کوفه کشته
- ۴ شدی گویا می بینم که انواع وحوش گردنهای خود را کشیده اند بر قرش و
- ۵ برایش از شب تا به صبح گریه نموده و مرثیه سرائی می کنند^{۹۷۳}.
- ۶ ۲. امام صادق (علیه السلام): کشته شد در حالی که مورد ستم واقع شد و نفسش
- ۷ خوار شده بود و تشنه بود او و خانواده اش و اصحابش^{۹۷۴}.
- ۸ ۳. یک روز امام حسین (علیه السلام) در دامان پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله
- ۹ وسلم) قرار داشتند و حضرت با ایشان بازی می کردند و او را می خندانند
- ۱۰ عایشه گفت: ای رسول خدا! چقدر زیاد شکفت زده می شوی بواسطه این
- ۱۱ کودک! حضرت به او فرمودند: وای بر تو! چگ. نه او را دوست نداشته
- ۱۲ باشم و حال آن که او میوه دل من است و روشنی چشمم آگاه باش! که
- ۱۳ اتمم بزودی او را خواهند کشت هرکس او را بعد از وفاتش زیارت نماید
- ۱۴ خداوند برایش حجی از حجهای من را خواهد نوشت. عایشه می گوید:
- ۱۵ حجی از حجهای تو؟! حضرت فرمود: آری و دو حج از حجهای من! گفت:
- ۱۶ دو حج از حجهای تو؟! فرمود: آری و چهار حج، پیوسته حضرت آن را
- ۱۷ زیاد نموده و دو برابر می فرمودند تا به نود حج همراه با عمره آنها
- ۱۸ رسید^{۹۷۵}.
- ۱۹ ۴. روزی پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) نزد فاطمه آمدند و او برای
- ۲۰ ایشان غذائی از خرما و نان و روغن آماده نمود، همگی برای غذا خوردن
- ۲۱ دورهم جمع شدند، ایشان بودند و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم-
- ۲۲ السلام) آنگاه که از غذا خوردند، حضرت سجده نمودند، سجده اشان طولانی

أَبِي وَ أُمِّي الْمَقْتُولُ بَطْهَرُ الْكُوفَةِ وَ لَكَأَنِّي أَنْظَرُ إِلَى الْوَحْشِ مَادَّةً أَعْنَقَهَا عَلَى قَبْرِهِ مِنْ أَنْوَاعِ
الْوَحْشِ يَبْكُونَهُ وَ يَرْتُونَهُ لَيْلًا حَتَّى الصَّبَاحِ.
بَ إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ قَتِلَ مَظْلُومًا مُضْطَهَدًا نَفْسُهُ وَ عَطْشَانًا هُوَ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ وَ أَصْحَابُهُ.

- ۱ شد، سپس گریستند و بعد خندیدند و سپس نشستند. علی (علیه السلام) بیشتر
- ۲ از بقیه جرأت بر سخن گفتن با پیامبر را داشت لذا فرمود: یا رسول الله از
- ۳ تو امروز ما چیزی دیدیم که قبلاً ندیدیم. حضرت فرمودند: همانا من وقتی
- ۴ با شما غذا خوردم خوشحال بودم و از سلامتی شما و دورهم بودنتان
- ۵ مسرور بودم لذا بخاطر شکر، سجده نمودم پس جبرئیل فرود آمد و گفت:
- ۶ سجده شکر می کنی بخاطر شادمانی که در میان خانواده ات داری؟! من
- ۷ گفتم: آری پس گفت: آیا به تو خبر دهم نسبت به آنچه بر آنها بعد از تو
- ۸ جاری می شود من گفتم: آری برادرم جبرئیل! پس گفت: اما دختر تو اولین
- ۹ خانواده تو خواهد بود که به تو ملحق می شود بعد از این که مورد ستم
- ۱۰ قرار می گیرد و حقش گرفته می شود و از ارثش منع می گردد و به شوهرش
- ۱۱ ظلم می شود و پهلویش شکسته می شود و اما پسر عموی تو مورد ستم
- ۱۲ قرار می گیرد و از حقش منع می گردد و کشته می شود و اما حسن مورد
- ۱۳ ستم قرار می گیرد و از حقش منع می گردد و با سم کشته می شود و اما
- ۱۴ حسین او مورد ستم قرار می گیرد و از حقش منع می گردد و خانواده اش
- ۱۵ کشته می شوند و اسبها او را لگد می کنند و اموالش غارت می شود و زنان
- ۱۶ و فرزندانش به اسارت می روند و به خون آلوده دفن می شود و افرادی نا
- ۱۷ آشنا و غریب او را دفن می کنند، پس من گریستم و گفتم آیا کسی او را
- ۱۸ زیارت می کند (جبرئیل) گفت: او را غریبها زیارت می کنند من گفتم برای
- ۱۹ کسی او را زیارت کنند چه ثوابی است؟ (جبرئیل) گفت: برای او هزار حج
- ۲۰ و هزار عمره نوشته شده که همه آنها همراه توست پس حضرت خندید^{۹۷۶}.
- ۲۱ ۵. امام باقر (علیه السلام) فرمودند: همانا حسین صاحب کربلا کشته شد در حالی
- ۲۲ که مظلوم بود و غمگین بود و تشنه بود و کمک می خواست^{۹۷۷}.

أَمَّا الْحُسَيْنُ فَإِنَّهُ يُظْلَمُ وَيَمْنَعُ حَقَّهُ وَتَقْتُلُ عَثْرَتَهُ وَتَطْؤُهُ الْخَيُْولُ وَيَنْهَبُ رَحْلَهُ وَتُسَبِّى نِسَاؤُهُ وَدَرَارِيئُهُ وَيُدْفَنُ مَرْمَلًا بَدَمِهِ وَيَدْفِنُهُ الْغُرَبَاءُ.
 ۳ إِنَّ الْحُسَيْنَ صَاحِبَ كَرْبَلَاءَ قُتِلَ مَظْلُومًا مَكْرُوبًا عَطْشَانًا لَهْفَانًا.

۱. ۶ امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: او غریبی است در یک سرزمین غریب
- ۲ که برایش هرکس که زیارتش کند می گرید و آنکه او را زیارت نکرده
- ۳ غمگینش می شود و قلب آن که او را مشاهده ننموده برایش شعله ور می -
- ۴ شود. دلش به رحم می آید هرکس قبر فرزندش را نزد دو پایش ببیند در
- ۵ یک دشت بی آبادانی بدون دوستی در نزدیکش و یا خویشی آنگاه که از
- ۶ حقش منع شد، بر علیه او گروهی که از دین خداوند خارج شده اند به
- ۷ کمک هم آمدند تا آنجا که او را کشتند و بی اعتناء به او رهایش نمودند
- ۸ و او را در معرض درندگان قرار دادند و از آب فرات بازش داشتند آبی
- ۹ که حتی سگها از آن می نوشیدند. ضایع نمودند حق پیامبر (صلی الله علیه وآله
- ۱۰ وسلم) را و آنچه را که در باره او و خانواده اش سفارش نموده بود مورد
- ۱۱ جفا قرار گرفت در قبرش بین خویشان و پیروانش بر زمین افتاد در لایه
- ۱۲ هائی از خاک، کسی در اطرافش نیست تنها و دور از جدش در منزلی
- ۱۳ جای دارد که کسی او را زیارت نمی کند مگر آن که خداوند او را به
- ۱۴ ایمان آزموده باشد و حق ما را شناخته باشد^{۹۷۸}.
۱۵. ۷ امام رضا (علیه السلام) فرمودند: ای پسر شیبب اگر برای چیزی می خواهی
- ۱۶ گریه کنی برای حسین گریه کن او به مانند قوچی سربریده شد و با او از
- ۱۷ خانواده اش هجده نفر کشته شدند که در زمین ماندی نداشتند آسمانها و
- ۱۸ زمینهای هفتگانه برای کشته شدنش گریستند چهار هزار فرشته برای
- ۱۹ یاریش از آسمان به زمین آمدند وی او را کشته یافتند آنها نزد قبرش با
- ۲۰ غم زیار و غبار آلود تا زمان قیام قائم مانده اند و یازان حضرتش خواهند

أَفَانَهُ غَرِيبٌ بِأَرْضِ غُرَبَةٍ يَبْكِيهِ مِنْ زَارِهِ وَيَحْزَنُ لَهُ مَنْ لَمْ يَزُرْهُ وَيَحْتَرِقُ لَهُ مَنْ لَمْ يَشْهَدْهُ وَ
 يَرْحَمُهُ مَنْ نَظَرَ إِلَى قَبْرِ ابْنِهِ عِنْدَ رَجُلَيْهِ فِي أَرْضِ فَلَاةٍ وَلَا حَمِيمٍ قُرْبَهُ وَلَا قَرِيبٍ ثُمَّ مَنَعَ الْحَقَّ
 وَتَوَازَرَ عَلَيْهِ أَهْلُ الرِّدَّةِ حَتَّى قَتَلُوهُ وَضَبَعُوهُ وَعَرَضُوهُ لِلسَّبَاعِ وَمَنَعُوهُ شُرْبَ مَاءِ الْفِرَاتِ الَّذِي
 يَشْرِبُهُ الْكِلَابُ وَضَبَعُوا حَقَّ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَصَيَّبَتْهُ بِهِ وَبِأَهْلِ بَيْتِهِ
 فَأَمْسَى مَجْفُوعًا فِي حُفْرَتِهِ صَرِيحًا بَيْنَ قَرَابَتِهِ وَشَيْعَتِهِ بَيْنَ أَطْبَاقِ التُّرَابِ قَدْ أَوْحَشَ قُرْبَهُ فِي
 الْوَحْدَةِ وَالْبُعْدِ عَنْ جَدِّهِ.

- ۱ بود با شعار یا لثاراتِ الحسین هنگام کشته شدنش از آسمان خون و خاک
- ۲ سرخ بارید ای فرزند شیبب اگر بر حسین گریه منی تا اشکت بر گونه‌ات
- ۳ جاری شود خداوند گناهان کوچک و بزرگ تو را می‌بخشد^{۹۷۹}.
۴. ۸ امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرماید: هر زمان که حسین نزد پیامبر اسلام (صلی
- ۵ الله علیه وآله وسلم) می‌آمد حضرت او را در آغوش گرفتند سپس به امیر
- ۶ المؤمنین فرمودند: او را نگهدار! سپس خود را بر او افکندند و او را می-
- ۷ بوسیدند و می‌گریستند، حسین می‌فرمود: ای پدر! چرا گریه می‌کنی؟
- ۸ حضرت می‌فرمودند: پسرم! جاهای شمشیر را می‌بوسم و می‌گیرم حسین
- ۹ می‌فرمود: پدر! کشته می‌شوم؟ حضرت فرمود: آری بخدا قسم، و پدرت و
- ۱۰ برادرت و تو. حسین می‌فرمود: پدر! پس قبرهای ما پراکنده است؟
- ۱۱ حضرت فرمود: بله پسرم، حسین فرمود: پس چه کسی ما را زیارت می-
- ۱۲ کند؟ حضرت فرمودند: من را و پدر و بارد و تو را زیارت نمی‌کنند مگر
- ۱۳ درست کرداران از امت^{۹۸۰}.
۱۴. ۹ سعد بن عبد الله از امام موسی (علیه‌السلام) در باره تاویل کهیصص سؤال می-
- ۱۵ کند حضرت می‌فرماید: این حروف از خبرهای غیبی که خداوند بنده اش
- ۱۶ زکریا را به آن مطلع نموده است و سپس آن را برای محمد که سلام بر او
- ۱۷ و آتش باد نقل نموده است و آن جریان از این قرار است که: زکریا از
- ۱۸ پروردگارش درخواست نمود که به او اسماء خمسسه را تعلیم دهد پس
- ۱۹ جبرئیل بر او فرود آمد و به او آن اسماء را آموزش داد، پس هرزمان که
- ۲۰ زکریا محمد و علی و فاطمه و حسن را یاد می‌کرد اندوهش برطرف شده
- ۲۱ و افسردگیش پایان می‌یافت و هر زمان که نام حسین را یاد می‌کرد اشک،
- ۲۲ گلوگیرش می‌شد و اندوه بر او دربر می‌گرفت پس روزی عرضه داشت:
- ۲۳ الها! چیست من را که هر زمان نام آن چهار نفر را می‌برم از اندوهم تسلی

أَيُّ بَنِي أَقْبَلُ مَوْضِعَ السُّيُوفِ مِنْكَ وَ أُنْجِي قَالَ يَا أَبَتَهُ وَ أَقْتُلُ قَالَ إِي وَ اللَّهُ وَ أَبُوكَ وَ
أَخُوكَ وَ أَنْتَ.

- ۱ می‌یابم و هر زمان حسین را یاد می‌کنم اشکم جاری می‌شود و شعله ام
- ۲ فروزان می‌گردد، پس خداوند تبارک و تعالی از قصه حسین خبرش نمود و
- ۳ سپس فرمود: کهیصص، کاف کربلا است و هاء هلاکت عتره طاهره است و
- ۴ یاء یزید است و ستمگر حسین است و عین عطش است و صاد صبر اوست
- ۵ و زمانی که زکریا آن جریان را شنید سه روز جدای از مسجدش نشد و از
- ۶ ورود مردم نزدش منع نمود و رو به گریه و شیون آورد و مرثیه سرائی
- ۷ می‌کرد که: الها! آیا دردمند می‌سازی بهترین خلقت را به فرزندش؟! الها!
- ۸ آیا آیا بلای این مصیبت را با ازین رفتن او نازل می‌کنی؟! الها! آیا بر
- ۹ علی و فاطمه لباس این مصیبت را می‌پوشانی؟! الها! آیا اندوه این مصیبت
- ۱۰ را به ساحت آن دو روا می‌داری؟! سپس پیوسته می‌گفت: الها! من را
- ۱۱ فرزندی عطا کن که در سن پیری چشم روشنی من باشد و هر زمان او را
- ۱۲ بهمن ارزانی داشتی من را درگیر با محبتش کن! سپس من را به واسطه او
- ۱۳ بدرد بیاور! آنگونه که محمد، حبیب را بدرد می‌آورد پس خداوند به او
- ۱۴ یحیی را روزی داد و او را بواسطه یحیی بدرد آورد و حمل یحیی شش ماه
- ۱۵ بود و حمل حسین نیز این چنین بود^{۹۸۱}.
۱۰. ۱۶ سلیمان اعمش می‌گوید: من در ایام حج در حال طواف بودم که به ناگاه با
- ۱۷ مردی برخورد کردم که می‌گفت: خداوند! من را بیمارز! و حال آن که من
- ۱۸ می‌دانم که تو نخواهی آمرزید! من از او سبب را پرسیدم پس او گفت: من
- ۱۹ جزء چهل نفری بودم که سر حسین را به طرف یزید در مسیر شام حمل
- ۲۰ می‌نمودیم، پس فرود آمدیم در اولین منزل از کربلا بر دیر نصرانی و سر
- ۲۱ بر نیزه جاداده شده بود، ما سفره غذا را پهن نمودیم و غذا می‌خوردیم که
- ۲۲ به ناگاه دستی بر دیوار دیر با قلمی آهنی سطری با خون نوشت: آیا امتی
- ۲۳ که حسین را می‌کشند امید دارند، شفاعت جدش را روز حساب؟! (أَتَرْجُو
- ۲۴ أُمَّةً قَتَلَتْ حُسَيْنًا * شَفَاعَةَ جَدِّهِ يَوْمَ الْحِسَابِ) پس ما به شدت بیتاب شدیم
- ۲۵ و بعضی از ما هجوم آورد به طرف دست که او را بگیرد که او ناپدید شد،
- ۲۶ و اصحاب من برگشتند^{۹۸۲}.

۱. خداوند به حضرت موسی می‌فرماید: ای موسی! هرکس که از من طلب
- مغفرت کند عفو خواهم کرد مگر قاتل حسین حضرت موسی می‌گوید:
- پروردگارم! حسین کیست؟ خداوند فرمود: همان کسی است که کنار طور
- برایت ذکر نمودم حضرت موسی می‌گوید: چه کسی او را می‌کشد؟
- خداوند فرمود: در زمین کربلا امت تجاوزگر ستمگر جدش می‌کشند و
- اسبش می‌گریزد و رم می‌کند و شیهه می‌کشد و در شیهه‌اش می‌گوید:
- مظلوم را در یابید دریابید ستم دیده را از امتی که کشتند. پس دختر
- پیامبرشان را، حضرت را بر شنزار رها می‌کنند بدون غسل و کفن و
- اموالش را به غارت می‌برند و خانواده اش را در شهرها به اسارت می‌برند
- و یارانش را می‌کشند و سرهای آنها را و سر حضرتش را بر نیزه‌ها بلا
- می‌برند، ای موسی کوچکشان را عطش می‌کشد و بزرگشان پوستش بهم
- آمده است استغاثه می‌کنند ولی یاری ندارند و پناه می‌خواهند ولی پناه
- دهنده‌ای ندارند^{۹۸۳}.
۱۲. زمانی که امام حسین (علیه‌السلام) به دنیا آمد، فرشته‌ای از فرشتگان فردوس
- اعلی به طرف بحر اعظم فرود آمد و همه جای آسمانها و زمین ندا داد: ای
- بندگان خداوند! بپوشید لباس اندوه و ظاهر سازید ناله و زخمه را چه این
- که طفل (فرزند) محمد، ذبح شده، ستم‌دیده و مغلوب خواهد بود.^ب سپس
- آن فرشته نزد پیامبر می‌آید و می‌گوید: ای حبیب خداوند، می‌کشند
- گروهی بر این زمین فرزندان را، می‌کشند او را گروهی یاغی از امت،
- ستمگر و تجاوزگر و فاسق، می‌کشند طفل‌ات حسین پسر دختر پاکت را،

أَ الظَّالِمَةَ الظَّالِمَةَ مِنْ أُمَّةٍ قَتَلَتْ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّهَا فَبَيَّتِي مُلْقَى عَلَى الرَّمَالِ مِنْ غَيْرِ غُسْلٍ وَ لَا كَفْنٍ
وَ يُنْهَبُ رَحْلُهُ وَ يُسَبَّى نِسَاؤُهُ فِي الْبُلْدَانِ وَ يُقْتَلُ نَاصِرُهُ وَ تُشْهَرُ رُءُوسُهُمْ مَعَ رَأْسِهِ عَلَى
أَطْرَافِ الرَّمَاحِ يَا مُوسَى صَغِيرُهُمْ يُمِيتُهُ الْعَطَشُ وَ كَبِيرُهُمْ جِلْدُهُ مِنْكَمِشٍ يَسْتَنْغِيثُونَ وَ لَا نَاصِرَ وَ
يَسْتَنْجِرُونَ وَ لَا خَافِرَ.

ب يَا عِبَادَ اللَّهِ أَلْبِسُوا ثِيَابَ الْاِحْزَانِ وَأَظْهِرُوا التَّفَجُّعَ وَالْأَشْجَانَ، فَإِنَّ فَرْخَ مُحَمَّدٍ مَذْبُوحٌ مَظْلُومٌ
مَقْهُورٌ.

- ۱ در سرزمین کربلا می‌کشند، و این تربت اوست آنگاه مشتی از زمین کربلا
- ۲ را می‌گیرد و می‌گوید: ای محمد! حفظ کن این خاک را نزدت، تا آنگاه که
- ۳ ببینی این خاک را که تغییر نموده و سرخ همچون خون گشته پس بدان که
- ۴ حتما فرزندان حسین کشته شده است، سپس آن فرشته مقداری از تربت
- ۵ حسین را با قسمتی از بالش برداشت و صعود به آسمان نمود، پس هیچ
- ۶ فرشته‌ای در آسمان نماند مگر این که تربت حسین را بوئیدند و با آن
- ۷ تبرک جستند.
- ۸ و از آن طرف زمانی که پیامبر تربت حسین را گرفتند پیوسته آن را می-
- ۹ بوئیدند و می‌گریستند و می‌فرمودند: خداوند بکشد قاتلت را ای حسین! و
- ۱۰ او را در دروخ فروافکند، بارالها! هیچ برکتی برای قاتلش قرار مده و او را
- ۱۱ در حرارت آتش دوزخ فروافکن! و بد جایگاهی است. آنگاه آن مشتی
- ۱۲ تربت حسین را به همسرشان ام سلمه دادند. او را از کشته شدن حسین در
- ۱۳ قسمت ساحلی کربلا (طف کربلا) با خبر نمودند. و به ایشان فرمودند: ای
- ۱۴ ام سلمه! این تربت را بگیر و از آن بعد از وفاتم مواظبت نما! پس آنگاه
- ۱۵ که دیدی تغییر نمود و سرخ شد و همچون خون بسته گشت پس بدان که
- ۱۶ فرزندم حسین قطعا در ساحل کربلا کشته شده است.
- ۱۷ و آنگاه که بر حسین یک سال کامل گذشت دوازده هزار فرشته با
- ۱۸ صورتهای گوناگون و چهره‌های سرخ و چشمان گریان از آسمان به سوی
- ۱۹ پیامبر فرود آمدند و بالهایشان را نزد حضرت پهن نمودند و می‌گفتند: ای
- ۲۰ محمد! به زودی بر فرزندان حسین آن خواهد آمد که بر هابیل از ناحیه
- ۲۱ قابیل آمد.
- ۲۲ هیچ فرشته‌ای در آسمان نماند مگر این که فرود آمد و پیامبر را به خاطر
- ۲۳ فرزندش حسین تعزیت گفت و به ایشان خبر داد از ثواب آنچه عطا خواهد
- ۲۴ شد (به حسین) از قرب و اجر و پاداش در روز قیامت و به ایشان خبر
- ۲۵ دادند از آنچه از اجر که به زائرش و به گریه کنندگانش خواهند داد و مع
- ۲۶ ذلک پیامبر همچنان می‌گریست و می‌فرمود: خداوندا! بدون یاور گردان
- ۲۷ آنانی را که او را بدون یاور نمودند و بکش آنانی را که او را کشتند و او

- ۱ را نسبت به آنچه از دنیا آرزومند است بهره‌مند نساز و او را در حرارت
- ۲ آتشت در آخرت فروافکن^{۹۸۴}.
- ۳ ۱۳. روایت شده است که: فرشته‌ای از بالاترین ردیف فرشتگان، مشتاق دیدار
- ۴ محمد بود، لذا از پروردگارش اذن خواست که به زمین فرود آید تا ایشان
- ۵ را زیارت نماید و این ملک از زمانی که آفریده شده بود هیچ گاه به زمین
- ۶ فرود نیامده بود، پس زمانی که خوایت فرود آید خداوند به او وحی
- ۷ فرستاد که: ای ملک! به محمد خبر بده که مردی از امتش که نامش یزید
- ۸ است طفل (فرزند) پاک پسر بانوئی پاک نظیر مریم بتول دختر عمران را
- ۹ خواهد کشت.
- ۱۰ پس آن فرشته گفت: (وقتی) من به زمین فرود آمدم و مسرور دیدار
- ۱۱ پیامبرت محمد شدم چگونه به او این خبر جانکاه را بدهم؟! من شرم دارم
- ۱۲ که او را به درد بیاورم بخاطر کشته شدن فرزندش، ای کاش به زمین
- ۱۳ فرود نمی آمدم.
- ۱۴ از بالای سر فرشته ندا داده شد که: انجام بده آنچه را که به آن امر شدی!
- ۱۵ پس فرشته به سوی رسول خدا آمد و بالهایش را نزد ایشان منتشر نمود و
- ۱۶ گفت: ای رسول خدا! بدان که همانا من از پروردگارم بخاطر شوق
- ۱۷ دیدارت و زیارتت اذن فرود به زمین را خواستم و ای کاش پروردگارم
- ۱۸ بالم را می شکست و من آورنده این خبر نبودم و لکن چاره‌ای جز اطاعت
- ۱۹ از امر پروردگارم نیست. بدان ای محمد! مردی از امتت که نامش یزید
- ۲۰ است - خداوند لعنت او را در دنیا و عذابش را در آخرت زیاد بنماید -
- ۲۱ طفل پاکت پسر بانوئی پاک را می کشد و هرگز قاتلش در نیا بهره‌ای
- ۲۲ نخواهد برد مگر کمی و خداوند او را می گیرد بخاطر نقاص عمل زشتش و
- ۲۳ مخلد در دوزخ خواهد بود.
- ۲۴ پس به شدت پیامبر گریست و فرمود: ای ملک! آیا رستگار خواهند شد
- ۲۵ آن امتی که فرزندم را و طفل دخترم بکشند؟!^{۹۸۵} (آن ملک) گفت: ای محمد
- ۲۶ نه!، خداوند آنها را طرد می کند با اختلاف قلبها و زبانهایشان^{۹۸۵}.

^۱ اللَّهُمَّ اخْذْ مَنْ خَذَكَ وَاقْتُلْ مَنْ قَتَلَهُ ، وَلَا تَمَتَّعْ بِمَا أَمَلَهُ مِنَ الدُّنْيَا وَأَصِلْهُ حَرَّ نَارِكِ فِي
الْآخِرَةِ.

^۲ أَيُّهَا الْمَلِكُ هَلْ تَفْلَحُ أُمَّةٌ تَقْتُلُ وَكَلِدِي وَفَرَحُ ابْنَتِي؟

فهرست مطالب

۲	پیشگفتار	۲
۳	و اما امام حسین (علیه السلام)	۳
۴	راه بی ولایت	۴
۶	کوشش شیطان برای انحراف از راه ولایت	۶
۶	اعجاز هدایت	۶
۷	اما این کتاب	۷
۹	حقیقت زیارت	۹
۱۱	دلایل اهمیت زیارت امام حسین (علیه السلام) (۲۱ دلیل):	۱۱
۱۳	استخفاف زیارت	۱۳
۱۳	آثار ترک زیارت: (۱۱ اثر)	۱۳
۱۵	ثوابها	۱۵
۱۷	ثواب	۱۷
۱۸	مصادیق هدایت خداوند (۲۲ مصداق):	۱۸
۲۰	ثوابهای جایگزین آیا با عدالت خداوند سازگار است؟!:	۲۰
۲۳	مرور بر ثوابها (۱۶۶ ثواب):	۲۳
۳۱	فضائل زیارت جزو اسرار	۳۱
۳۳	شرایط ثواب و ملاک میزان آن (۶ شرط):	۳۳
۳۳	۱- معرفت امام (علیه السلام)	۳۳
۳۴	۲- خلوص	۳۴
۳۵	۳- مشقت	۳۵
۳۶	۴- شوق:	۳۶
۳۷	۵- ادب:	۳۷

۳۷.....	۱	۶- تکرار:
۳۸.....	۲	زائر چهره ای شناخته شده.....
۳۸.....	۳	کتابی به نام ناموس.....
۴۰.....	۴	بر به اهل البیت (علیهم السلام).....
۴۰.....	۵	دلایل ضرورت بر به اهل البیت (علیهم السلام) (۳ دلیل):.....
۴۰.....	۶	دلیل اول:.....
۴۰.....	۷	سخن ائمه (علیهم السلام) در موضوع والدین معنوی.....
۴۳.....	۸	دلیل دوم:.....
۴۳.....	۹	دلیل سوم:.....
۴۵.....	۱۰	ارتباط موجودات جهان با زائر.....
۴۵.....	۱۱	مقدمه.....
۴۶.....	۱۲	سه حدیث در موضوع ارتباط.....
۴۸.....	۱۳	ثواب زیارت دیگر ائمه (علیهم السلام):.....
۴۸.....	۱۴	مقدمه.....
۴۸.....	۱۵	ثواب زیارت هریک از امامان بزرگوار (علیهم السلام).....
۴۸.....	۱۶	ثواب زیارت پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) (۶ ثواب):.....
۴۹.....	۱۷	ثواب زیارت امام علی (علیه السلام) (۸ ثواب):.....
۴۹.....	۱۸	ثواب زیارت حضرت زهراء (علیها السلام) (۲ ثواب):.....
۴۹.....	۱۹	ثواب زیارت امام حسن (علیها السلام) (۲ ثواب):.....
۵۰.....	۲۰	ثواب زیارت امام باقر (علیها السلام) (۱ ثواب):.....
۵۰.....	۲۱	ثواب زیارت امام صادق (علیها السلام) (۳ ثواب):.....
۵۰.....	۲۲	ثواب زیارت امام موسی (علیها السلام) (۳ ثواب):.....
۵۰.....	۲۳	ثواب زیارت امام رضا (علیها السلام) (۱۹ ثواب):.....
۵۲.....	۲۴	ثواب زیارت امام حسن عسکری (علیها السلام) (۱ ثواب):.....
۵۲.....	۲۵	ثواب زیارت حضرت معصومه (علیها السلام) (۱ ثواب):.....

ثواب زیارت امام حسین علیه السلام / ۱۵۳

- ۱ ثواب زیارت حضرت عبد العظیم (رضی اللہ عنہ) (۱ ثواب): ۵۲
- ۲ بحث تفصیلی بعضی از ثوابها ۵۳
- ۳ تکریم زائر ۵۵
- ۴ تکریم زائر توسط خداوند (۷ مورد): ۵۵
- ۵ تکریم زائر توسط اهل البیت و انبیاء (علیهم السلام) (۶ مورد): ۵۶
- ۶ تکریم زائر توسط ملائک (۱۵ مورد): ۵۷
- ۷ زیارت خداوند ۵۹
- ۸ دعای اهل البیت (علیهم السلام) ۶۱
- ۹ ثمرات دعا برای دیگری (۸ ثمره): ۶۲
- ۱۰ دعای امام صادق (علیه السلام) برای زوار امام حسین (علیہ السلام) ۶۳
- ۱۱ عناوین بلند ۶۵
- ۱۲ ولی الله ۶۵
- ۱۳ حزب الله ۶۵
- ۱۴ مفلح ۶۷
- ۱۵ صفات رستگاران در قرآن (۱۸ صفت): ۶۷
- ۱۶ سعید ۷۰
- ۱۷ تطبیق مصادیق سعادت بر زائر (۱۰ مصادیق): ۷۲
- ۱۸ شفاعت ۷۴
- ۱۹ ثوابهای معادل ۷۶
- ۲۰ معادله زیارت با حج و عمره (۲۱ مورد): ۷۶
- ۲۱ فهم احادیث معادله زیارت با حج ۷۷
- ۲۲ معادله زیارت با جهاد (۶ مورد): ۷۹
- ۲۳ معادله زیارت با آزاد نمودن برده (۴ مورد): ۸۰
- ۲۴ معادله زیارت با دیگر عبادات (۳ مورد): ۸۰

۱	آمرزش گناه	۸۱
۲	تعبیر امید بخش برای زائر (۱۶ تعبیر):	۸۱
۳	موارد «آمرزش گناهان آینده و گذشته» (۱۹ مورد):	۸۳
۴	استجاب دعا	۸۵
۵	دعاهای اخروی مستجاب (۹ دعا):	۸۵
۶	دعاهای دنیوی مستجاب (۷ دعا):	۸۵
۷	تعبیری زیبا از استجاب دعا زیر قُبّه (۵ تعبیر):	۸۷
۸	ارزش گامهای زائر	۸۹
۹	گامهای مقدس (۲۴ مورد):	۸۹
۱۰	گامهای نامقدس (۱۶ مورد):	۹۱
۱۱	ارزش گامهای زائر (۷ مورد):	۹۳
۱۲	امنیت جانی و مالی	۹۴
۱۳	نمونه هائی از امنیت روانی زائر (۱۲ نمونه):	۹۴
۱۴	مراحل دهگانه مرگ زائر (۳۷ مورد):	۹۶
۱۵	مرحله آغاز مرگ	۹۶
۱۶	مرحله غسل و کفن و نماز	۹۷
۱۷	مرحله شب اول قبر	۹۷
۱۸	مرحله خروج از قبر	۹۷
۱۹	مرحله محاسبه	۹۸
۲۰	مرحله صراط	۹۹
۲۱	مرحله شفاعت	۹۹
۲۲	مرحله قیامت	۹۹
۲۳	مرحله کنار عرش	۱۰۰
۲۴	مرحله ورود به بهشت	۱۰۱

۱۰۲.....	۱ آداب زیارت	
۱۰۴.....	۲ آداب عام زیارت (۴۴ ادب)	
۱۰۶.....	۳ آداب خاص زیارت امام حسین (علیه السلام) (۱۴ ادب):	
۱۰۸.....	۴ آداب دیگر مربوط به امام حسین (علیه السلام) (۳ ادب):	
۱۱۰.....	۵ ملاکهای میزان زیارت (۴ ملاک):	
۱۱۱.....	۶ زمان زیارت	
۱۱۱.....	۷ بهترین زمان زیارت به ترتیب اهمیت (۱۵ اولویت):	
۱۱۵.....	۸ خاتمه	
۱۱۷.....	۹ کربلا	
۱۱۷.....	۱۰ کربلا پاکترین سرزمین	
۱۱۷.....	۱۱ مقایسه کربلا و مکه	
۱۱۹.....	۱۲ موضع قبر (۴ محدوده):	
۱۱۹.....	۱۳ خاک کربلا	
۱۱۹.....	۱۴ موارد استفاده از تربت کربلا (۵ مورد):	
۱۲۰.....	۱۵ آداب برداشتن تربت (۹ ادب)	
۱۲۱.....	۱۶ شرایط اثر بخشی تربت (۴ شرط)	
۱۲۲.....	۱۷ کربلا مطاف اولیاء خداوند (۱۱ قصه):	
۱۲۷.....	۱۸ عزاداری	
۱۲۷.....	۱۹ ثواب گریستن بر امام حسین (علیه السلام) (۱۳ ثواب):	
۱۳۰.....	۲۰ همه بر حسین میگیرند (۱۳ مورد)	
۱۳۰.....	۲۱ گریه فرشتگان:	
۱۳۰.....	۲۲ گریه دوزخ:	
۱۳۱.....	۲۳ گریه زمین:	
۱۳۱.....	۲۴ گریه آسمان:	

۱	گریه خورشید و کوهها: ۱۳۱
۲	گوشه‌های از اندوه جانکاه اولیاء خداوند بر امام حسین (علیهم السلام) (۱۰ قصه):
۳ ۱۳۱
۴	اهمیت مرثیه سرائی (۶ مورد): ۱۴۰
۵	نمونه هائی از مرثیه امام حسین (علیه السلام) (۱۳ نمونه): ۱۴۳
۶	فهرست مطالب ۱۵۱
۷	آدرس مستندات خطا محل یاب تعریف نشده.
۸	

۱	کامل‌الزیارات / ۱۶۸
۲	نهج البلاغة / ۱۷۵
۳	تفسیر العیاشی: ۲/۲۳۴
۴	علل الشرائع: ۲/۴۵۹
۵	بحار الانوار: ۲۴/۶
۶	تأویل الآیات الظاهرة / ۸۲۳
۷	الغیبة للنعمانی / ۲۲۴
۸	بشارة المصطفی / ۹۴
۹	الکافی: ۱/۵۲۷
۱۰	تفسیر فرات الکوفی / ۳۴۸
۱۱	الکافی: ۲/۱۸
۱۲	بصائر الدرجات / ۳۵۸
۱۳	معانی الاخبار / ۳۹۲
۱۴	شوری: ۲۳

١٥ المناقب / ٣٤

١٦ بقره: ١١٥

١٧ كامل الزيارات / ١٩٣

١٨ كامل الزيارات / ١٢٢

١٩ كامل الزيارات / ١٩٣

٢٠ كامل الزيارات / ١٩٣

٢١ كامل الزيارات / ١٢٢

٢٢ كامل الزيارات / ١٢٢

٢٣ من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٨٢

٢٤ كتاب المزار / ٢٧

٢٥ كامل الزيارات / ١٤٦

٢٦ وسائل الشيعة: ١٤/٤٩٩

٢٧ كامل الزيارات / ١١٢

٢٨ كامل الزيارات / ١١٢

٢٩ كامل الزيارات / ١١٢

٣٠ الكافي: ٤/٥٧٩

٣١ الكافي: ٤/٥٧٩

٣٢ بحار الانوار: ٩٨/١٤

٣٣ بحار الانوار: ٩٨/١٤

٣٤ بحار الانوار: ١٢١٩٧

٣٥ الأمل للطوسي / ٥٤

٣٦ كامل الزيارات / ٢٦٩

- ٣٧ كامل الزيارات / ٢٦٩
- ٣٨ كامل الزيارات / ٣٢٤
- ٣٩ من لا يحضره الفقيه ٢ / ٥٨٢
- ٤٠ تهذيب الاحكام: ٤٥ / ٦
- ٤١ كامل الزيارات // ١٩٣
- ٤٢ كتاب المزار / ٢٧
- ٤٣ بحار الانوار: ٩٨ ٥
- ٤٤ تهذيب الاحكام: ١١٦ ٦
- ٤٥ كامل الزيارات / ٢٩٦
- ٤٦ كامل الزيارات / ٩١
- ٤٧ بحار الانوار: ٩٨ / ٦
- ٤٨ كامل الزيارات / ٣٣١
- ٤٩ بحار الانوار: ٩٨ / ٦
- ٥٠ تهذيب الاحكام: ٤٣ / ٦
- ٥١ تهذيب الاحكام: ٤٥ / ٦
- ٥٢ تهذيب الاحكام: ٤٥ / ٦
- ٥٣ تهذيب الاحكام: ٤٤ / ٦
- ٥٤ كامل الزيارات / ١٩٣
- ٥٥ تهذيب الاحكام: ٤٤ / ٦
- ٥٦ كامل الزيارات / ١٩٣
- ٥٧ كامل الزيارات / ١٩٣
- ٥٨ وسائل الشيعة: ٤٣٥ / ١٤

- ٥٩ كامل الزيارات / ٣٣١
- ٦٠ كامل الزيارات / ٢٩٥
- ٦١ كامل الزيارات / ١٩٣
- ٦٢ كامل الزيارات / ١٩٣
- ٦٣ كامل الزيارات / ١٥١
- ٦٤ البقره: ١٢
- ٦٥ تحف العقول / ١٥٩
- ٦٦ الكافي: ٣/٢٦٢
- ٦٧ الكافي: ١/١٢
- ٦٨ تفسير العياشي: ١/٢٧٦
- ٦٩ المحاسن: ١/٢٨١
- ٧٠ معاني الاخبار ٣٩٢
- ٧١ بحار الانوار: ٧٥/١٣
- ٧٢ تحف العقول / ٤٨٣
- ٧٣ ليل: ٨ - ١٠
- ٧٤ تفسير القمي: ٢/٤٢٥
- ٧٥ الأمل للطوسي / ٦١٣
- ٧٦ تحف العقول / ٢٠٤
- ٧٧ بحار الانوار: ٦ ٢٤
- ٧٨ تأويل الآيات الظاهرة / ٧١٦
- ٧٩ كهف ٧
- ٨٠ التمهيد / ٥٧
- ٨١ تفسير العياشي: ٢/١٦٣

- ٨٢ كامل الزيارات / ٢٩٥
- ٨٣ وسائل الشيعة: ١٤/٤٦٤
- ٨٤ إقبال الأعمال / ٢١١
- ٨٥ الكافي: ٤/٥٧٩
- ٨٦ كامل الزيارات / ١٤٨
- ٨٧ بحار الانوار: ٩٧/١٢٤
- ٨٨ بحار الانوار: ٩٧/١٢٤
- ٨٩ كامل الزيارات / ٢٠٧
- ٩٠ بحار الانوار: ٩٧/١٢٤
- ٩١ بحار الانوار: ٩٧/١٢٤
- ٩٢ كامل الزيارات / ١٣٣
- ٩٣ كامل الزيارات / ١٣٣
- ٩٤ جامع الاخبار / ٢٥
- ٩٥ تهذيب الاحكام: ٦/٤٩
- ٩٦ كامل الزيارات / ١٤٨
- ٩٧ كامل الزيارات / ١٤٨
- ٩٨ الأمالي للطوسي / ٥٤
- ٩٩ تهذيب الاحكام: ٦/٤٩
- ١٠٠ كامل الزيارات / ١٤٤
- ١٠١ ثواب الأعمال / ٩٠
- ١٠٢ بحار الانوار: ٩٧/١٢٤
- ١٠٣ كامل الزيارات / ٣٣١

- ١٠٤ بحار الانوار: ٩٨/١٤٦
١٠٥ وسائل الشيعة: ١٤/٤٧٣
١٠٦ من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٨٢
١٠٧ وسائل الشيعة: ١٤/٤٦٤
١٠٨ كامل الزيارات/ ١٣٥
١٠٩ ثواب الأعمال/ ٩٧
١١٠ كامل الزيارات/ ١٢١
١١١ كامل الزيارات/ ٢٩١
١١٢ الكافي: ١/٥٢٧
١١٣ بحار الانوار: ٩٨/٤٧
١١٤ من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٨٢
١١٥ من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٨٢
١١٦ .كتاب المزار/ ٤٨
١١٧ كامل الزيارات/ ٢٠٨
١١٨ كامل الزيارات/ ٢٠٨
١١٩ كامل الزيارات/ ٨٥
١٢٠ تهذيب الاحكام: ٦/٤٥
١٢١ كامل الزيارات/ ٢٩٥
١٢٢ كامل الزيارات/ ١٤٢
١٢٣ كامل الزيارات/ ١٣٧
١٢٤ كامل الزيارات/ ٨٥
١٢٥ تهذيب الاحكام: ٦/٤٥

- ١٢٦ كامل الزيارات / ١٢٨
١٢٧ تهذيب الاحكام: ٤٥/٦
١٢٨ كامل الزيارات / ١٢٣
١٢٩ كامل الزيارات / ٨٥
١٣٠ ثواب الأعمال / ٨٨
١٣١ كامل الزيارات / ١٤٥
١٣٢ كامل الزيارات / ١٤٥
١٣٣ كامل الزيارات / ٨٥
١٣٤ كامل الزيارات / ٨٥
١٣٥ كامل الزيارات / ٨٥
١٣٦ تهذيب الاحكام: ٤٥/٦
١٣٧ كامل الزيارات / ١٤٢
١٣٨ كامل الزيارات / ١٤٢
١٣٩ كامل الزيارات / ١٤٢
١٤٠ كامل الزيارات / ١٤٢
١٤١ كامل الزيارات / ١٤٢
١٤٢ كامل الزيارات / ١٤٢
١٤٣ بحار الانوار: ٦٦/٩٨
١٤٤ بحار الانوار: ٦٦/٩٨
١٤٥ بحار الانوار: ٦٧/٩٨
١٤٦ بحار الانوار: ٦٧/٩٨
١٤٧ كامل الزيارات / ١٢٣

- ١٤٨ كامل الزيارات / ١٢٣
١٤٩ كامل الزيارات / ١٢٣
١٥٠ كامل الزيارات / ١٢٣
١٥١ كامل الزيارات / ١٢٣
١٥٢ كامل الزيارات / ١٢٣
١٥٣ كامل الزيارات / ١٢٣
١٥٤ تهذيب الأحكام: ٤/٤
١٥٥ كامل الزيارات / ١٢٣
١٥٦ كامل الزيارات / ١٢٣
١٥٧ كامل الزيارات / ١٢٣
١٥٨ مصباح المتعبد / ٧١٦
١٥٩ كامل الزيارات / ١٢٣
١٦٠ كامل الزيارات / ١٢٣
١٦١ كامل الزيارات / ١٢٣
١٦٢ كامل الزيارات / ١٢٣
١٦٣ كامل الزيارات / ١٢٣
١٦٤ كامل الزيارات / ١٢٣
١٦٥ كامل الزيارات / ١٢٣
١٦٦ كامل الزيارات / ١٢٣
١٦٧ كامل الزيارات / ١٤٥
١٦٨ تهذيب الأحكام: ٤/٤٥
١٦٩ تهذيب الاحكام: ٤/٤٥

١٧٠ تهذيب الاحكام: ٤٥/٦

١٧١ كامل الزيارات / ١٣٣

١٧٢ كامل الزيارات / ١٦٦

١٧٣ ثواب الأعمال / ٩١

١٧٤ ثواب الأعمال / ٩١

١٧٥ تهذيب الاحكام: ٤٨/٦

١٧٦ ثواب الأعمال / ٩١

١٧٧ كامل الزيارات / ١٨٠

١٧٨ بحار الانوار: ١٢٤/٩٧

١٧٩ كامل الزيارات / ١٣٢

١٨٠ تأويل الآيات الظاهرة / ٣٨٠

١٨١ ثواب الأعمال / ٩٤

١٨٢ كامل الزيارات / ١٢٨

١٨٣ كامل الزيارات / ٣٢٤

١٨٤ جامع الاخبار / ٢٥

١٨٥ تهذيب الاحكام: ٤٨/٦

١٨٦ تهذيب الاحكام: ٧٣/٦

١٨٧ تهذيب الاحكام: ٧٣/٦

١٨٨ كامل الزيارات / ١٢٦

١٨٩ بحار الانوار: ١٤/٩٨

١٩٠ تهذيب الاحكام: ٤٨/٦

١٩١ الكافي: ٥٧٩/٤

١٩٢ تهذيب الاحكام: ٥٢/٦

١٩٣ كامل الزيارات / ١٤٤

١٩٤ كتاب المزار / ٣٨

١٩٥ من لا يحضره الفقيه: ٢ / ٥٨٠

١٩٦ الأمل للطوسي / ٦٦٨

١٩٧ كامل الزيارات / ١٤٠

١٩٨ ثواب الأعمال / ٩٣

١٩٩ كامل الزيارات / ١٦٣

٢٠٠ بحار الأنوار: ٩٨ / ٤٤

٢٠١ تهذيب الأحكام: ٦ / ٧٣

٢٠٢ كتاب المزار / ١٣٣

٢٠٣ تهذيب الأحكام: ٦ / ٤٩

٢٠٤ كامل الزيارات / ١٤٢

٢٠٥ كامل الزيارات / ١٤٢

٢٠٦ كتاب المزار / ٣٨

٢٠٧ بحار الأنوار: ٩٨ / ٣٦

٢٠٨ تهذيب الأحكام: ٦ / ٧٣

٢٠٩ تهذيب الأحكام: ٦ / ٤٩

٢١٠ كامل الزيارات / ١٤٢

٢١١ كامل الزيارات / ١٤٢

٢١٢ كامل الزيارات / ١٥٣

٢١٣ كامل الزيارات / ١٤٢

٢١٤ تهذيب الأحكام: ٦ / ٤٧

٢١٥ كامل الزيارات / ١٤٣

- ٢١٦ كامل الزيارات / ١٤٢
- ٢١٧ الأمل للطوسي / ٥٤
- ٢١٨ بحار الانوار: ٩٨/٧٥
- ٢١٩ كامل الزيارات / ١٤٥
- ٢٢٠ كامل الزيارات / ١٥٣
- ٢٢١ بحار الانوار: ٩٨/٦٥
- ٢٢٢ كامل الزيارات / ١٥١
- ٢٢٣ كامل الزيارات / ١٤٥
- ٢٢٤ كامل الزيارات / ١٤١
- ٢٢٥ كامل الزيارات / ١٤١
- ٢٢٦ كامل الزيارات / ١٥٣
- ٢٢٧ إقبال الأعمال / ٢١١
- ٢٢٨ بحار الانوار: ٩٩/٤٢
- ٢٢٩ كامل الزيارات / ١٦٦
- ٢٣٠ كامل الزيارات / ١٦٥
- ٢٣١ كامل الزيارات / ١٢٣
- ٢٣٢ بحار الانوار: ٩٨/٣٦
- ٢٣٣ من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٨٠
- ٢٣٤ الكافي: ٤/٥٨١
- ٢٣٥ تهذيب الاحكام: ٦/٧٣
- ٢٣٦ الكافي: ٤/٥٨٠
- ٢٣٧ كامل الزيارات / ١٧١
- ٢٣٨ تهذيب الاحكام: ٦/٤٩

- ٢٣٩ كامل الزيارات / ١٢٢
٢٤٠ تهذيب الاحكام: ٤٩/٦
٢٤١ تهذيب الاحكام: ٤٩/٦
٢٤٢ ثواب الأعمال / ٩٣
٢٤٣ كامل الزيارات / ١٢٢
٢٤٤ كامل الزيارات / ١١٢
٢٤٥ بحار الانوار: ٨٦/٩٨
٢٤٦ مصباح المتعبد / ٧١٥
٢٤٧ كامل الزيارات / ٣٢٤
٢٤٨ بحار الأنوار: ٧٥/٩٨
٢٤٩ بحار الانوار: ٧٥/٩٨
٢٥٠ وسائل الشيعة: ٤٦٤/١٤
٢٥١ بحار الانوار: ١٢١/٩٧
٢٥٢ ثواب الأعمال / ٩١
٢٥٣ تهذيب الاحكام: ٥٠/٦
٢٥٤ بحار الانوار: ١٢١/٩٧
٢٥٥ الأمل للطوسي / ٥٤
٢٥٦ مصباح المتعبد / ٧١٦
٢٥٧ مصباح المتعبد / ٧١٥
٢٥٨ كامل الزيارات / ١٧١
٢٥٩ بحار الانوار: ٧٥/٩٨
٢٦٠ الكافي: ٥٨٧/٤

٢٦١ بحار الانوار: ٩٨/١٤

٢٦٢ ثواب الأعمال / ٨٨

٢٦٣ عيون أخبار الرضا (عليه السلام): ٢/٤٨

٢٦٤ ثواب الأعمال / ٨٦

٢٦٥ كامل الزيارات / ١٦٤

٢٦٦ تهذيب الاحكام: ٦/٤٩

٢٦٧ وسائل الشيعة: ١٤/٤٦٤

٢٦٨ بحار الانوار: ٤/٥٤

٢٦٩ الكافي: ١/١٨٠

٢٧٠ الكافي: ١/١٨٣

٢٧١ بقره: ٢٥٦، لقمان: ٢٢

٢٧٢ بحار الانوار: ٢٣/٣٥

٢٧٣ الكافي: ١/١٨٣

٢٧٤ بقره: ٢٦٩

٢٧٥ الكافي: ١/١٨٥

٢٧٦ نمل: ٨٩

٢٧٧ بحار الانوار: ٢٤/٤٢

٢٧٨ بحار الانوار: ٤/٥٤

٢٧٩ كامل الزيارات / ٨٥

٢٨٠ كامل الزيارات / ١٩٣

٢٨١ الكافي: ٢/٥٨٢

٢٨٢ كامل الزيارات / ١٤٤

- ٢٨٣ حجر: ٤٢ - ٤٠
- ٢٨٤ تفسير فرات كوفي / ٥٦
- ٢٨٥ كامل الزيارات / ١٤٥
- ٢٨٦ وسائل الشيعة: ١٤ / ٣٣١
- ٢٨٧ كامل الزيارات / ١٤١
- ٢٨٨ كامل الزيارات / ١٤٤
- ٢٨٩ كامل الزيارات / ١٤٤
- ٢٩٠ ثواب الأعمال / ٩٣
- ٢٩١ شرح نهج البلاغة: ١٩ / ٨٣
- ٢٩٢ بحار الانوار: ٦٧ / ١٩١
- ٢٩٣ كامل الزيارات / ١٢٦
- ٢٩٤ ثواب الأعمال / ٩٤
- ٢٩٥ كامل الزيارات / ١٢٣
- ٢٩٦ ثواب الأعمال / ٩٤
- ٢٩٧ كامل الزيارات / ١٤٥
- ٢٩٨ كامل الزيارات / ٢٩٥
- ٢٩٩ كامل الزيارات / ١٢٣
- ٣٠٠ كامل الزيارات / ١٤٢
- ٣٠١ تحف العقول / ١٥٩
- ٣٠٢ كامل الزيارات / ١٤٢
- ٣٠٣ كامل الزيارات / ١٤٢
- ٣٠٤ كامل الزيارات / ١٤٣

- ٣٠٥ كامل الزيارات / ١٣٧
- ٣٠٦ بحار الانوار: ٩٨/٧٥
- ٣٠٧ بحار الانوار: ٩٨/٧٥
- ٣٠٨ تهذيب الاحكام: ٦/٥١
- ٣٠٩ تهذيب الاحكام: ٦/٥٢
- ٣١٠ كامل الزيارات / ١٨٣
- ٣١١ مصباح المتعبد / ٨٢٩
- ٣١٢ الأمل للطوسي / ٥٤
- ٣١٣ كتاب سليم بن قيس / ٨٠٤
- ٣١٤ المحاسن: ١/٢٠٣
- ٣١٥ الخرائج والجرائح: ٢/٦٣٦
- ٣١٦ بصائر الدرجات / ١٧٠
- ٣١٧ الكافي: ١/٢٢٣
- ٣١٨ بصائر الدرجات / ٥٤
- ٣١٩ المحاسن: ١/٢٠٣
- ٣٢٠ بصائر الدرجات / ١٧٢
- ٣٢١ بصائر الدرجات / ١٧٣
- ٣٢٢ بصائر الدرجات / ٥٤
- ٣٢٣ الخرائج والجرائح: ٢/٦٠٧
- ٣٢٤ بصائر الدرجات / ١٧٢
- ٣٢٥ المحاسن: ١/٢٠٣
- ٣٢٦ الخرائج والجرائح: ٢/٦٣٦

- ۳۲۷ الاختصاص / ۸۸
- ۳۲۸ بصائر الدرجات / ۱۷۰
- ۳۲۹ ثواب الأعمال / ۹۴
- ۳۳۰ البقرة : ۸۳، النساء : ۳۶، الأنعام : ۱۵۱، الإسراء : ۲۳، الشورى : ۲۳
- ۳۳۱ البقرة : ۲۷، بحار الانوار : ۸ ۳۶
- ۳۳۲ تفسير الإمام العسكري / ۳۳۱
- ۳۳۳ الشورى : ۲۳
- ۳۳۴ آل عمران : ۹۲
- ۳۳۵ مستدرک الوسائل : ۱۰ / ۳۱۹
- ۳۳۶ مريم : ۹۶
- ۳۳۷ حج : ۱۸
- ۳۳۸ مراجعه شود به بحار الانوار : ۲۶۱ / ۲۷ بابهای ۱۶ و ۱۷
- ۳۳۹ بحار الانوار : ۶۵ / ۹۸
- ۳۴۰ کامل الزیارات / ۳۲۴
- ۳۴۱ علل الشرائع : ۲۲۷ / ۱
- ۳۴۲ الأمالی للصدوق / ۱۲۰
- ۳۴۳ بحار الانوار : ۹۷ / ۱۱۸
- ۳۴۴ الکافی : ۴ / ۵۷۰
- ۳۴۵ عیون اخبار الرضا (علیه السلام) : ۱ / ۱۱۵
- ۳۴۶ کامل الزیارات / ۳۳۱
- ۳۴۷ تهذیب الأحکام : ۶ / ۳
- ۳۴۸ تهذیب الأحکام : ۶ / ۳
- ۳۴۹ تهذیب الأحکام : ۶ / ۴

- ٣٥٠ تهذيب الأحكام: ٤/٤
- ٣٥١ تهذيب الأحكام: ٤/٤
- ٣٥٢ تهذيب الأحكام: ٤/٤
- ٣٥٣ الكافي: ٤/٥٧١
- ٣٥٤ الكافي: ٤/٥٧١
- ٣٥٥ إرشاد القلوب: ٢/٤٤٢
- ٣٥٦ فرحة الغرى / ٩٤
- ٣٥٧ فرحة الغرى / ٩٤
- ٣٥٨ تهذيب الأحكام: ٤/٤
- ٣٥٩ تهذيب الأحكام: ٢٣/٤
- ٣٦٠ تهذيب الأحكام: ٢٤/٤
- ٣٦١ كشف الغمة: ١/٤٧٢
- ٣٦٢ تهذيب الأحكام: ٩/٤
- ٣٦٣ بحار الانوار: ٩٧/١٤١
- ٣٦٤ تهذيب الأحكام: ٤/٤
- ٣٦٥ تهذيب الأحكام: ٧٨/٤
- ٣٦٦ تهذيب الأحكام: ٧٨/٤
- ٣٦٧ تهذيب الأحكام: ٧٨/٤
- ٣٦٨ تهذيب الأحكام: ٧٨/٤
- ٣٦٩ وسائل الشيعة: ١٤/٥٤٦
- ٣٧٠ ثواب الأعمال / ٩٨
- ٣٧١ من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٨٢

- ٣٧٢ من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٨٥
- ٣٧٣ من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٨٥
- ٣٧٤ من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٨٥
- ٣٧٥ من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٨٥
- ٣٧٦ روضة الواعظين: ١/٢٣٣
- ٣٧٧ وسائل الشيعة: ١٤/٥٦٦
- ٣٧٨ بحار الانوار: ٩٩/٣٣
- ٣٧٩ عيون اخبار الرضا (عليه السلام): ٢/٢٥٧
- ٣٨٠ من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٨٤
- ٣٨١ الأمل للصدوق / ١٢٠
- ٣٨٢ من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٨٤
- ٣٨٣ الأمل للصدوق / ١٢٠
- ٣٨٤ الأمل للصدوق / ١٢٠
- ٣٨٥ من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٨٤
- ٣٨٦ عيون أخبار الرضا (عليه السلام): ٢/٢٥٩
- ٣٨٧ دعائم الإسلام: ١/١٤٠
- ٣٨٨ بحار الانوار: ٩٩/٣٦
- ٣٨٩ من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٨٣
- ٣٩٠ عيون أخبار الرضا (عليه السلام): ٢/٢٥٦
- ٣٩١ الكافي: ٤/٥٨٤
- ٣٩٢ تهذيب الأحكام: ٦/٢٤
- ٣٩٣ عيون أخبار الرضا (عليه السلام): ٢/٢٦٧

- ٣٩٤ كامل الزيارات / ٣٢٤
٣٩٥ كامل الزيارات / ١٤٣
٣٩٦ كامل الزيارات / ١٥٣
٣٩٧ بحار الانوار: ٩٨/٧٥
٣٩٨ كامل الزيارات / ٢٩٥
٣٩٩ بحار الانوار: ٩٨/٧٥
٤٠٠ تهذيب الاحكام: ٦/٤٩
٤٠١ جامع الاخبار / ١٨٢
٤٠٢ قمر: ٥٤ و ٥٥
٤٠٣ كامل الزيارات / ١٤١
٤٠٤ كامل الزيارات / ٢٠٧
٤٠٥ ثواب الأعمال / ٩١
٤٠٦ جامع الاخبار / ٢٥
٤٠٧ كامل الزيارات / ١٢٢
٤٠٨ كامل الزيارات / ١٢٥
٤٠٩ تهذيب الاحكام: ٦/٤٨
٤١٠ إقبال الأعمال / ٢١٢
٤١١ ثواب الأعمال / ٩٤
٤١٢ ثواب الأعمال / ٩٤
٤١٣ ثواب الأعمال / ٩١
٤١٤ بحار الانوار: ٩٨/٦٧
٤١٥ كامل الزيارات / ١٣٣

- ٤١٦ كامل الزيارات / ١٤٥
٤١٧ كامل الزيارات / ١٥٣
٤١٨ بحار الانوار: ٩٨/١٤
٤١٩ ثواب الأعمال / ٨٨
٤٢٠ كامل الزيارات / ١٤٥
٤٢١ كامل الزيارات / ١٤٥
٤٢٢ كامل الزيارات / ١٤٢
٤٢٣ بحار الانوار: ٩٨/٦٥
٤٢٤ كامل الزيارات / ٣٢٤
٤٢٥ تهذيب الاحكام: ٦/٤٥
٤٢٦ بحار الانوار: ٩٨/٦٦
٤٢٧ مصباح المتعجب / ٧١٦
٤٢٨ ثواب الأعمال / ٩٤
٤٢٩ كامل الزيارات / ٢٠٨
٤٣٠ الكافي: ٤/٥٧٩
٤٣١ كامل الزيارات / ١٤٨
٤٣٢ كمال الدين: ١/٢٨٢
٤٣٣ إعلام الوري / ٢١١
٤٣٤ العمدة / ٤٠٦
٤٣٥ الأمل للصدوق / ١٢٠
٤٣٦ كامل الزيارات / ١١٢
٤٣٧ بحار الانوار: ٩٨/١٠١
٤٣٨ بحار الانوار: ٥٣/١٧٤

- ۴۳۹ کامل الزیارات / ۱۲۸
- ۴۴۰ ثواب الأعمال / ۹۴
- ۴۴۱ نهج البلاغة / ۳۹۱
- ۴۴۲ بلد: ۱۲
- ۴۴۳ عدة الداعی / ۱۶
- ۴۴۴ عدة الداعی / ۱۷
- ۴۴۵ عدة الداعی / ۱۳۴
- ۴۴۶ یوسف: ۸۷
- ۴۴۷ غافر: ۶۰
- ۴۴۸ عدة الداعی / ۱۳۱
- ۴۴۹ الکافی: ۲/۵۰۸
- ۴۵۰ مناقبین: ۵
- ۴۵۱ مستدرک الوسائل: ۴/۴۷۱
- ۴۵۲ کامل الزیارات / ۱۲۸
- ۴۵۳ وسائل الشیعة: ۷/۱۱۴
- ۴۵۴ وسائل الشیعة: ۷/۱۱۴
- ۴۵۵ مستدرک الوسائل: ۵/۲۴۶
- ۴۵۶ مستدرک الوسائل: ۵/۲۴۶
- ۴۵۷ مستدرک الوسائل: ۵/۲۴۶
- ۴۵۸ الکافی: ۲/۵۰۷
- ۴۵۹ الکافی: ۲/۵۰۷
- ۴۶۰ وسائل الشیعة: ۷/۱۱۰

- ٤٦١ ثواب الأعمال / ٩٤
٤٦٢ كامل الزيارات / ١٣٣
٤٦٣ جامع الاخبار / ٢٥
٤٦٤ تهذيب الاحكام: ٤٩ / ٦
٤٦٥ كامل الزيارات / ١٤٤
٤٦٦ الكافي: ١٩١ / ٢
٤٦٧ ثواب الأعمال / ٩٤
٤٦٨ كامل الزيارات / ١٣٢
٤٦٩ كامل الزيارات / ١٣٣
٤٧٠ المائة: ٥٥ و ٥٦
٤٧١ المجادلة: ١٩
٤٧٢ الروم: ٣٢
٤٧٣ المائة: ٥١، الأنفال: ٧٣، الأنفال: ٧٣
٤٧٤ فاطر: ٤٠
٤٧٥ المجادلة: ٢٢
٤٧٦ بحار الانوار: ٦ / ٦٥
٤٧٧ وسائل الشيعة: ١٩٥ / ٢٧
٤٧٨ بحار الانوار: ٢٥ / ٤
٤٧٩ بحار الانوار: ١٣٩ / ٣٦
٤٨٠ الكافي: ٦٥ / ٢
٤٨١ مستدرک الوسائل: ٣٥١ / ٤
٤٨٢ مستدرک الوسائل: ٢١٠ / ٥
٤٨٣ بحار الانوار: ١٠٦ / ٢٣

٤٨٤ مستدرک الوسائل: ١٢/٢٥٦

٤٨٥ مجادله/ ٢٢

٤٨٦ جامع الاخبار/ ٢٥

٤٨٧ البقرة: ٢ - ٥

٤٨٨ البقرة: ١٨٩

٤٨٩ الحج: ٧٧

٤٩٠ آل عمران: ١٠٤

٤٩١ المائدة: ٣٥

٤٩٢ بحار الانوار: ٢٢/٢٥

٤٩٣ التوبة: ٨٨

٤٩٤ كامل الزيارات/ ١٢٣

٤٩٥ المائدة: ٩٠

٤٩٦ ثواب الأعمال/ ٩٤

٤٩٧ بحار الانوار: ٢٦٠/٨٢

٤٩٨ تفسير العياشي: ٢/٢٣٤

٤٩٩ الأنعام: ٢١

٥٠٠ النجم: ٣

٥٠١ الصوارم المهرقة/ ٢٢٤

٥٠٢ الكافي: ٣٢١/٥

٥٠٣ الكافي: ٣٢١/٥

٥٠٤ اعراف: ٧٤

٥٠٥ الكافي: ٤٢٢/١

٥٠٦ الأعراف: ١٥٧

٥٠٧ بحار الانوار: ٧١/٣٥١

٥٠٨ التوبة : ٣٢

٥٠٩ المؤمنون : ١

٥١٠ الكافي: ١/٤٢٠

٥١١ المؤمنون : ١١٧

٥١٢ بحار الانوار: ٩٨/٢٩٠

٥١٣ النور : ٣١

٥١٤ النور : ٥١

٥١٥ الكافي: ٤/٥٧٧

٥١٦ القصص : ٦٧

٥١٧ مستدرک الوسائل: ١٠/٣١١

٥١٨ مستدرک الوسائل: ١٠/٣١١

٥١٩ كتاب المزار/ ٢٧

٥٢٠ المجادلة : ٢٢

٥٢١ كامل الزيارات/ ١٣٣

٥٢٢ الحشر : ٩

٥٢٣ تهذيب الاحكام: ٦/٤٥

٥٢٤ الأعلى : ١٤

٥٢٥ تهذيب الاحكام: ٦/٤٩

٥٢٦ كامل الزيارات/ ٣٢٤

٥٢٧ كامل الزيارات/ ١٤٤

٥٢٨ الكافي: ١/١٥٢

٥٢٩ الكافي: ١/١٥٢

- ۵۳۰ الکافی: ۱/۱۸۰
۵۳۱ المحاسن: ۱/۲۸۰
۵۳۲ بحار الانوار: ۵/۱۵۸
۵۳۳ کامل الزیارات/ ۱۵۱
۵۳۴ مستدرک الوسائل: ۱۳/۲۹۲
۵۳۵ غرر الحکم/ ۱۶۷
۵۳۶ غرر الحکم/ ۱۶۷
۵۳۷ غرر الحکم/ ۱۶۷
۵۳۸ غرر الحکم/ ۱۶۷
۵۳۹ غرر الحکم/ ۱۶۷
۵۴۰ غرر الحکم/ ۱۶۷
۵۴۱ غرر الحکم/ ۱۶۷
۵۴۲ غرر الحکم/ ۱۶۷
۵۴۳ کامل الزیارات/ ۱۴۲
۵۴۴ انبیاء: ۲۸
۵۴۵ بحار الانوار: ۸/۳۴
۵۴۶ المائده: ۳
۵۴۷ بحار الانوار: ۹۹/۴۲
۵۴۸ کامل الزیارات/ ۱۶۶
۵۴۹ کامل الزیارات/ ۱۶۵
۵۵۰ کامل الزیارات/ ۱۲۳
۵۵۱ کتاب المزار/ ۱۵۱

- ٥٥٢ إقبال الأعمال / ٢١١
- ٥٥٣ كامل الزيارات / ١٢٣
- ٥٥٤ كتاب المزار / ١٥١
- ٥٥٥ ثواب الأعمال / ٨٦
- ٥٥٦ وسائل الشيعة: ١٤ / ٤٢٦
- ٥٥٧ كامل الزيارات / ١٥٨
- ٥٥٨ تهذيب الاحكام: ٦ / ٤٧
- ٥٥٩ الكافي: ٤ / ٥٨١
- ٥٦٠ من لا يحضره الفقيه: ٢ / ٥٨٠
- ٥٦١ كتاب المزار / ٣٨
- ٥٦٢ كامل الزيارات / ١٤٢
- ٥٦٣ تهذيب الاحكام: ٦ / ٥١
- ٥٦٤ تهذيب الاحكام: ٦ / ٧٣
- ٥٦٥ الكافي: ٤ / ٥٨٠
- ٥٦٦ كامل الزيارات / ١٧١
- ٥٦٧ كتاب المزار / ١٣٣
- ٥٦٨ الكافي: ٤ / ٥٤٨
- ٥٦٩ كامل الزيارات / ١٤٠
- ٥٧٠ ثواب الأعمال / ٩٣
- ٥٧١ كامل الزيارات / ١٦٣
- ٥٧٢ ثواب الأعمال / ٩٢
- ٥٧٣ بحار الانوار: ٩٨ / ٤٤

- ٥٧٤ بحار الانوار: ٩٨/٤٤
- ٥٧٥ تهذيب الاحكام: ٦/٤٩
- ٥٧٦ الأمل للطوسي / ٦٦٨
- ٥٧٧ وسائل الشيعة: ٤٤/٤٥١
- ٥٧٨ كامل الزيارات / ٢٦٦
- ٥٧٩ كامل الزيارات / ٢٦٦
- ٥٨٠ تهذيب الاحكام: ٦/٥٠
- ٥٨١ كامل الزيارات / ١٥٦
- ٥٨٢ الأمل للصدوق / ١٢٠
- ٥٨٣ الأمل للطوسي / ٦٦٨
- ٥٨٤ مصباح المتعبد / ٧١٥
- ٥٨٥ علل الشرائع: ٢/٤٥٩
- ٥٨٦ تفسير العياشي: ٢/٢٣٤
- ٥٨٧ الكافي: ٤/٥٨١
- ٥٨٨ من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٨٠
- ٥٨٩ تهذيب الاحكام: ٦/٤٩
- ٥٩٠ كامل الزيارات / ١٧١
- ٥٩١ الكافي: ٤/٥٨٠
- ٥٩٢ تهذيب الاحكام: ٦/٧٣
- ٥٩٣ كامل الزيارات / ١٦٤
- ٥٩٤ كامل الزيارات / ١٤٢
- ٥٩٥ تهذيب الاحكام: ٦/٧٣
- ٥٩٦ تهذيب الاحكام: ٦/٤٩

- ٥٩٧ ثواب الأعمال / ٩٧
- ٥٩٨ كامل الزيارات / ١٤٢
- ٥٩٩ كامل الزيارات / ١٤٢
- ٦٠٠ وسائل الشيعة: ١٤ / ٣٣١
- ٦٠١ كامل الزيارات / ١٤٤
- ٦٠٢ كتاب المزار / ٣٧
- ٦٠٣ كامل الزيارات / ١٥٣
- ٦٠٤ إقبال الأعمال / ١٠
- ٦٠٥ كامل الزيارات / ١٨٤
- ٦٠٦ كامل الزيارات / ١٤٤
- ٦٠٧ بحار الانوار: ٩٨ / ٩٨
- ٦٠٨ إقبال الأعمال / ١٠
- ٦٠٩ بحار الانوار: ٩٧ / ١٤
- ٦١٠ . بحار الانوار: ٩٨ / ١٤٦
- ٦١١ كامل الزيارات / ١٤٤
- ٦١٢ كامل الزيارات / ٣٣١
- ٦١٣ بحار الانوار: ٩٨ / ١٤٦
- ٦١٤ تهذيب الاحكام: ٦ / ٤٥
- ٦١٥ ثواب الأعمال / ٩٤
- ٦١٦ كامل الزيارات / ١٣٣
- ٦١٧ كامل الزيارات / ١٤٥
- ٦١٨ كامل الزيارات / ٥١

- ٦١٩ كامل الزيارات / ١٨٤
٦٢٠ كامل الزيارات / ١٤٥
٦٢١ كامل الزيارات / ٥١
٦٢٢ كامل الزيارات / ٣٣١
٦٢٣ كامل الزيارات / ١٤٢
٦٢٤ كامل الزيارات / ١٣٣
٦٢٥ الكافي: ١٤/٥٨٩
٦٢٦ كامل الزيارات / ١٨٠
٦٢٧ بحار الانوار: ٩٧/١٢٤
٦٢٨ دعائم الإسلام: ١/٢٩٤
٦٢٩ من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٨٤
٦٣٠ إرشاد القلوب: ٢/٢٠٩
٦٣١ كشف الغمة: ١/٣٩٥
٦٣٢ كفاية الأثر: ٢٤٩
٦٣٣ المناقب: ٤/١٣٤
٦٣٤ مصباح الشريعة / ١٥٨
٦٣٥ الخصال: ٢/٥٤٤
٦٣٦ ثواب الأعمال / ١١٣
٦٣٧ من لا يحضره الفقيه: ١/٤٩٥
٦٣٨ مصباح المتعبد / ٢٦٠
٦٣٩ مستدرک الوسائل: ٦/١١٦
٦٤٠ بحار الانوار: ٨٧/٦٦

٦٤١ المصباح للكفعمي / ٤٠٦

٦٤٢ دعائم الإسلام: ١/٢٨١

٦٤٣ فضائل الأشهر الثلاثة / ٢٤

٦٤٤ فضائل الأشهر الثلاثة / ٣٧

٦٤٥ بحار الانوار: ٩٤/٦٥

٦٤٦ إقبال الأعمال / ٦٩٩

٦٤٧ بحار الانوار: ٩٤/٣٨٣

٦٤٨ كامل الزيارات / ٢٧٤

٦٤٩ المقنعة / ٤٨٥

٦٥٠ كامل الزيارات / ١٤٤

٦٥١ كامل الزيارات / ٥١

٦٥٢ كتاب المزار / ١٠١

٦٥٣ بحار الانوار: ٩٨/٦٦

٦٥٤ كامل الزيارات / ١٤٢

٦٥٥ ثواب الأعمال / ٩٤

٦٥٦ كامل الزيارات / ١٣٧

٦٥٧ كامل الزيارات / ١٢٢

٦٥٨ المقنعة / ٤٨٥

٦٥٩ كامل الزيارات / ١٤١

٦٦٠ كامل الزيارات / ١٤٢

٦٦١ كامل الزيارات / ٨٥

٦٦٢ كامل الزيارات / ١٤٨

- ٦٦٣ كتاب المزار / ١٠١
- ٦٦٤ من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٨٢
- ٦٦٥ كامل الزيارات / ٢٧٤
- ٦٦٦ كامل الزيارات / ١٢٧
- ٦٦٧ قصص الأنبياء للجزائري / ٤٠٦
- ٦٦٨ تهذيب الاحكام: ٦/٥١
- ٦٦٩ وسائل الشيعة: ١٤/٤٧٣
- ٦٧٠ كامل الزيارات / ١٦٨
- ٦٧١ كامل الزيارات / ١٣٢
- ٦٧٢ كامل الزيارات / ٢٧٤
- ٦٧٣ مريم: ٢٢
- ٦٧٤ قصص الأنبياء للجزائري / ٤٠٦
- ٦٧٥ بحار الانوار: ٢٦/٣٤٠
- ٦٧٦ من لا يحضره الفقيه: ٢/٦١٩
- ٦٧٧ مصباح الشريعة / ١١
- ٦٧٨ النور: ٢٤
- ٦٧٩ مصباح الشريعة / ١١
- ٦٨٠ تذكرة الفقهاء: ١/٣٧١
- ٦٨١ إيضاح الفوائد: ١/٥
- ٦٨٢ البقرة: ٢٥٠
- ٦٨٣ الصحيفة السجادية / ١٩٧
- ٦٨٤ مستدرک الوسائل: ١٥/١٨٠

- ٦٨٥ المحاسن: ١/٧٠
- ٦٨٦ كامل الزيارات/٢٥٥
- ٦٨٧ عيون اخبارالرضا (عليه السلام): ١/٣٠٠
- ٦٨٨ الكافي: ٢/١٤٥
- ٦٨٩ الكافي: ٢/١٩٤
- ٦٩٠ من لا يحضره الفقيه: ١/٢٣٣
- ٦٩١ من لا يحضره الفقيه: ٤/١٥
- ٦٩٢ من لا يحضره الفقيه: ٤/١٧
- ٦٩٣ وسائل الشيعة: ٧/٢٩٨
- ٦٩٤ وسائل الشيعة: ١٢/١٠٤
- ٦٩٥ وسائل الشيعة: ١٦/١٣٤
- ٦٩٦ وسائل الشيعة: ١٨/٤٤١
- ٦٩٧ مستدرک الوسائل: ٤/٤٠
- ٦٩٨ دعائم الإسلام: ٢/١٨٥
- ٦٩٩ البقرة: ١٦٨
- ٧٠٠ وسائل الشيعة: ٩/٤٦٣
- ٧٠١ من لا يحضره الفقيه: ١/٥٥
- ٧٠٢ فصلت: ٢٩
- ٧٠٣ الكافي: ٥/٥١٧
- ٧٠٤ مستدرک الوسائل: ١٦/٢٠٦
- ٧٠٥ الكافي: ٦/٥٤٠
- ٧٠٦ الكافي: ٨/٣٨٩

٧٠٧ مستدرک الوسائل: ١٤/٣٥٠

٧٠٨ من لا يحضره الفقيه: ٣/٥٧٢

٧٠٩ وسائل الشيعة: ٢١/٢٨٥

٧١٠ وسائل الشيعة: ١٢/٢٨٥

٧١١ وسائل الشيعة: ١٢/٣٠٨

٧١٢ وسائل الشيعة: ١٥/٣٨١

٧١٣ بحار الانوار: ٢/٣٠٨

٧١٤ النور: ٣١

٧١٥ كامل الزيارات/ ١٣٢

٧١٦ كامل الزيارات/ ٣٣١

٧١٧ كامل الزيارات/ ٢٥٥

٧١٨ كامل الزيارات/ ٣٣١

٧١٩ كامل الزيارات/ ٢٥٥

٧٢٠ كامل الزيارات/ ٣٣١

٧٢١ كامل الزيارات/ ٢٥٥

٧٢٢ تهذيب الاحكام: ٦/٥٣

٧٢٣ كامل الزيارات/ ١٣٣

٧٢٤ كامل الزيارات/ ١٣٣

٧٢٥ نحل/ ٤٣

٧٢٦ تهذيب الاحكام: ٦/٤٨

٧٢٧ من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٨٢

٧٢٨ ثواب الأعمال/ ٩٠

٧٢٩ كامل الزيارات / ١٢٣

٧٣٠ بحار الانوار: ٩٨ / ١٤

٧٣١ دعائم الإسلام: ١ / ١٤٠

٧٣٢ من لا يحضره الفقيه: ٢ / ٥٨٢

٧٣٣ ثواب الأعمال / ٩٣

٧٣٤ كتاب المزار / ٤٨

٧٣٥ تهذيب الاحكام: ٦ / ٤٥

٧٣٦ كامل الزيارات / ٢٧٤

٧٣٧ كامل الزيارات / ١٤٥

٧٣٨ كامل الزيارات / ١٣٣

٧٣٩ كامل الزيارات / ١٥١

٧٤٠ كامل الزيارات / ١٨٣

٧٤١ كامل الزيارات / ١٥١

٧٤٢ كامل الزيارات / ٢٠٧

٧٤٣ بحار الانوار: ٩٨ / ٦٦

٧٤٤ كامل الزيارات / ١٢٣

٧٤٥ كامل الزيارات / ٨٥

٧٤٦ كامل الزيارات / ١٤٢

٧٤٧ كامل الزيارات / ١٢٣

٧٤٨ كامل الزيارات / ١٢٣

٧٤٩ كامل الزيارات / ٢٠٨

٧٥٠ تهذيب الاحكام: ٦ / ٤٥

- ٧٥١ كامل الزيارات / ١٤٢
- ٧٥٢ كامل الزيارات / ١٢٣
- ٧٥٣ تهذيب الاحكام: ٤٧/٦
- ٧٥٤ كامل الزيارات / ١٢٦
- ٧٥٥ كامل الزيارات / ١٢٥
- ٧٥٦ كامل الزيارات / ١٢٣
- ٧٥٧ وسائل الشيعة: ٤٧٣/١٤
- ٧٥٨ كامل الزيارات / ١٤٢
- ٧٥٩ كامل الزيارات / ١٢٣
- ٧٦٠ كامل الزيارات / ١٤٢
- ٧٦١ تأويل الآيات الظاهرة / ٣٨٠
- ٧٦٢ كامل الزيارات / ١٥٣
- ٧٦٣ بحار الانوار: ٤٢/٩٩
- ٧٦٤ كامل الزيارات / ١٦٦
- ٧٦٥ كامل الزيارات / ١٦٥
- ٧٦٦ كامل الزيارات / ١٢٣
- ٧٦٧ كامل الزيارات / ١٦٦
- ٧٦٨ ثواب الأعمال / ٩٠
- ٧٦٩ كامل الزيارات / ١٤٢
- ٧٧٠ كامل الزيارات / ١٢٢
- ٧٧١ كامل الزيارات / ١٤٥
- ٧٧٢ كامل الزيارات / ١٣٣
- ٧٧٣ كامل الزيارات / ١٢٢

- ٧٧٤ بحار الانوار: ٩٨/٨٦
- ٧٧٥ مصباح المتعجب: ٧١٥
- ٧٧٦ بحار الانوار: ٩٧/١٢٤
- ٧٧٧ كامل الزيارات: ١٣٧
- ٧٧٨ كامل الزيارات: ١٣٥
- ٧٧٩ كامل الزيارات: ١٤٣
- ٧٨٠ بحار الانوار: ٩٨/٧٥
- ٧٨١ المقنعة: ٤٨٥
- ٧٨٢ كامل الزيارات: ٨٥
- ٧٨٣ كامل الزيارات: ١٤٢
- ٧٨٤ كامل الزيارات: ١٤١
- ٧٨٥ كامل الزيارات: ١٤٢
- ٧٨٦ كامل الزيارات: ١٤١
- ٧٨٧ از ١ تا ١٤: كامل الزيارات / ١٣٠
- ٧٨٨ از ١٥ ببعد: مرآة الكمال
- ٧٨٩ تهذيب الاحكام: ٦/٧٦
- ٧٩٠ بحار الأنوار: ٩٨/١٩٧
- ٧٩١ بحار الانوار: ١٤/٩٨
- ٧٩٢ من لا يحضره الفقيه: ٢/٢٨١
- ٧٩٣ من لا يحضره الفقيه: ٢/٢٨١
- ٧٩٤ كامل الزيارات: ١٣٠
- ٧٩٥ بحار الانوار: ٩٧/١٢٤

- ٧٩٦ بحار الانوار: ١٤/٩٨
- ٧٩٧ كامل الزيارات / ١٣١
- ٧٩٨ تهذيب الاحكام: ٦/٧٦
- ٧٩٩ كامل الزيارات / ١٣١
- ٨٠٠ من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٩٨
- ٨٠١ كامل الزيارات / ٢٠١
- ٨٠٢ كامل الزيارات / ٢١٦
- ٨٠٣ كامل الزيارات / ٢١٤
- ٨٠٤ كامل الزيارات / ٢٣٨
- ٨٠٥ كامل الزيارات / ٢٣٧
- ٨٠٦ كامل الزيارات / ٢٤٥
- ٨٠٧ كامل الزيارات / ٢٤٨
- ٨٠٨ كامل الزيارات / ١٨٨
- ٨٠٩ بحار الأنوار: ٩٨/١٧٠
- ٨١٠ بحار الأنوار: ٩٨/١٧٤
- ٨١١ بحار الانوار: ٩٨/٢٩٠
- ٨١٢ بحار الانوار: ٩٨/٢٩٠
- ٨١٣ بحار الانوار: ٩٨/٢٩٠
- ٨١٤ ثواب الأعمال / ٨٨
- ٨١٥ كامل الزيارات / ٢٩٤
- ٨١٦ كامل الزيارات / ٢٩٦
- ٨١٧ كامل الزيارات / ٢٩٥

- ٨١٨ كامل الزيارات / ٢٩٦
٨١٩ كامل الزيارات / ٢٩٤
٨٢٠ ثواب الأعمال / ٨٨
٨٢١ إقبال الأعمال / ١٠
٨٢٢ إقبال الأعمال / ٥٥٨
٨٢٣ إقبال الأعمال / ٢١٢
٨٢٤ تهذيب الاحكام: ٦/٤٩
٨٢٥ كامل الزيارات / ٣٢٤
٨٢٦ تهذيب الاحكام: ٦/٤٨
٨٢٧ كامل الزيارات / ١٨٠
٨٢٨ بحار الانوار: ٩٨/٩٨
٨٢٩ بحار الانوار: ٩٨/٩٨
٨٣٠ إقبال الأعمال / ٧١٠
٨٣١ كامل الزيارات / ١٩٣
٨٣٢ مصباح المتهدد / ٨٢٩
٨٣٣ إقبال الأعمال / ٧١٠
٨٣٤ تهذيب الاحكام: ٦/٤٩
٨٣٥ مصباح المتهدد / ٧١٦
٨٣٦ تهذيب الاحكام: ٦/٥١
٨٣٧ تهذيب الاحكام: ٦/٥١
٨٣٨ تهذيب الاحكام: ٦/٥١
٨٣٩ تهذيب الاحكام: ٦/٥١

- ٨٤٠ إقبال الأعمال / ١٠
- ٨٤١ إقبال الأعمال / ١٠
- ٨٤٢ وسائل الشيعة: ١٤/٤٧٣
- ٨٤٣ تهذيب الاحكام: ٦/٤٨
- ٨٤٤ تهذيب الاحكام: ٦/٤٨
- ٨٤٥ كامل الزيارات / ١١٢
- ٨٤٦ تهذيب الاحكام: ٦/١١٠
- ٨٤٧ كتاب المزار / ٢٣
- ٨٤٨ كامل الزيارات / ٢٦٨
- ٨٤٩ كامل الزيارات / ٢٦٨
- ٨٥٠ كامل الزيارات / ٢٦٣
- ٨٥١ كتاب المزار / ١٤٣
- ٨٥٢ كامل الزيارات / ٢٦٧
- ٨٥٣ كامل الزيارات / ٢٧٠
- ٨٥٤ كامل الزيارات / ٢٧٠
- ٨٥٥ كتاب المزار / ٢٣
- ٨٥٦ كتاب المزار / ٢٣
- ٨٥٧ كامل الزيارات / ٢٦٦
- ٨٥٨ كامل الزيارات / ٢٦٧
- ٨٥٩ كامل الزيارات / ١٥٩
- ٨٦٠ كامل الزيارات / ١١٢
- ٨٦١ بحار الانوار: ٩٨/١١٠

- ٨٦٢ كامل الزيارات / ٢٦٣
- ٨٦٣ كامل الزيارات / ١١٢
- ٨٦٤ كامل الزيارات / ٢٧٢
- ٨٦٥ تهذيب الاحكام: ٦/٧١
- ٨٦٦ بحار الانوار: ٩٨/١١٠
- ٨٦٧ بحار الانوار: ٩٨/١١٥
- ٨٦٨ الكافي: ٤/٥٨٨
- ٨٦٩ كامل الزيارات / ٢٨٠
- ٨٧٠ من لا يحضره الفقيه: ٢/٥٩٩
- ٨٧١ الكافي: ٤/٥٨٨
- ٨٧٢ الدعوات / ١٨٧
- ٨٧٣ بحار الانوار: ٩٨/١٢٤
- ٨٧٤ تهذيب الاحكام: ٦/٧٥
- ٨٧٥ وسائل الشيعة: ٣/٢٩
- ٨٧٦ مصباح المتعبد / ٧٣٥
- ٨٧٧ تهذيب الاحكام: ٦/٧٤
- ٨٧٨ الدعوات / ١٨٨
- ٨٧٩ بحار الانوار: ٩٨/١٣٥
- ٨٨٠ مكارم الأخلاق / ٢٨١
- ٨٨١ تهذيب الاحكام: ٦/٧٥
- ٨٨٢ كتاب المزار / ١٥١
- ٨٨٣ كتاب المزار / ١٥١

- ٨٨٤ مصباح المتعبد / ٧٣٥
- ٨٨٥ كتاب المزار / ١٥١
- ٨٨٦ كتاب المزار / ١٥١
- ٨٨٧ تهذيب الاحكام: ٦/٧٤
- ٨٨٨ مصباح المتعبد / ٧٣٤
- ٨٨٩ مكارم الأخلاق / ١٦٧
- ٨٩٠ مكارم الأخلاق / ١٦٧
- ٨٩١ مكارم الأخلاق / ١٦٧
- ٨٩٢ المحاسن: ٢/٥٠٠
- ٨٩٣ بحار الانوار: ٩٨/١٢٨
- ٨٩٤ وسائل الشيعة: ٢٤/٢٢٨
- ٨٩٥ كامل الزيارات / ٢٨٠
- ٨٩٦ كتاب المزار / ١٤٣
- ٨٩٧ بحار الانوار: ٩٨/١٣٢
- ٨٩٨ الكافي: ٤/٥٨٨
- ٨٩٩ كتاب المزار / ١٤٥
- ٩٠٠ كامل الزيارات / ٢٨٠
- ٩٠١ كامل الزيارات / ٢٨٠
- ٩٠٢ الكافي: ٦/٢٦٥
- ٩٠٣ بحار الانوار: ٤٤/٢٤٢
- ٩٠٤ بحار الانوار: ٤٤/٢٤٢
- ٩٠٥ بحار الانوار: ٤٤/٢٤٢

- بحار الانوار: ۴۴/۲۴۲: ۹۰۶
بحار الانوار: ۴۴/۲۴۴: ۹۰۷
بحار الانوار: ۴۴/۲۴۴: ۹۰۸
بحار الانوار: ۴۴/۲۴۴: ۹۰۹
کامل الزیارات / ۱۱۲: ۹۱۰
الخرائج والجرائح: ۱/۱۸۳: ۹۱۱
کامل الزیارات / ۲۶۹: ۹۱۲
مریم: ۲۲: ۹۱۳
قصص الأنبياء للجزائري / ۴۰۶: ۹۱۴
کامل الزیارات / ۲۶۹: ۹۱۵
مستدرک الوسائل: ۱۰/۳۱۹: ۹۱۶
مستدرک الوسائل: ۱۰/۳۱۸: ۹۱۷
مستدرک الوسائل: ۱۰/۳۱۲: ۹۱۸
علل الشرائع: ۱/۲۲۷: ۹۱۹
الأمالی للطوسي / ۱۶۱: ۹۲۰
مستدرک الوسائل: ۱۰/۳۱۱: ۹۲۱
مستدرک الوسائل: ۱۰/۳۱۸: ۹۲۲
کامل الزیارات / ۱۰۶: ۹۲۳
الکافی: ۲/۲۲۶: ۹۲۴
تفسیر القمی: ۲/۲۹۲: ۹۲۵
بحار الانوار: ۹۸/۲۹۰: ۹۲۶
کفاية الأثر / ۲۴۹: ۹۲۷

- ۹۲۸ الأُمالی للمفید / ۱۷۴
- ۹۲۹ جامع الاخبار / ۱۱۰
- ۹۳۰ مستدرک الوسائل: ۱۰/۳۱۹
- ۹۳۱ بحار الانوار: ۴۵/۲۰۶
- ۹۳۲ بحار الانوار: ۴۵/۲۰۶
- ۹۳۳ بحار الانوار: ۴۵/۲۰۶
- ۹۳۴ بحار الانوار: ۴۵/۲۰۶
- ۹۳۵ مکارم الأخلاق / ۳۱۵
- ۹۳۶ مستدرک الوسائل: ۱۰/۳۱۳
- ۹۳۷ بحار الانوار: ۴۵/۲۰۶
- ۹۳۸ بحار الانوار: ۴۴/۲۸۲
- ۹۳۹ بحار الانوار: ۴۵/۲۰۶
- ۹۴۰ بحار الانوار: ۴۴/۲۸۹
- ۹۴۱ بحار الانوار: ۴۵/۲۰۶
- ۹۴۲ بحار الانوار: ۴۵/۲۰۶
- ۹۴۳ بحار الانوار: ۴۵/۲۰۸
- ۹۴۴ بحار الانوار: ۴۵/۲۰۶
- ۹۴۵ بحار الانوار: ۴۵/۲۰۶
- ۹۴۶ بحار الانوار: ۴۵/۲۰۶
- ۹۴۷ علل الشرائع: ۱/۲۲۷
- ۹۴۸ علل الشرائع: ۱/۲۲۷
- ۹۴۹ بحار الانوار: ۴۵/۲۰۶

- بحار الانوار: ۴۵/۲۰۸ ۹۵۰
بحار الانوار: ۴۴/۲۴۵ ۹۵۱
بحار الانوار: ۴۴/۲۸۰ ۹۵۲
الأمالی للصدوق/ ۱۲۸ ۹۵۳
بحار الانوار: ۴۴/۲۸۹ ۹۵۴
صافات: ۱۰۷ ۹۵۵
الخصال: ۱/۵۸ ۹۵۶
بقره: ۳۷ ۹۵۷
بحار الانوار: ۴۴/۲۴۵ ۹۵۸
وسائل الشیعة: ۳/۲۸۲ ۹۵۹
بحار الانوار: ۴۶/۱۰۹ ۹۶۰
بحار الانوار: ۴۶/۱۰۹ ۹۶۱
بحار الانوار: ۴۶/۱۰۸ ۹۶۲
بحار الانوار: ۴۴/۲۸۳ ۹۶۳
قصص الأنبياء للجزائری/ ۷۸ ۹۶۴
بحار الأنوار: ۴۴/۲۸۸ ۹۶۵
مستدرک الوسائل: ۱۰/۳۸۶ ۹۶۶
وسائل الشیعة: ۱۴/۵۹۹ ۹۶۷
مستدرک الوسائل: ۱۰/۳۹۱ ۹۶۸
مستدرک الوسائل: ۱۰/۳۹۷ ۹۶۹
مستدرک الوسائل: ۱۰/۳۹۳ ۹۷۰
کامل الزیارات/ ۱۰۴ ۹۷۱

- ٩٧٢ المناقب: ٤/٧٥
- ٩٧٣ كامل الزيارات / ٩١
- ٩٧٤ كامل الزيارات / ١٥٣
- ٩٧٥ الأُمالي للطوسي / ٦٦٨
- ٩٧٦ بحار الأنوار: ٩٨/٤٤
- ٩٧٧ كامل الزيارات / ١٦٨
- ٩٧٨ كامل الزيارات / ٣٢٤
- ٩٧٩ عيون أخبار الرضا (عليه السلام): ١/٢٩٩
- ٩٨٠ تهذيب الأحكام: ٦/٢٢
- ٩٨١ الاحتجاج: ٢/٤٦٣
- ٩٨٢ مشير الأُحزان / ٩٦
- ٩٨٣ بحار الأنوار: ٤٤/٣٠٨
- ٩٨٤ مدينة المعاجز: ٣/٤٣٢
- ٩٨٥ مدينة المعاجز: ٣/٤٣٢